

استراتژی های موفق معامله گری در بازار ارز

Summary (47.67)													
Currency	P/L Sell	S Amt (K)	Av Sell	Sell	Buy	Av Buy	B Amt (K)	P/L Buy	Amt (K)	Gross P/L	Net P/L		
EUR/USD	13:01:33			0.0000	1.2792	0.0000	0	0.00	-300	120.00	87.00		
USD/JPY	13:01:38			116.33	0.00	116.43	100	-85.96	100	-85.96	-85.96		
	Low:1.2774	High:1.2954	Low:116.08	High:116.67	0.0000	1.2351	0.0000	0	0.00	-100	-113.35	-157.15	
	1.27	82	1.27	85	116	42	116	46					
	Sell	Buy	Sell	Buy									
GBP/USD	13:01:36			1.5791	0.0000	1.5620	100	-234.85	100	-234.85	-234.85		
USD/CHF	13:01:29			0.7628	0.0000	0.7500	100	180.00	100	180.00	174.20		
	Low:1.8663	High:1.9001	Low:1.2209	High:1.2374	2.4807	0.0000	0.7500	100	312.83	100	312.83	288.43	
	1.88	17	1.89	22	1.23	64	1.23	69					
	Sell	Buy	Sell	Buy									
EUR/JPY	13:00:04			0.7628	0.0000	0.7500	100	180.00	100	180.00	174.20		
AUD/USD	13:01:22			0.7628	0.0000	0.7500	100	180.00	100	180.00	174.20		
	Low:149.75	High:149.35	Low:0.7617	High:0.7674	0.76	26	0.76	30					
	149	84	149	88	0.76	26	0.76	30					
	Sell	Buy	Sell	Buy									

نوشته : کتی لین و بوریس شلوسبرگ

ترجمه : محمد رضا آیت الهی

Kathy Lien
Boris Schlossberg
Currency Strategists

نشر متا فارکس



<https://telegram.me/meta4x>

Including the Top 10 Trading Rules

Boris Schlossberg



Boris Schlossberg serves as the Senior Currency Strategist at FXCM in New York where he shares editorial duties with Kathy Lien for dailyfx.com. Dailyfx is one of the pre-eminent FX portal websites in the world attracting more than 3 million readers per month. The site covers currency trading 24 hours per day 5 days a week with 11 daily features 5 weekly pieces and 3 monthly articles. In addition to his daily duties of covering the Asian and European sessions of the FX trading day, Mr. Schlossberg also co-edits The Money Trader with Ms. Lien – one of the few investment advisory letters focusing strictly on the 2 Trillion/day FX market.

Mr. Schlossberg is also the author of “Technical Analysis of the Currency Market: Classic Techniques for Profiting from Market Swings and Trader Sentiment” from John Wiley and Sons (2006). He is a regular guest on CNBC World’s “Foreign Exchange” as well as CNBC television network and a frequent FX commentator for Bloomberg radio. His daily research is quoted by CBS Marketwatch/Dow Jones, Reuters, Bloomberg and Wall Street Journal.

Prior to becoming currency strategist, Mr. Schlossberg traded a variety of financial instruments including equities, options and stock index futures. His articles on subjects such as risk management, trader psychology and structure of modern electronic financial markets have appeared in SFO, Active Trader, Option Trader and Currency Trader magazines. Along with Ms. Lien, he is also the primary contributor to the forex section of the Investopedia website where his library of articles address a variety of technical and fundamental approaches to trade the currency market.

Kathy Lien



Kathy Lien is Chief Strategist at one of the world's largest retail forex market makers, FXCM in New York and author of the highly acclaimed book, "Day Trading the Currency Market: Technical and Fundamental Strategies to Profit from Market Swings (2005, Wiley)." As Chief Currency Strategist at FXCM, Kathy is responsible for providing research and analysis for DailyFX, one of the most popular currency research websites online. She publishes both technical and fundamental research reports, market commentaries and trading strategies. A seasoned FX analyst and trader, Kathy has direct interbank experience. Prior to joining FXCM, Kathy worked in JPMorgan Chase's Cross Markets and Foreign Exchange Trading groups using both technical and fundamental analysis to trade FX spot and options. She also has experience trading a number of products outside of FX, including interest rate derivatives, bonds, equities and futures. She has taught seminars around the world on day and swing trading the currency market. Kathy is also one of the authors of Investopedia's Forex Education section and has written for Tradingmarkets.com, the Asia Times Online, Stocks & Commodities Magazine, MarketWatch, ActiveTrader Magazine, Currency Trader, Futures Magazine and SFO. She is frequently quoted by Bloomberg, Reuters, the Wall Street Journal, and the International Herald Tribune and frequently appears on CNBC, CBS and Bloomberg Radio. She has also hosted trader chats on EliteTrader, eSignal and FXStreet, sharing her expertise in both technical and fundamental analysis. Her book "Day Trading the Currency Market: Technical and Fundamental Strategies to Profit from Market Swings" is designed for both the advanced and novice trader. Her easy to read and easy to apply book is filled with actionable strategies.

مقدمه مترجم

کتاب *High Probability Trading Setups for the Currency Market* یا « استراتژی های موفق معاملاتی در بازار ارز» یکی از جدید ترین و معتبر ترین کتب استراتژی های معاملاتی بازار فارکس می باشد. این کتاب یکی از معدود کتب معتبر تخصصی فارکس است که در سال 2006 توسط دو نفر از معروفترین استراتژیست های بازار فارکس نگاشته شده است. این کتاب در عین پیوستگی مطالب، دارای تقسیم بندی خاصی است که می تواند به صورت قسمت های مجزا نیز مورد استفاده قرار گیرد.

نام این کتاب به ما خاطر نشان می سازد که کلیه تحلیل ها، سیستم ها و تکنیک های معامله گری فقط به دنبال احتمال غالب موفقیت هستند نه قطعیت در موفقیت. معامله گرانی که در بقا بر معاملات زیان ده روز ها و حتی ماه ها پافشاری می کنند تا با یک یا چند معامله زیان ده کل سرمایه خود را از دست بدهند، بهتر است قبل از هر چیز به نام این کتاب توجه داشته باشند. **هیچ سیستم یا تحلیل کاملاً درستی نمی تواند متضمن موفقیت در یک معامله منفرد باشد.** بلکه تنها می تواند احتمال سود را از احتمال زیان بیشتر کند تا در بلند مدت و با معاملات متعدد سود دهی آن آشکار شود. ترجمه حاضر برای نخستین بار در هفته نامه های متافارکس طی سال 2007 ارائه گردیده و پس از پایان ترجمه به صورت کتاب الکترونیک رایگان به علاقه مندان تقدیم می شود. ساعات معاملاتی ذکر شده در این کتاب به وقت نیویورک یا EST است که 7:30 یا 8:30 ساعت با ساعت تهران اختلاف دارد.

استراتژی های مطرح شده در این کتاب، قبل از هر چیز منطق طراحی یک استراتژی و شرایط لازم را بیان می کند. توجه داشته باشید که کاربرد این استراتژی ها نیاز به دانش و مهارتی فراتر از مطالب این کتاب دارد. هر یک از این استراتژی ها ممکن است روی جفت ارزهای خاصی کارآئی بهتری داشته باشند. همچنین ممکن است حد زیان یا سایر پارامتر های هر کدام از این استراتژی ها بر حسب جفت ارز مورد معامله نیاز به تغییر داشته باشد. زمان ورود به معامله نیز اهمیت خاصی دارد. در بعضی ساعات روز برخی الگوها و استراتژی ها اعتبار کمتر یا بیشتری پیدا می کنند.

چارچوب زمانی پیشنهاد شده نیز قابل بررسی است. ممکن است استراتژی ای که برای چارچوب زمانی چهار ساعته پیشنهاد شده حتی در چارچوب پنج دقیقه در جفت ارز خاص و زمان خاصی سودآوری بهتری داشته باشد.

برخی از این استراتژی ها ممکن است زمانی سودآور بوده ولی امروز سود آور نباشند و یا شاید هرگز سودآور نبوده اند!

بنابراین به هیچ عنوان توصیه نمی شود که تنها با خواندن این کتاب و در حساب واقعی به استفاده از این استراتژی ها پرداخته شود. بلکه ضروری است که استراتژی منطبق با روحیات خود را یافته و در حساب مجازی روی جفت ارز های مورد نظر اقدام به آزمون روی داده های گذشته (بک تست) و داده های جاری (فوروارد تست) نمائیم. تا پارامتر های مناسب برای سودآوری استراتژی مشخص شود. همچنین ممکن است برقرار کردن شروطی اضافی بتواند به سودآوری استراتژی کمک کند. مثلاً یک اندیکاتور یا شرط زمانی بتواند تعداد سیگنال های غلط استراتژی را کاهش دهد.

بطور خلاصه باید توجه نمود که این بازار پویاست و روز به روز دستخوش تغییر می شود. استراتژی های سود ده متعددی معرفی شده و طی دوره ای سود آور بوده اند. ولی الگوریتمی جادویی که بدون نیاز به روز آمد کردن بتواند همواره سود بسازد، هیچگاه کشف نشده و هرگز نخواهد شد.

این ترجمه به طور رایگان در اختیار عموم علاقه مندان قرار می گیرد. ارسال این کتاب بدون جرح و تعدیل برای سایرین آزاد می باشد و نقل مطالب با ذکر منبع بلا مانع است.

محمد رضا آیت اللهی

خرداد 1387

فصل اول :

ده اصل معامله گری موفق

1- هرگز اجازه ندهید یک معامله برنده به بازنده تبدیل شود

سه بار تکرار کنید: سودت را حفظ کن، سودت را حفظ کن، سودت را حفظ کن. هیچ چیز بدتر از این نیست که ببینید معامله شما ابتدا در 30 پیپ سود رفته است ولی بعد از آن برگشته و حد زیان 40 پیپی شما را زده است. اگر شما تاکنون چنین چیزی را تجربه نکرده اید بسیار خوش شانس هستید. چنین حالتی بسیار بیش از آنچه شما تصور کنید اتفاق می افتد و نمونه بارزی از مدیریت سرمایه ضعیف است. بازار فارکس دارای حرکات سریعی است و سودها می توانند در چند دقیقه به زیان تبدیل شوند. بنابراین برای حفظ سرمایه خود باید به این موضوع توجه اکید داشته باشید.

یکی از قواعد اساسی معامله گری حفظ سود های بدست آمده است، حتی اگر 15 پیپ باشد. ممکن است تصور کنید که 15 پیپ مقدار اندکی است ولی در طی 10 معامله همین 15 پیپ به 150 پیپ تبدیل می شود که مقدار قابل توجهی است. این دیدگاه ممکن است شما را به یاد مادر بزرگ خسیسی بیندازد که پنی پنی پول ذخیره می کند. ولی اساس معامله گری هم همین است که شما زیان های خود را به حداقل برسانید و تا جایی که می شود پول بدست بیاورید. باید توجه کنید که این پول شماست، حتی اگر مقداری باشد که شما به عنوان ریسک منطقی برای از دست دادن تعریف کرده اید. شما باید خود را در این بازار حفظ کنید. درست مثل سربازی که در جبهه می جنگد و اولین و مهمترین هدفش زنده ماندن است.

دو روش ساده برای اینکار وجود دارد که باعث می شود معامله شما هرگز از برنده به بازنده تبدیل نشود. اولین روش توقف کششی (trailing stop) است. دومی مشتقی از اولی است. یعنی معاملات شما بیش از یکی باشد. توقف کششی یکی از بهترین روش های حفظ سود است. نکته کلیدی در توقف کششی این است که شما یک هدف قیمتی اولیه داشته باشید.

مثلا اگر هدف قیمتی اولیه شما 15 پیپ باشد، با رسیدن معامله شما به 15 پیپ سود، حد زیان خود را به نقطه سر به سر منتقل کنید. اگر قیمت برگشت و شما از معامله خارج شدید، بسیار عالی است و مثل اینکه اصلا وارد معامله نشده اید. اگر قیمت در جهت سود شما حرکت کرد، با افزایش هر 5 پیپ به سود شما، حد توقف را 5 پیپ نزدیک تر می آورید و 5 پیپ دیگر از سود خود را حفظ می کنید و به تدریج بر سود قطعی خود می افزائید.

روش دوم حفظ سود، معاملات چند گانه است. مثلا اگر شما دو معامله مشابه داشته باشید، می توانید برای هر کدام هدف قیمتی متفاوتی تعیین کنید. هدف قیمتی اول می تواند بسیار محافظه

کارانه و نزدیک به نقطه ورود تعیین شود. مثلا 15 یا 20 پیپ و هدف قیمتی دوم می تواند دورتر انتخاب شود تا در مجموع شما بتوانید نسبت ریسک به بازده مناسبی بدست آورید. وقتی قیمت به اولین هدف قیمتی شما رسید و اولین معامله بسته شد، شما می تواند حد زیان معامله دوم را به نقطه ورود منتقل نمائید. بنابراین شما هرگز اجازه نمی دهید که یک معامله برنده به بازنده تبدیل شود.

البته این 15 پیپ ذکر شده وحی منزل نیست و شما می توانید بر اساس روش های معاملاتی خود و چارچوب زمانی مورد استفاده، مقادیر دیگری انتخاب کنید. معاملات بلند مدت هدف اولیه بزرگتری مثل 50 تا 100 پیپ را طلب می کنند. در حالی که برای معاملات کوتاه مدت همان 15 پیپ مقدار مناسبی است.

2- منطق پیروز می شود و هیجان زده زدگی موجب نابودی

پول هائی که به دلیل معاملات ناشی از هیجان زدگی از دست رفته است بیش از زیانهائی است که به دلایل دیگر بوجود آمده است. از یک معامله گر مبتدی در مورد علت خرید یک جفت ارز سوال کنید. پاسخی که بیش از هر پاسخ دیگر خواهید شنید چنین است: « به اندازه کافی پائین آمده است و وقت برگشت آن است ». ما معمولا چشم خود را بر چنین دلایلی می بندیم، چون چیزی جز یک تفکر خیالپر دازانه نیست.

تحیر ما هرگز متوقف نمی شود از اینکه ببینیم چگونه افرادی سرسخت، باهوش و جسور در تجارت خود، در قمار خانه های لاس و گاس بگونه ای کاملا متفاوت عمل می کنند. برای مردان و زنانی که تاکنون هیچگاه یک دلار اضافه برای چیزی نپرداخته اند، از دست دادن 10000 دلار در 10 دقیقه روی میز رولت چیز عجیبی نیست. جو ناشی از هیاهو و هیجان جمعیت باعث می شود که این افراد کاملا هوشیار و معقول، به قمار بازانی خیره و نا معقول تبدیل شوند. بازار فارکس با فعالیت 24 ساعته ، انتشار مداوم اخبار و ضریب اهرمی بسیار بالا، تاثیر کاملا مشابهی روی معامله گران مبتدی دارد.

معامله بر اساس هیجان زدگی به وضوح یک قمار است. چنین معاملاتی می تواند ، وقتی معامله گر روی نوار برد است، موجب سود های بزرگی نیز بشود ولی تنها یک زیان غیر منتظره می تواند کل سود های حاصله و سرمایه معامله گر را به بازار برگرداند. این سرگذشت نظیر داستانهای

متعددی است از قمار بازاری که کارشان با حمله قلبی به پایان رسیده است. در معامله گری منطق پیروز می شود و هیجان زدگی زدگی موجب نابودی.

در بسیاری از موارد این پند در کوتاه مدت صحیح نیست چرا که نتایج معامله منطقی همواره مختصرتر از معامله بر اساس هیجان زدگی است. در واقع عکس آن در موارد بیشتری مشاهده می شود. یک معامله گر هیجان زده می تواند روی خط برد های متوالی بیفتد در حالی که معامله گر منطقی در زنجیره ای از باخت اسیر شده است. ولی نتیجه نهائی همیشه معامله گر هیجان زده را مغلوب می کند. چرا که معامله گر منطقی می داند که چگونه زیان های خود را محدود کند در حالی که معامله گر هیجان زده هیچگاه بیش از یکی دو معامله تا ورشکستگی کامل فاصله ندارد.

بیائید ببینیم هر یک از این دو معامله گر چگونه در بازار عمل می کند. معامله گر «الف» یک معامله گر هیجان زده است. او حرکات قیمت را «احساس» می کند و نسبت به آن واکنش نشان می دهد. حال فرض کنید که قیمت EUR/USD به شدت افزایش می یابد. معامله گر هیجان زده «احساس» می کند که قیمت بیش از حد بالا رفته و تصمیم به انجام یک معامله فروش می گیرد. قیمت باز هم بالاتر می رود و معامله گر بیش از پیش هیجان زده می شود. قیمت بیش از گذشته در حالت خرید هیجانی قرار دارد پس معامله گر مقدار بیشتری EUR/USD می فروشد و به فروش های قبلی اضافه می کند. حرکت قیمت متوقف می شود ولی بازگشت نمی کند. معامله گر هیجان زده حالا بیش از پیش مطمئن شده که قیمت به سقف خود رسیده و به زودی باز می گردد. بنابراین معامله فروش سومی را به دو معامله قبلی می افزاید. ناگهان وحشت زده مشاهده می کند که قیمت باز هم بالاتر می رود و حساب او اجباراً مارجین کال می شود. چند ساعت بعد EUR/USD به سقف خود می رسد و سقوط می کند. معامله گر هیجان زده دو دستی بر سر خود می کوبد، وقتی که می بیند قیمت بدون آنکه او توان فروش داشته باشد در حال کاهش یافتن است. او تغییر جهت را درست حدت داده بود ولی سقف قیمت را عجولانه و با هیجان زدگی تشخیص داده بود نه به روش منطقی.

در مقابل معامله گر «ب» از تحلیل تکنیکی و بنیادی برای تنظیم مخاطره و نقطه ورود به معامله استفاده می کند. او هم فکر می کند که قیمت EUR/USD بیش از حد بالا رفته و بزودی شاهد بازگشت آن خواهیم بود. ولی به جای آنکه یکباره وسط بازار بپرد، صبر می کند تا سیگنال تکنیکی واضحی مبنی بر بازگشت مشاهده کند، مثلاً یک کندل نزولی در مجاورت باند بالائی بولینگر یا کاهش RSI به کمتر از 70، و سپس وارد بازار شود. در اینجا معامله گر منطقی از سقف قیمت

قبلی برای تعیین حد زیان استفاده می کند تا مخاطره خود را محدود نماید. در عین حال او به اندازه کافی هوشیار هست که مخاطره معامله خود را به 2٪ محدود کند تا در صورت شکست در این معامله، اصل سرمایه خود را به خطر نیندازد. حتی اگر او هم مثل معامله گر هیجان زده اشتباه کرده باشد، روش منطقی او سرمایه اش را حفظ خواهد کرد. بنابراین فردا باز هم می تواند در بازار معامله کند. در حالی که معامله گر هیجان زده مارچین کال شده و دیگر در بازار حضور ندارد. نکته مهم این است که روند های بازار فارکس ممکن است مدتی طولانی به طول بینجامند. بنابراین حتی اگر قیمت EUR/USD بیش از حد افزایش یافته باشد، باز هم امکان دارد که برای مدتی افزایش یابد. بنابراین انتظار برای مشاهده یک سیگنال تکنیکی مبنی بر بازگشت قیمت قبل از ورود به بازار، کاملاً منطقی خواهد بود. ممکن است شما نقطه سقف را از دست بدهید ولی کسب 80٪ از سود یک حرکت قیمتی نیز به اندازه کافی مطلوب خواهد بود. با وجود اینکه معامله گران مبتدی ممکن است معامله بر اساس هیجانات را بسیار جالب تر ببینند، حرفه ای های بازار می دانند که معامله منطقی تنها چیزی است که می تواند موجودی حساب آنها را رفته رفته افزایش دهد.

3- هرگز بیش از 2٪ در یک معامله ریسک نکنید

این جمله عمومی ترین قاعده معامله گریست و در عین حال بیش از همه نیز نقض شده است. به همین دلیل است که اکثر معامله گران زیان می کنند. در کتب معامله گری مثال های متعددی از معامله گرانی وجود دارد که سود یک، دو یا حتی پنج سال خود را در فقط یک معامله بسیار بد از دست داده اند. اینها مهمترین دلائلی هستند که هیچگاه نباید قاعده حد زیان دو درصدی زیر پا گذاشته شود. اهمیتی ندارد که شما چقدر درباره معامله خود مطمئن هستید، همانطور که جان مینارد کینز می گوید «مدتی که بازار می تواند غیر معقول باقی بماند، بسیار بیش از مدتی است که شما بتوانید در مقابل زیان ها پایداری کنید».

اکثر معامله گران اولین معاملات خود را با این تصور که این همان بزرگترین معامله زندگیشان است، آغاز می کنند. این تصور گاهی خود آگاه و گاه ناخود آگاه است. آنها فکر می کنند که این همان معامله ای است که می تواند آنها را میلیونر کند و باعث شود که باقی عمر خود را بدون دغدغه مالی سپری کنند. در بازار فارکس این تخیلات با ادبیات بازار بیشتر تقویت شده است. چه کسی می تواند زمان شکست دادن بانک انگلستان توسط جرج سوروس را فراموش کند؟ زمانی که سوروس با فروش پوند توانست تنها در یک روز یک میلیارد دلار بدست آورد؟ ولی واقعیت

بازار فارکس این نیست. واقعیت تلخ این است که اکثر این معامله گران پول خود را در یک یا چند زیان بزرگ از دست می دهند و از بازی خارج می شوند. جدول زیر نشان می دهد که جبران زیان های بزرگ تا چه حد مشکل است.

درصد سود لازم برای جبران	درصد زیان
33%	25%
100%	50%
400%	75%
1000%	90%

فرض کنید که شما با 1000 دلار شروع کرده اید و 50٪ یا 500 دلار زیان کرده اید. برای رسیدن به نقطه سر به سر لازم است که 500 دلار سود ببرید. با سرمایه 500 دلاری فعلی شما این مقدار یعنی 100٪ سود. یک زیان 75 درصدی به 400٪ سود برای جبران نیاز دارد. مقداری که تقریباً ناممکن است. بوجد آمدن چنین وضعیت هائی یعنی رسیدن به آخر خط و از دست دادن تمام سرمایه. بهترین راه نجات این است که هرگز بیش از 2٪ سرمایه خود را به مخاطره نیندازید. در این صورت شما حتی با ده زیان متوالی تنها با حدود 20٪ زیان مواجه خواهید بود. حتی اگر بیست معامله زیان ده پشت سر هم داشته باشید 60٪ سرمایه شما هنوز حفظ شده است. در حالی که بیست یا حتی ده زیان متوالی بسیار نادر است. با وجودی که این وضعیت برای هیچکس مطلوب نیست ولی هنوز می توان با 67٪ سود به نقطه سر به سر رسید در حالی که معامله گری که 75٪ زیان کرده برای همین منظور باید 400٪ سود ببرد.

هنر معامله گری آنقدر که زیان نکردن خلاصه شده، در سود بردن نیست. هر تجارتهی هزینه هائی دارد و این زیان ها هم هزینه های شما هستند. با کنترل زیان ها می توانید در بازار باقی بمانید. وقتی در بازار باقی ماندید، می توانید از فرصتهای سود آوری بی انتهای بازار بهره ببرید. به همین دلیل است که محدود کردن زیان به 2٪ یکی از مهمترین قواعد معامله در بازار است.

4- بنیادی نگاه کنید ولی تکنیکی به معامله وارد و از آن خارج شوید

بنیادی معامله کنم یا تکنیکی؟ این یک سوال اساسی است که ده ها سال است معامله گران می پرسند و احتمالاً برای ده ها سال دیگر هم خواهند پرسید. تحلیل تکنیک سعی می کند قیمت آینده

را با استفاده از داده های گذشته پیش بینی کند. در مقابل تحلیل بنیادی سعی دارد با استفاده از اخبار سیاسی و اقتصادی ارزش آتی یک ارز را تعیین کند. این سوال که کدام بهتر است بسیار مشکل تر از آن است که پاسخ داده شود. بسیار دیده ایم که عوامل بنیادی تحلیل تکنیکی را تحت الشعاع قرار داده اند. ویا بالعکس تحلیل های تکنیکی توانسته اند بخوبی حرکت قیمت را تحلیل کنند در حالی که تحلیل بنیادی نتوانسته کاری انجام دهد.

بنابراین پاسخ ما به این سوال این است که از هر دو استفاده کنید. همه ما به خوبی می دانیم که هر دو اینها مهم هستند و هر دو در تغییر قیمت موثرند و در حرکات قیمت دستی دارند. نکته کلیدی این است که مزایای هر کدام را بدانیم و از هر یک بموقع استفاده نمائیم. تحلیل بنیادی یک دید کلی از بازار ارائه می کند در حالی که تکنیکال برای شناسائی نقاط خاص ورود و خروج مناسب است. تحلیل های بنیادین در یک نگاه تغییر نمی کنند و معمولا هفته ها، ماه ها و حتی سال ها معتبر باقی می مانند.

بعنوان مثال یکی از مهمترین موضوعات بنیادی سال 2005 روند افزایشی نرخ بهره دلار بود. در اواسط سال 2004 فدرال رزرو نرخ بهره دلار را 0.25٪ افزایش داد و افزایش نرخ بهره را آغاز نمود. آنها به زودی به بازار اجازه دادند که بدانند روند افزایش نرخ بهره در پیش خواهد بود و طی سال 2005 نرخ بهره را 2٪ افزایش دادند. این خط مشی موجب شد که یک خوشبینی شدید نسبت به دلار بوجود آید که طی تمام سال 2005 ادامه یافت. در مقابل دلارین ژاپن بود که بانک مرکزی آن نرخ بهره را در حدود صفر نگاه داشت. در نتیجه دلار در مقابل ین در حدود 19٪ طی سال 2005 افزایش یافت. USD/JPY طی این سال روند صعودی قوی ای را تجربه کرد. ولی با این وجود حرکات بازگشتی متعددی نیز شکل گرفت. این حرکات بازگشتی فرصت بسیار مناسبی برای معامله گران فراهم نمود تا تحلیل بنیادی را با تحلیل تکنیکی برای شکار فرصتهای مناسب سودآوری درآمیزند. ما می دانستیم که محیط برای دلار بسیار مثبت است بنابراین در تحلیل های تکنیکی به دنبال فرصتهای خرید در کف بودیم نه فرصتهای فروش در روند صعودی. یک نمونه بسیار قابل توجه روند صعودی از 101.70 تا 113.70 است. سپس یک حرکت بازگشتی شکل گرفت و درست در تراز فیبوناچی 38.2٪ متوقف شد. این نقطه یک نقطه ورود بسیار مناسب برای خرید بود و نمونه ای مناسب از معامله بر اساس تحلیل بنیادی همراه با تعیین نقطه ورود یا خروج بر اساس تحلیل تکنیکی. در معاملات USD/JPY طی این دوره، بسیار مشکل بود که بتوان نقاط کف و بخصوص سقف قیمت را تشخیص داد ولی در چنین روند صعودی قوی ای، بسیار ساده

تر و در عین حال معقولانه تر یافتن نقاط مناسب ورود از نظر تحلیل تکنیکی برای همراه شدن با روند بلند مدت بنیادی بود. بجای آنکه بخواهیم بر اساس تحلیل تکنیکی با روند بنیادی مخالفت کنیم.

5- همیشه یک ارز ضعیف و یک ارز قوی را جفت کنید.

هر هوادار ورزش بیس بال یک تیم محبوب دارد که آن را به خوبی می شناسد. این هوادار به خوبی می داند که تیمش چه تیم هائی را به راحتی می برد، به چه تیم هائی احتمالاً می بازد و با چه تیم هائی در یک سطح قرار دارد. این هوادار به خوبی می داند که بیشترین شانس برد در شرط بندی روی تیمش در مقابل ضعیف ترین رقیب پدید می آید. با وجود اینکه این صحبت مربوط به بیس بال بود ولی در مورد هر رقابتی صادق است. وقتی که یک ارتش قوی در مقابل یک ارتش ضعیف صف آرائی می کند، احتمال برد ارتش قوی بسیار بیشتر است. این دیدگاه ما نسبت به معامله گری است.

وقتی ما در بازار ارز معامله می کنیم، همواره با جفت ارزها سر و کار داریم. هر معامله به معنی خرید یک ارز و فروش ارز مقابل آن است. بنابراین ما مایل هستیم که یک ارز بتواند ارز دیگر را مغلوب کند. اگر قبول کنیم که ساختار بازار فارکس این است، یک معامله وقتی با احتمال بالائی از موفقیت همراه است که شامل یک ارز قوی در مقابل یک ارز ضعیف باشد. خوشبختانه در بازار فارکس با ارز کشورهای سر و کار داریم که شرایط اقتصادی شان به یکباره تغییر نمی کند. اخبار اقتصادی مربوط به هر ارز هر روز اعلام می شوند که به معنی کارت های امتیاز آن ارز هستند. بهترین اخبار قدرت اقتصاد یک کشور و ضعیف ترین اخبار ضعف اقتصاد یک کشور را نشان می دهند.

جفت کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف مفهومی عمیق تر از نگاه کردن صرف به اخبار اقتصادی است. هر خبر اقتصادی قوی دلیلی جدیدی به بانک مرکزی کشورها برای افزایش نرخ بهره می دهد که به نوبه خود موجب قدرتمند شدن ارز مربوطه می شود. در واقع هر چه اخبار اقتصادی ضعیف تر باشند دست بانک مرکزی برای افزایش نرخ بهره بسته تر است و اگر این اخبار خیلی ضعیف باشند بانک مرکزی مجبور خواهد بود که نرخ بهره را کاهش دهد. روند آتی نرخ بهره یکی از قوی ترین محرک های بازار ارز است. چون نرخ بهره قدرت و جذابیت یک ارز را تعیین می کند.

علاوه بر توجه به اخبار اقتصادی، راه ساده تر جفت کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف، توجه به روند نرخ بهره آن دو است. بعنوان مثال جفت ارز EUR/GBP، که معمولا در یک دامنه مشخص حرکت می کند، در اولین فصل سال 2006 دامنه خود را شکست. این شکست به سمت بالا اتفاق افتاد چون اروپا افزایش نرخ بهره یورو را در پی رشد اقتصادی خود آغاز نمود در حالی که بریتانیا نرخ بهره خود را طی سال 2004 و اوائل 2005 افزایش داده بود و این افزایش به پایان خود نزدیک شده بود. در واقع مقامات بریتانیا نرخ بهره پوند را طی آگوست 2005 کاهش دادند و احتمال ادامه این کاهش نیز به دلیل اخبار ضعیف اقتصادی وجود داشت. این روند نرخ بهره این دو ارز باعث شد که EUR/GBP دامنه متعارف خود را بشکند و برای چند ماه در روند صعودی قرار گیرد. این تغییر نرخ بهره باعث شد که یک معامله شفاف روی EUR/GBP بر اساس جفت کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف شکل بگیرد. از آنجا که قوت یا ضعف اقتصاد کشورها بر اساس روند های اقتصادی مدتی به طول می انجامد، جفت کردن یک ارز قوی با یک ارز ضعیف یکی از مناسبترین روشهای سود آوری در این بازار می باشد.

6- تحلیل صحیح ولی زود هنگام یعنی تحلیل غلط

یک معامله گر باید در نظر داشته باشد که چشمانش هرگز دروغ نمی گویند. اگر معامله گر اقدام به فروش یک جفت ارز کرده باشد و آن جفت ارز به زیان او شروع به صعود کند، معامله گر اشتباه کرده و باید هرچه زودتر آن را بپذیرد و هر چه زودتر بهتر. در بازار فارکس روند ها می توانند خیلی بیشتر از آنکه موجه به نظر بیاید، به طول بینجامند. بعنوان مثال در سال 2004 EUR/USD یک حرکت صعودی قوی داشت و از 1.2000 به 1.3600 رسید. این صعود فقط در مدت دو ماه انجام شد. تحلیل گران بنیادی نمی توانستند علت این حرکت را درک کنند چرا که برآیند شاخص های بنیادی در جهت تقویت دلار بود. با وجود اینکه کسری تراز تجاری به یک رکورد دست یافت ولی اقتصاد آمریکا برای جذب سرمایه های آسیا و جبران این کسری به اندازه کافی جذاب بود. به علاوه رشد اقتصادی آمریکا بسیار چشمگیر تر از منطقه اروپا بود. رشد سالانه GDP آمریکا به بیش از 3.5٪ رسیده بود در حالی که این شاخص در اروپا حدود 1٪ بود. فدرال رزرو شروع به افزایش نرخ بهره کرده بود که تفاوت

نرخ بهره یورو و دلار را جبران می کرد. از طرفی یورو قوی صادرات اروپا را تحت فشار قرار می داد. صادراتی که همواره یک نقطه قوت برای اروپا بوده است.

در نتیجه نرخ بیکاری آمریکا رو به کاهش نهاد و از 5.7٪ به 5.2٪ رسید در حالی که در همین زمان آلمان بیشترین نرخ بیکاری را از زمان جنگ جهانی دوم تجربه می کرد. نرخی که دیگر دو رقمی شده بود. به طور خلاصه دلایل متعددی برای تقویت دلار در مقابل یورو و فروش EUR/USD وجود داشت ولی نرخ این جفت ارز همچنان به رشد خود ادامه می داد. نهایتاً روند EUR/USD برگشت و این جفت ارز نه تنها تمام افزایشی را که طی سال 2004 بدست آورده بود از دست داد بلکه تا 1.1730 در اواخر 2005 کاهش یافت. حال تصور کنید که یک معامله گر EUR/USD را در قیمت 1.3000 فروخته باشد. آیا او می تواند فشار زیان 600 پیپی را تحمل کند. بدتر از آن فرض کند که فروش در قیمت 1.2500 طی پائیز 2004 انجام شده باشد. آیا معامله گر می تواند زیان 1100 پیپی را تحمل کند؟

واقعیت طنزآمیز این است که هر دوی این معامله گران می توانستند در نهایت به سود برسند. هر دو آنها درست تحلیل کرده بودند ولی خیلی زودتر از موقع مناسب. بازار فارکس با اهرم بالاست. اهرم متداول 1:100 است. حتی اگر دو معامله گر فوق از اهرم محافظه کارانه 1:10 استفاده می کردند، دچار کاهش سرمایه 46٪ و 88٪ قبل از رسیدن به سود می شدند. در بازار فارکس درست بودن تحلیل به تنهایی کافی نیست بلکه به موقع بودن آن نیز کاملاً ضروری است. به همین دلیل است که برای معامله گری موفق باید به چشمان خود اعتماد کنید. بنابراین هر گاه قیمت در جهت زیان شما حرکت کرد، حتی اگر دلائل معامله شما هنوز پا برجا باشند، به بازار احترام بگذارید و حد توقف مناسبی انتخاب کنید. در بازار فارکس تحلیل درست ولی زود هنگام برابر با تحلیل غلط است.

7- تفاوت استراتژی ورود تدریجی با افزودن نادرست به معامله در حال زیان را درک کنید و هرگز دچار اشتباه افزودن نادرست به معامله در حال زیان نشوید.

یکی از بزرگترین اشتباهات معامله گران افزودن به یک معامله در حال زیان به امید برگشت قیمت است. با افزودن به معامله در حال زیان در حالی که قیمت در خلاف جهت حرکت می کند، زیان معامله گر چنان افزایش می یابد که معامله گر ناچار می شود معاملات خود را با زیان بسیار

بیشتری ببندد و یا بدتر از آن آنقدر صبر کند که بالاچار معاملات توسط کارگزار به طور اتوماتیک بسته و معامله گر مارچین کال شود. معمولا در این حالت تحلیل اولیه ای که منجر به ورود به معامله شده است، فراموش می شود. در این شرایط بسیاری از معامله گران خود را در شرایطی درگیر افزودن به معامله در حال زیان می کنند که تحلیل و دلیل ورود به معامله مدتهاست که تغییر یافته و فقط آرزوی معجزه یا شانسی که معامله گر را از این وضعیت برهاند، باقی مانده است.

ما این شرایط را به حالتی تشبیه می کنیم که شما در نیمه شب در حال راندن اتوموبیل هستید. در حالی که نمی دانید راهنان از کدام طرف است و آیا در مسیر صحیحی قرار دارید یا خیر. در چنین حالتی دو انتخاب وجود دارد. اول اینکه کور کورانه به مسیر خود ادامه دهید و امیدوار باشید که قبل از اینکه سر از جای دیگری در آورید، مسیر خود را پیدا کنید. راه دیگر این است که دور بزیند و مسیر اشتباهی را که آمده اید برگردید تا به نقطه ای برسید که بتوانید راه خود را پیدا نمایید. این تفاوت بین ادامه لجوجانه یک مسیر غلط یا قطع کردن زیان قبل از اینکه دیر شود، می باشد. البته ممکن است شما به طور اتفاقی مسیر صحیح را بیابید و به خانه خود بازگردید. همانطور که یک معامله گر ممکن است بطور اتفاقی با تغییر جهت قیمت، زیان خود را بازیافت کند. ولی قبل از آن احتمال زیادی وجود دارد که سوخت اتوموبیل تمام شود، همانطور که ممکن است معامله گر قبل از امکان جبران زیان خود تمام سرمایه اش را از دست بدهد. **اضافه کردن به یک معامله در حال زیان در شرایطی که از حدود ریسک قابل قبول شما فراتر رفته باشد، یک روش غلط در معامله گری است.**

البته شرایطی وجود دارد که افزودن به یک معامله در حال زیان روش صحیحی در معامله گری است. این استراتژی تحت عنوان ورود تدریجی شناخته می شود. تفاوت ورود تدریجی با افزودن غلط به معامله در حال زیان این است که معامله گر **قبل از** ورود به اولین معامله، طرح ورود تدریجی خود را ریخته است. ورود تدریجی این است که اگر شما قصد دارید با حداکثر یک لات 100000 دلاری وارد بازار شوید، این حجم را به ده معامله 10000 دلاری بشکنید تا میانگین قیمت مناسبتری بدست آورید، به جای آنکه کل معامله یک لاتی را در یک نوبت انجام دهید. این استراتژی ورود تدریجی نامیده می شود. این یک استراتژی متداول برای معامله گرانی است که در یک حرکت بازگشتی قصد ورود به بازار برای بهره گیری از روند اصلی را دارند، ولی نمی دانند قیمت قبل از ادامه روند خود تا کجا بازگشت خواهد کرد. بنابراین برای بدست آوردن

میانگین قیمت مناسب اقدام به شکستن حجم کلی معامله خود برای ورود تدریجی می نمایند. نکته کلیدی این استراتژی این است که افزایش تدریجی به حجم معاملات در حال زیان از قبل طرح ریزی شده و حد زیان مشخصی نیز برای مجموعه معاملات تعیین شده است. بنابراین، قصد از پیش تعیین شده تفاوت اصلی افزودن نادرست به معامله در حال زیان با استراتژی ورود تدریجی می باشد.

8- آنچه از نظر ریاضی بهینه است از نظر روانشناسی غیر ممکن است.

معامله گران مبتدی معمولاً استراتژی هائی بسیار سود آور و بسیار جالب توجه طراحی می کنند. با تست این استراتژی ها روی داده های گذشته به نظر می آید که می توانند میلیون ها دلار سود بسازند. این استراتژی ها معمولاً نسبت سود به زیان بسیار خوبی دارند مثلاً 3 به 1. این مبتدیان به پشتوانه این استراتژی ها حساب خود را شارژ می کنند و به زودی همه پول خود را از دست می دهند. چرا اینگونه می شود؟ برای این که معامله گری یک امر منطقی نیست بلکه بیشتر مبتنی بر روانشناسی است و همواره احساسات بر خرد چیره می شود.

آقای درمن رئیس استراتژی های مقداری شرکت معظم گلدمن ساکس می گوید « در فیزیک شما با قوانین الهی سر و کار دارید. خداوندی که نظرش را به طور مداوم تغییر نمی دهد. ولی در بازار های مالی شما با مخلوقات خداوند سر و کار دارید. مخلوقاتی که احساسات بی دوام و ناپایداری دارند و اخباری که دائماً در بازار جاری می شوند. » این موضوع یک کاستی بنیادی برای اکثر معامله گران مبتدی است. آنها فکر می کنند که می توانند بازار را مهندسی کنند و ماشینی بسازند که انبوهی از سود از بازار بدست آورد. ولی معامله گری بیش از آنکه یک علم باشد یک هنر است. هر چه زودتر معامله گران دریابند که باید بر خصوصیات انسانی خود و بازار تکیه کنند، زودتر به ریزه کاری های معامله گری واقف خواهند شد.

مثالی از اینکه « آنچه از نظر ریاضی بهینه است از نظر روانشناسی غیر ممکن است » را در ادامه ببینید. یکی از نصایحی که زیاد در بازار شنیده می شود این است که یک معامله گر همواره باید با نسبت سود به زیان 2:1 معامله کند. این ظاهراً ایده خوبی است. بر این اساس اگر معامله گر تنها در 50٪ معاملات خود برنده شود، به سود زیادی دست خواهد یافت. با این نسبت سود به زیان حتی اگر معامله گر از هر 10 معامله خود در 6.5 معامله زیان کند، هنوز در سود است. ولی در عمل اجرای چنین ایده ای بسیار مشکل است.

فرض کنید که شما در حال معامله GBP/USD هستید. فرض کنید که شما اقدام به فروش GBP/USD در 1.7500 با حد سود 1.7300 و حد زیان 1.7600 می کنید. ابتدا همه چیز خوب پیش می رود و قیمت تا 1.7400 کاهش می یابد. سپس تا 1.7460 صعود می کند و مجدداً به سمت هدف قیمتی شما یعنی 1.7300 حرکت می کند. در نقطه GBP/USD 1.7320 به کف خود می رسد و شروع به برگشت می کند. قیمت به 1.7340 و سپس 1.7360 و حتی 1.7370 افزایش می یابد ولی شما همچنان خونسرد به بازار نگاه می کنید، چون به دنبال تحقق نسبت سود به زیان 2:1 هستید. ولی متأسفانه روند بازار عوض شده است و GBP/USD پی در پی صعود می کند. نه تنها به نقطه ورود شما می رسد بلکه از آن هم به راحتی عبور می کند و نهایتاً حد زیان شما را در نقطه 1.7600 می زند. در اینجا شما با این حقیقت مواجه می شوید که 180 پیپ سود را با 100 پیپ زیان عوض کرده اید. در واقع حساب شما 280 پیپ را از دست داده است. دنیای واقعی معامله گری این است نه آنچه در کتاب های ایدآل گرا به خورد شما داده شده است. به همین دلیل است که معامله گران حرفه ای معمولاً اقدام به خروج تدریجی از معامله خود می نمایند. کسب سود به طور تدریجی باعث می شود که نسبت سود به زیان این معامله گران از 2:1 به 1.5:1 و حتی کمتر کاهش یابد. واضح است که از نظر ریاضی این استراتژی ضعیف تر است ولی به خاطر داشته باشید که «آنچه از نظر ریاضی بهینه است از نظر روانشناسی غیر ممکن است»

9- ریسک باید از قبل مد نظر قرار گیرد ولی سود قابل پیش بینی نیست

اگر فقط یک مفهوم اساسی در معامله گری وجود داشته باشد، این است: **حد زیان را رها نکنید.** قبل از ورود به هر معامله شما باید حد تحمل زیان خود را در نظر بگیرید. این بهترین راه برای تحت کنترل قرار دادن زیان ها و اطمینان از این است که در هنگام معاملات بیش از حد احساساتی نخواهید شد. معامله گری دشوار است. معامله گران ناموفق از معامله گران موفق بسیار بیشترند. در اکثر مواقع معامله گران به دلیل نادرست بودن تحلیلشان متضرر نمی شوند، بلکه به این دلیل موفق نمی شوند که در هنگام معامله، بیش از حد دستخوش احساسات می گردند. این شکست به این دلیل پدید می آید که آنان معاملات خود را زودتر از وقت مناسب می بندند و یا اجازه داده اند که معاملات در حال زیانشان به زیان هائی بزرگ در غلطد. ریسک **باید از قبل** تعیین شود. منطقی ترین زمان تعیین ریسک قبل از ورود به معامله است. در زمانی که هنوز فکر شما درگیر نشده و تصمیمات شما تحت تاثیر تعصب ناشی از داشتن معامله ای در جهت خاص قرار نگرفته

است. در مقابل وقتی شما یک معامله باز داشته باشید تمایل دارید که آنقدر انتظار بکشید تا قیمت در جهت دلخواه شما حرکت کند و شما را به سود برساند. ولی متأسفانه خواسته شما شاید هیچگاه اتفاق نیفتد. شما باید بدترین سناریوی ممکن را در نظر بگیرید و حد زیان خود را در محلی مبتنی بر ترازهای تکنیکی یا پولی قرار دهید.

بار دیگر تاکید می‌کنیم که ریسک باید قبل از ورود شما به معامله تعیین شده باشد و شما باید به آن پایبند باشید. به احساسات خود اجازه ندهید که شما را وادار به تغییر بيموقع حد زیان کنند. هر معامله صرف نظر از اینکه شما تا چه حد به سود آوری آن مطمئن باشید فقط مبتنی بر یک حدس است. هیچ چیز در معامله گری قطعی نیست. عوامل برونی زیادی وجود دارند که می‌توانند حرکت قیمت یک ارز را تغییر دهند. گاهی مواقع شاخص‌های بنیادی می‌تواند در بازار تحرک ایجاد کنند. در حالی که در مواقع دیگر عوامل غیر قابل پیش‌بینی ای وارد عمل می‌شوند. عواملی نظیر: موانعی که به دلیل معاملات اختیار معامله پدید می‌آیند، تثبیت نرخ بهره روزانه، معاملات عمده بانک‌های مرکزی و غیره. بنابراین باید مطمئن باشید که با قرار دادن حد زیان مناسب خود را در مقابل این احتمالات مصون ساخته‌اید.

در مقابل سود نامشخص است. وقتی یک ارز حرکت می‌کند، این حرکت ممکن است کوچک یا بزرگ باشد. مدیریت سرمایه در اینجا اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. بر اساس قاعده‌ای که در گذشته بیان کردیم «هرگز اجازه ندهید که سود یک معامله تبدیل به زیان شود» ما از معاملات چند گانه حمایت می‌کنیم. این روش می‌تواند در چند حساب نیز اجرا شود. در این روش شما می‌توانید معامله اول را با سود ببندید و در معامله بعدی حد زیان را به نقطه ورود منتقل کنید و به سود اجازه گسترش بدهید. بدون اینکه در معرض هیچگونه مخاطره‌ای قرار داشته باشید.

بازار فارکس یک بازار دارای روند است. این روند‌ها ممکن است چند روز، هفته یا حتی ماه طول بکشند. این وضعیت یک دلیل اساسی است که باعث می‌شود که معامله‌گران موفق به روند توجه ویژه‌ای داشته باشند. آنان معتقدند که سود یک روند می‌تواند بر زیان ناشی از نوسانات در یک بازار دامنه‌ای بدون روند غالب شود. با اینکه ما معتقدیم که معاملات دامنه‌ای هم می‌توانند نتایج مناسب و سود آوری داشته باشند، ولی سرمایه‌های عمده همیشه به دنبال روند‌ها هستند. بنابراین اگر در بازار دامنه‌ای قرار داشته باشیم، اولین معامله را با سود می‌بندیم و حد زیان معامله دوم را به نقطه ورود منتقل می‌کنیم. در این حالت اگر روند در جهت معامله ما

شکل بگیرد ، ما معامله دوم خود را نگاه داشته ایم و احتمال اینکه این معامله به سود بزرگی دست یابد قابل توجه خواهد بود.

نیمی از معامله گری، استراتژی مناسب است و نیم دیگر همانا مدیریت سرمایه صحیح می باشد. حتی اگر معامله ای در حال زیان دارید باید آنرا درک کنید و از اشتباهتان درس بگیرید. هیچ استراتژی ای بدون خطا و 100٪ سود ده نیست. بنابراین اگر سود حاصل از استراتژی شما به زیان های ناشی از آن غلبه دارد، زیان ها را بپذیرید و ادامه دهید. نکته کلیدی این است که مجموعه معاملات شما سود آور باشد، حتی اگر بعضی از معاملات منفرد زیان ده باشند. اگر بر این مفهوم مسلط شوید، درخواهید یافت که احساسات کمکی به شما نمی کند. چه یک حساب 1000 دلاری داشته باشید چه یک حساب 100000 دلاری. بیاد داشته باشید که در معامله گری سود گاهی بدلیل خوش شانسی پدید می آید ولی جلوگیری از زیان همواره ناشی از بکار گیری قواعد و مهارت شماست.

10- هرگز بهانه تراشی نکنید

یک بار رئیس مان ما را به اتاق خود دعوت کرد تا درباره یک برنامه جدید معاملاتی و تنظیمات آن گفتگو کنیم. او مستقیم به چشمان ما نگاه کرد و گفت « من فقط یک قاعده دارم» و سپس گفت « بی بهانه» و ما به سرعت دریافتیم که منظور او چیست. رئیس ما درباره زیان های از قبل تعریف شده معاملات نگران نبود. زیان ها جزء جدا نشدنی از معامله گری هستند و هر کس که دستی در این بازار داشته باشد این را می داند. آنچه رئیس ما می خواست از آن اجتناب کند، اشتباهات معامله گران در اثر منحرف شدن از طرح معاملاتی بود. یک زیان ده درصدی اگر از پنج زیان دو درصدی پیاپی در معاملات و خوردن حد زیان از پیش تعریف شده آنها پدید آمده باشد، کاملاً پذیرفتنی است. آنچه نابخشودنی است یک زیان ده درصدی در یک معامله است که نشان می دهد معامله گر از قواعد حد زیان عدول کرده است و یا بدتر از آن به معامله در حال زیان خود فراتر از حدود تعریف شده ریسک، افزوده است. رئیس ما می دانست که فرض اول جزئی عادی از این کسب و کار است ولی فرض دوم نهایتاً به از بین رفتن سرمایه منجر خواهد شد.

بازار قدرت هر کاری را دارد و آنرا انجام می دهد. «صندوق مدیریت بلند مدت سرمایه» یا LTCM زمانی یکی از مطرح ترین صندوق های پوشش خطر در دنیا بود که شرکای آن را عده ای از برندگان جوایز نوبل تشکیل می دادند. در سال 1998 LTCM ورشکست شد. این حادثه در

زمانی رخ داد که در بازار های مالی جهانی تغییرات قابل توجه و پیچیده ای در نرخ های بهره در حال رخدادن بود و باعث میلیاردها دلار زیان طی چند روز برای این صندوق شد. معامله گران این صندوق حاضر نبودند اشتباه خود را بپذیرند و معاملات اشتباه خود را به طور مداوم افزودند و یقین داشتند که بازار بزودی به جهت مورد نظر آنها برخواهد گشت. نهایتاً فدرال رزرو نیویورک و تعدادی از بانک های سرمایه گذاری عمده مجبور به مداخله برای محدود کردن زیان ها شدند و با زحمات زیادی توانستند سبد غیر عادی این صندوق را برای جلوگیری از ادامه خسارات جمع و جور کنند. در مصاحبه پس از سقوط این صندوق، اکثر معامله گران حاضر نبودند اشتباه خود را بپذیرند و معتقد بودند ورشکستگی LTCM در شرایطی بسیار بسیار غیر منتظره حادث شده است که این شرایط هرگز تکرار نخواهند شد. معامله گران LTCM هرگز قاعده «بی بهانه» را نیاموختند و سرمایه خود را بر سر این عقیده از دست دادند.

بیشترین کاربرد «بی بهانه» در مواقعی است که معامله گر حرکات بازار را درک نمی کند. فرض کنید که شما یک ارز را به خاطر انتظار اخبار بد اقتصادی فروخته اید و اخبار مورد نظر شما هم واقعاً بد اعلام شده اند. ولی ارز مورد نظر شما بدون توجه به اخبار، حرکتی صعودی را آغاز نموده است. در این وضعیت شما باید به سرعت از بازار خارج شوید. اگر شما نمی توانید درک کنید که در بازار چه می گذرد، بهترین کار این است که خارج از گود بایستید و معامله نکنید. در اینصورت شما بعداً مجبور نخواهید بود برای از بین رفتن پولتان بهانه تراشی کنید. **بهانه تراشی نکنید. هرگز.** این قاعده ایست که معامله گران حرفه ای با آن زندگی می کنند.

فصل دوم :

استراتژی های معاملاتی

1- استراتژی Momo در چارچوب پنج دقیقه ای

بعضی از معامله گران بسیار پر حوصله هستند و مدت زیادی صبر می کنند تا یک موقعیت معامله بسیار مناسب بیابند. در مقابل معامله گران دیگری وجود دارند که کم حوصله اند و مایلند طی چند دقیقه تا حداکثر چند ساعت یک حرکت مناسب برای ورود به معامله در بازار پیدا کنند. این معامله گران کم حوصله می توانند به معامله گران قدرتمندی بر اساس مومنتوم تبدیل شوند. چرا که این معامله گران صبر می کنند تا بازار قدرت کافی برای حرکت یک جفت ارز در جهتی خاص را بدست آورد. در اینحالت این معامله گران سوار بر مومنتوم شده و امیدوارند که این مومنتوم بتواند قیمت را در همان جهت بخوبی حرکت دهد. در عین حال هر گاه قدرت قیمت کاهش یابد، معامله گر کم حوصله ما اولین کسی است که از بازار بیرون می پرد. چون یک استراتژی صحیح بر اساس مومنتوم نیازمند قواعد محکمی برای خروج به موقع از بازار است تا بتواند از سود خود محافظت کند و در عین حال بتواند تا آنجا که ممکن است بر حرکت قیمت سوار شده و حداکثر سود را بدست آورد.

ما استراتژی درخشانی بر پایه مومنتوم توسعه داده و آنرا « استراتژی Momo در چارچوب پنج دقیقه ای» نام نهاده ایم. زیرا در این روش به دنبال یک مومنتوم انفجاری در چارچوب زمانی بسیار کوتاه پنج دقیقه ای هستیم. ما از دو اندیکاتور استفاده می کنیم. اولین اندیکاتور میانگین متحرک نمائی بیست دوره ای یا EMA20 است. به این دلیل از میانگین متحرک نمائی به جای ساده استفاده کرده ایم که میانگین متحرک نمائی وزن بیشتری به قیمت های اخیر می دهد و این همان چیزی است که برای تشخیص حرکت های سریع به آن نیاز داریم. این میانگین متحرک به ما کمک می کند که روند را تشخیص دهیم. اندیکاتور بعدی میانگین متحرک همگرا-واگرا یا MACD است. تنظیمات این اندیکاتور هم همان تنظیمات پیش گزیده یا 12,26,9 است.

این استراتژی یک استراتژی مبتنی بر برگشت قیمت است. ولی فقط در مواقعی که مومنتوم آنقدر قوی باشد که بتواند یک حرکت انفجاری قوی را سبب شود. همچنین هر معامله را به دو بخش محافظه کارانه و تهاجمی تقسیم می کنیم. در بخش اول ما به دنبال تضمین سود هستیم و سعی داریم که نگذاریم معامله برنده مان به معامله بازنده تبدیل شود. ولی در بخش دوم به سود اجازه رشد می دهیم و سعی می کنیم از حداکثر حرکت قیمت بهره برداری کنیم. در شرایطی که حد زیان را به نقطه ورود منتقل کرده ایم و در معرض هیچگونه مخاطره ای نخواهیم بود.

قواعد معامله خرید

- (1) به دنبال شرایطی هستیم که جفت ارز مورد نظر ما کمتر از EMA20 معامله شود و در عین حال MACD منفی باشد.
- (2) صبر می کنیم تا قیمت EMA20 را به سمت بالا قطع کند و در عین حال MACD در حال مثبت شدن باشد و یا طی حداکثر پنج میله مثبت شود.
- (3) 10 پیپ بالاتر از EMA20 وارد معامله خرید می شویم.
- (4) در معامله تهاجمی حد زیان را در حوالی یک کف قیمتی در نمودار پنج دقیقه ای قرار می دهیم و در معامله محافظه کارانه حد زیان را روی 20 پیپ کمتر از EMA20 (30 پیپ کمتر از نقطه ورود) تنظیم می نمائیم.
- (5) معامله محافظه کارانه در سودی معادل حد زیان می بندیم و حد زیان معامله تهاجمی را به نقطه ورود منتقل می کنیم.
- (6) با افزایش قیمت، حد توقف کششی را به 15 پیپ کمتر از EMA20 منتقل می کنیم. (حد توقف کششی یا Trailing Stop با افزایش قیمت به سمت بالا افزایش می یابد ولی با کاهش قیمت تغییری نمی کند. مترجم)

قواعد معامله فروش

- (1) به دنبال شرایطی هستیم که جفت ارز مورد نظر ما بیشتر از EMA20 معامله شود و در عین حال MACD مثبت باشد.
- (2) صبر می کنیم تا قیمت EMA20 را به سمت پائین قطع کند و در عین حال MACD در حال منفی شدن باشد و یا طی حداکثر پنج میله منفی شود.
- (3) 10 پیپ پائین تر از EMA20 وارد معامله فروش می شویم.
- (4) در معامله تهاجمی حد زیان را در حوالی یک سقف قیمتی در نمودار پنج دقیقه ای قرار می دهیم و در معامله محافظه کارانه حد زیان را روی 20 پیپ بیشتر از EMA20 (30 پیپ بیشتر از نقطه ورود) تنظیم می نمائیم.
- (5) معامله محافظه کارانه در سودی معادل حد زیان می بندیم و حد زیان معامله تهاجمی را به نقطه ورود منتقل می کنیم.
- (6) با کاهش قیمت، حد توقف کششی را به 15 پیپ بیش از EMA20 منتقل می کنیم.

به مثال های بعدی توجه فرمائید:

Setup 1 - Five-Minute "Momo" Trade, EUR/USD



Figure 1 - 1

اولین مثال مربوط به جفت ارز EUR/USD در تاریخ 2006/03/17 است. در این زمان مشاهده شد که MACD در حال مثبت شدن است و قیمت نیز منحنی EMA20 را به سمت بالا قطع کرده است. با وجود اینکه بین ساعات 00:30 و 02:00 قیمت بیش از EMA20 بوده است ولی هنوز سیگنال خرید صادر نشده است. چرا که MACD هنوز کمتر از صفر بوده است. ما صبر کردیم تا MACD خط صفر را قطع کند و مثبت شود. در قیمت 1.2044 سیگنال خرید صادر گردید و ما در قیمت $1.2056 = 10 + 1.2046$ وارد معامله خرید شدیم. حد زیان عبارت بود از $1.2026 = 1.2046 - 20$ هدف اول ما عبارت بود از $1.2086 = 1.2056 + 30$. این هدف حدود دو ساعت و نیم بعد محقق شد. ما نیمی از معامله را در این قیمت بستیم و برای نیم دیگر حد توقف کششی را به 15 پیپ کمتر از EMA20 منتقل کردیم. نیمه دوم این معامله در ساعت 21:35 در

قیمت 1.2157 با برخورد قیمت به حد توقف کششی بسته شد و سود میانگینی برابر 65.5 پیپ در این دو معامله حاصل گردید.

Setup 1 - Five-Minute "Momo" Trade, USD/JPY

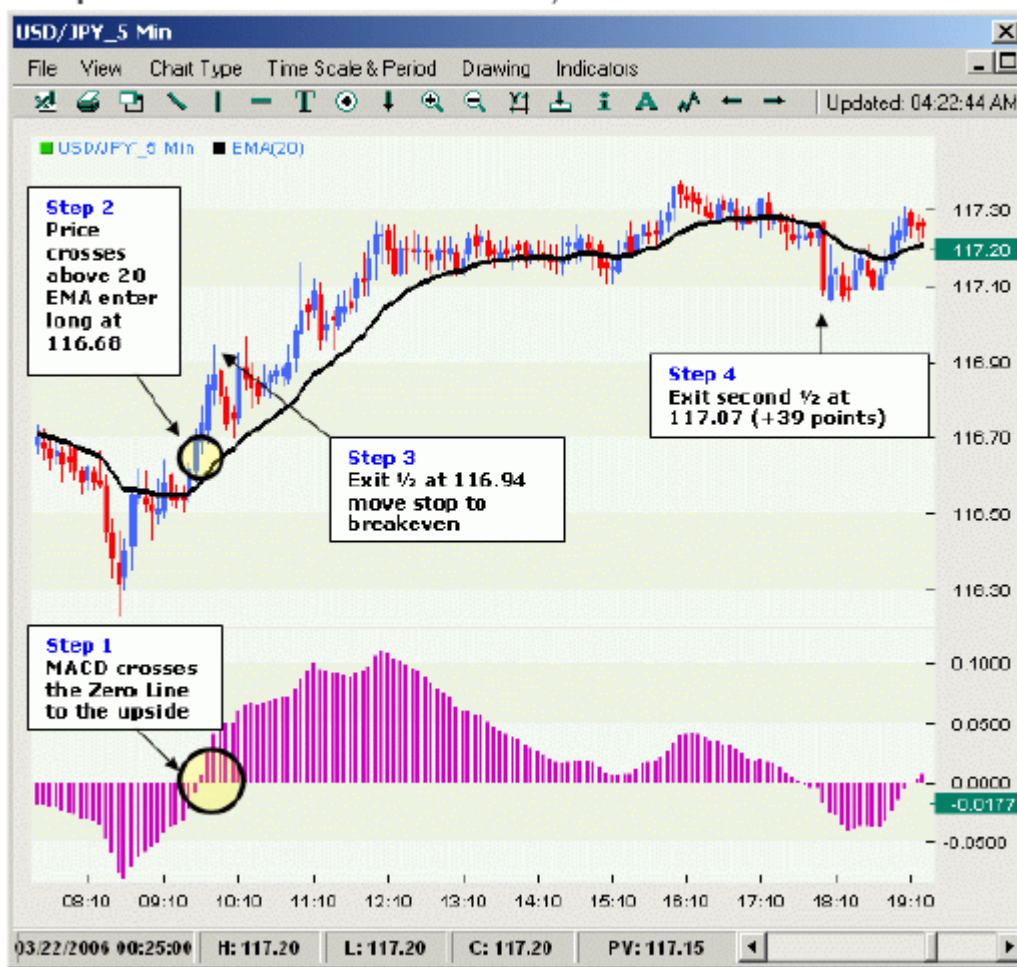


Figure 1 - 2

دومین مثال مربوط به معامله جفت ارز USD/JPY در تاریخ 2006/03/22 است که در نمودار فوق مشاهده می شود. نظیر مثال قبل، مشاهده می کنیم که قیمت در حال عبور از EMA20 به سمت بالا است ولی چون هنوز نمودار MACD مثبت نشده است ما به بازار وارد نمی شویم. سپس MACD مثبت می شود و ما صبر می کنیم تا قیمت در مسیر صعود خود 10 پیپ با EMA20 فاصله بگیرد و در این حالت وارد معامله خرید می شویم. قیمت ورود به بازار 116.67 است، در حالی که EMA20 برابر 116.57 می باشد. در این مثال موضوع کمی پیچیده تر است. حد زیان 20 پیپ زیر EMA20 تعیین می شود یعنی $116.37 = 116.57 - 20$ و حد سود معامله اول، برابر مقدار زیان پذیرفته شده یعنی 30 پیپ بالاتر از قیمت ورود است. در نقطه 116.97، پنج

دقیقه بعد این معامله به حد سود خود برخورد می کند. پس از بسته شدن معامله اول ما حد توقف کششی را به 15 پیپ کمتر از EMA20 منتقل می کنیم. معامله دوم در قیمت 117.07 و در ساعت 18:00 بسته می شود. میانگین سود این دو معامله 35 پیپ است. با اینکه این معامله به اندازه معامله قبلی پر سود نبود، نمودار نشان می دهد که قیمت به خوبی در جهت معامله ما حرکت کرده است.

Setup 1 - Five-Minute "Momo" Trade, NZD/USD

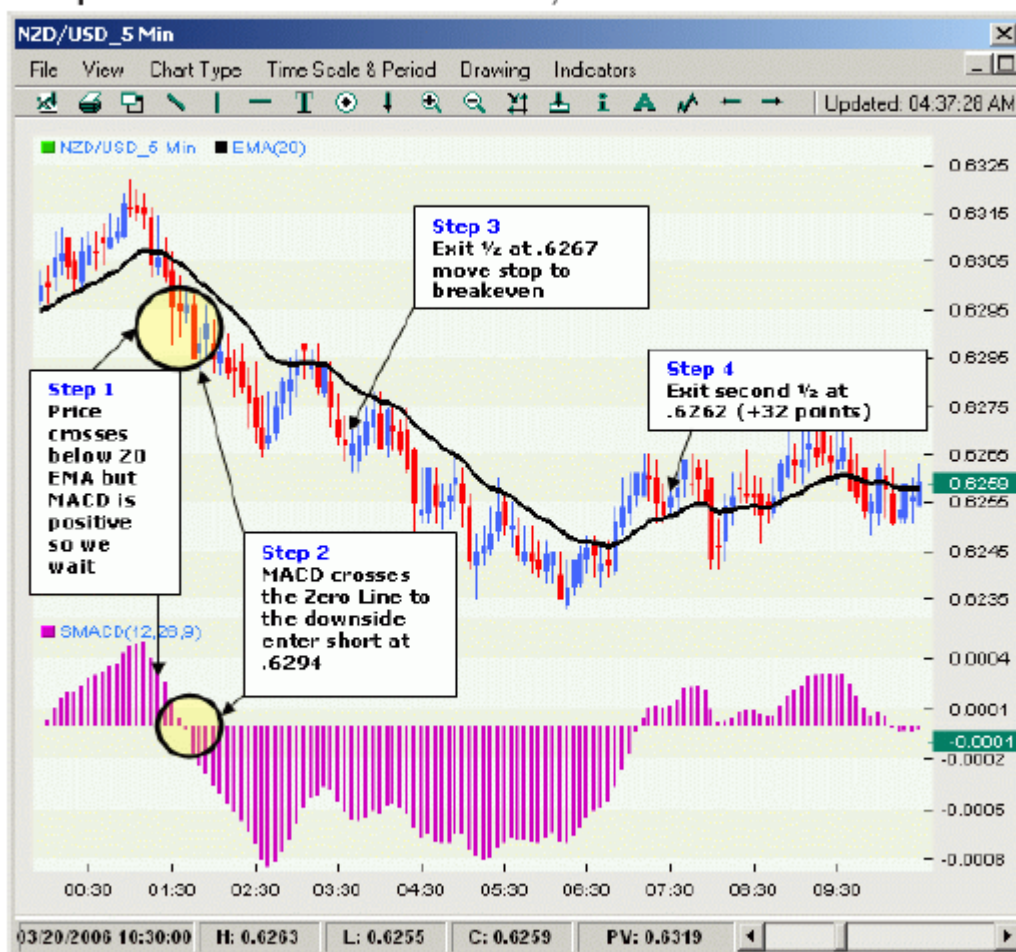


Figure 1 - 3

اولین مثال ما از معامله فروش در مثال فوق روی جفت ارز NZD/USD در تاریخ 2006/03/20 ارائه می شود. مشاهده می کنیم که قیمت EMA20 را به سمت پائین قطع می کند ولی هنوز هیستوگرام MACD مثبت است. بنابراین صبر می کنیم تا MACD هم 25 دقیقه بعد خط صفر را قطع کرده و منفی شود. ورود به معامله فروش در قیمت 0.6294 انجام می شود. نظیر مثال USD/JPY وضعیت کمی پیچیده است چون منفی شدن MACD با عبور قیمت از EMA20 انجام نشده است. در حالی که در مثال اول این دو همزمان انجام شده بودند.

پس ما در قیمت 0.6294 وارد شدیم . در این نقطه EMA20 برابر 0.6301 است. حد زیان 20 پیپ بیش از EMA20 یعنی $0.6301 + 20 = 0.6301$. حد سود بخش اول معامله نیز با فاصله ای برابر با حد زیان تعریف می شود. یعنی در نقطه 0.6261 (با در نظر گرفتن 3 پیپ اسپرد). این حد سود دو ساعت بعد حاصل می شود و حد توقف بخش دوم معامله به نقطه ورود منتقل می شود. حد زیان کششی نیز با فاصله 15 پیپ بیش از EMA20 تنظیم می گردد. بخش دوم معامله نیز در قیمت 0.6262 و در ساعت 07:00 در اثر برخورد با حد زیان کششی بسته می شود و میانگین سودی برابر 29.5 پیپ در این دو معامله حاصل می گردد.

Setup 1 - Five-Minute "Momo" Trade, GBP/USD

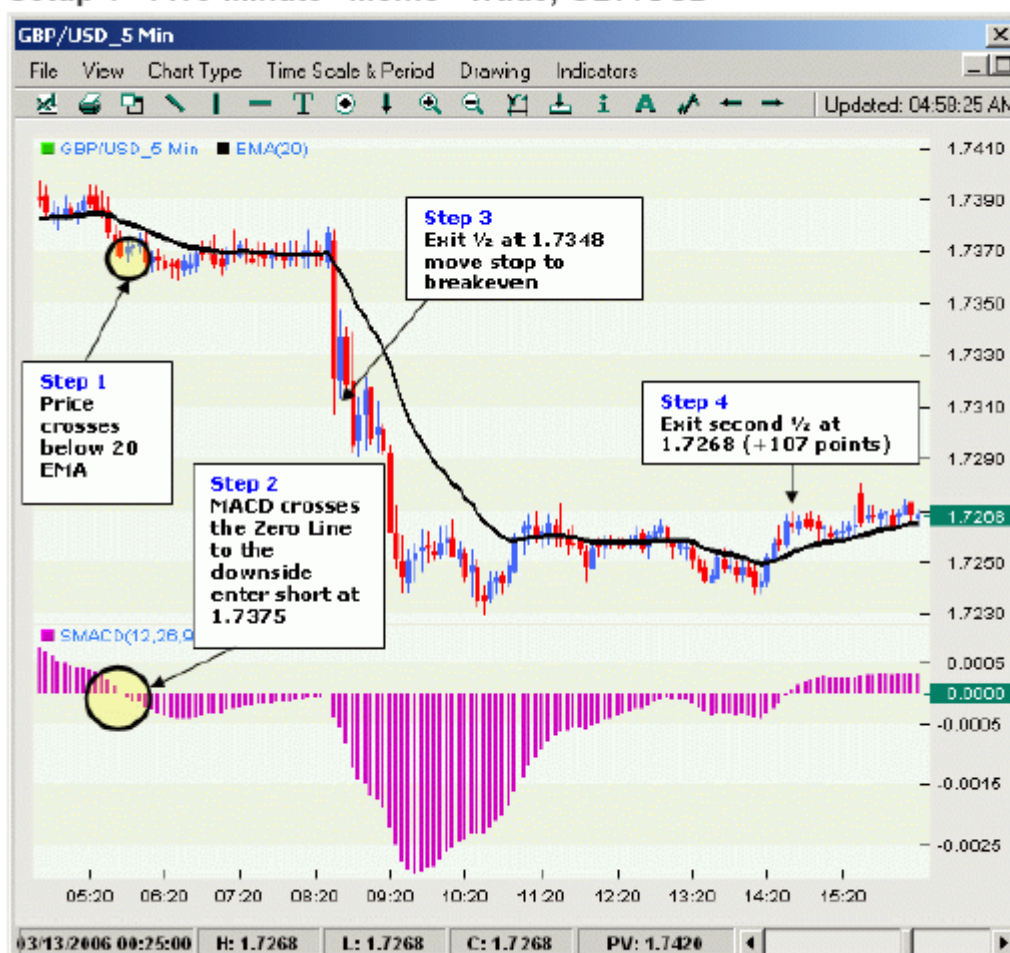


Figure 1 - 4

نمودار فوق فرصت معاملاتی پدید آمده روی GBP/USD را نشان می دهد که در تاریخ 2006/03/10 بوجود آمده است. در این نمودار قیمت EMA20 را قطع کرده و 10 دقیقه بعد MACD نیز خط صفر را قطع کرده است. بنابراین نقطه ورود 1.7375 پدید آمده است. حد زیان 20 پیپ بیشتر از EMA20 قرار داده شده است. یعنی $1.7385 + 20 = 1.7405$ هدف بخش اول

معامله برابر با مخاطره پذیرفته شده است. یعنی $1.7345 = 1.7375 - 30$. با رسیدن بخش اول معامله به هدف قیمتی خود، حد توقف کششی بخش دوم به نقطه ورود و سپس به 15 پیپ بیش از EMA20 منتقل می شود. بخش دوم معامله عملاً در قیمت 1.7268 در ساعت 14:35 بسته شده است و میانگین سود حاصل از این دو معامله 68.5 پیپ محاسبه می شود. جالب اینجاست که به سود رسیدن معامله دوم دقیقاً در جایی انجام شده است که MACD نیز از منطقه منفی خارج شده است.

بطوریکه مشاهده می کنید استراتژی Momo در چارچوب پنج دقیقه ای یک استراتژی بسیار قدرتمند بر اساس مومنتوم برای حرکات برگشتی است. ولی این استراتژی همیشه موفق نیست و ضروری است که مثالی از ناموفق بودن آن را بررسی کنیم تا علت آنرا در یابیم.

Setup 1 - Five-Minute "Momo" Trade, EUR/CHF



Figure 1 - 5

آخرین مثال از استراتژی Momo در چارچوب پنج دقیقه ای را در نمودار EUR/CHF فوق مشاهده می کنید که در تاریخ 2006/03/21 وقوع پیوسته است. در این نمودار قیمت EMA20

را به سمت پائین قطع کرده است و 20 دقیقه بعد نیز MACD با قطع خط صفر از منطقه مثبت به منفی وارد شده و منجر به سیگنال ورود در نقطه 1.5711 گردیده است. حد زیان 20 پیپ بیشتر از EMA قرار داده می شود یعنی $1.5721 + 20 = 1.5741$. هدف اولین بخش از معامله برابر با مخاطره پذیرفته شده یعنی 30 پیپ کمتر از نقطه ورود است. یعنی $1.5721 - 30 = 1.5681$. قیمت کاهش می یابد و به 1.5696 می رسد ولی این کاهش هنوز برای رسیدن به هدف قیمتی ما کافی نیست. سپس قیمت برگشت می کند، به حد زیان برخورد می نماید و منجر به زیان 30 پیپی روی کل معامله ما می شود.

مهمترین مسئله ای که در استراتژی Momo در چارچوب پنج دقیقه ای باید مورد توجه قرار گیرد، دامنه نوسان قیمت است. دامنه نوسان نباید خیلی کم و یا خیلی زیاد باشد. در مواقعی که بازار بسیار آرام باشد، ممکن است قیمت دائماً به دو طرف EMA20 حرکت کند و در عین حال MACD نیز مداوماً خط صفر را قطع کند و تعداد زیادی سیگنال نادرست تولید نماید. در مقابل اگر این استراتژی روی جفت ارزی با دامنه نوسان بسیار زیاد به کار گرفته شود، ممکن است قبل از برخورد به هدف به حد زیان برخورد نماید.

2- استراتژی « کار صحیح را انجام بده » بر اساس CCI

تصمیم گیری صحیح کار بسیار دشواری در زندگی است. در معامله گری نیز همینطور است. برای بسیاری از معامله گران خرید در قیمت های بالا یا فروش در قیمت های پائین دشوار است. از گذشته ما عادت داشته ایم که به دنبال قیمت های ارزان باشیم و ارزان بخریم و در موقع فروش گران بفروشیم. با وجود اینکه اکثر معامله گران ادعای همنوایی با روند را دارند، ولی در واقع به دنبال این هستند که ارزان بخرند و گران بفروشند. معامله گری بر اساس برگشت می تواند بسیار سودآور باشد (و ما در آینده استراتژی های متعددی در این رابطه معرفی خواهیم کرد) ولی در مواقعی که روندی قوی وجود داشته باشد، می تواند بسیار بی رحمانه عمل کند و معامله گر را با برخورد به حد زیان مواجه نماید. بعضی مواقع بسیار ساده تر و سودآورتر این است که با جریان قیمت همراه شویم. هنوز بسیاری از معامله گران به معامله بر اساس شکست بی میل هستند و بیم دارند که آخرین کسانی باشند که در انتهای یک روند صعودی اقدام به خرید نموده اند.

چگونه می توانیم با اطمینان به معامله موفق بر اساس شکست دست بزنیم؟ استراتژی « کار صحیح را انجام بده » برای پاسخگویی به این سوال طراحی شده است. این استراتژی زمانی به خرید یا فروش فرمان می دهد که بسیاری از معامله گران از آن دوری می جویند. در واقع این استراتژی

معامله گر را در موقعی که بسیاری از معامله گران از ادامه روند مایوس هستند، در جهت روند قرار می دهد. تسلیم شدن معامله گران ضد روند در برابر مومنتوم قوی روند موجب سودآوری معاملات حاصل از این استراتژی در مدتی کوتاه می شود و شما را قادر می سازد که طی مدت کوتاهی پس از ورود به معامله با سود از آن خارج شوید.

استراتژی «کار صحیح را انجام بده» از اندیکاتور بهره می برد که کمتر در معاملات فارکس مورد استفاده قرار می گیرد. این اندیکاتور «شاخص کانال کالا» یا CCI نام دارد که ابتدا توسط دونالد لامبرت در سال 1980 معرفی شد و برای حل مشکلات مربوط به سیگنال ها طراحی شده بود. تمرکز CCI بر اندازه گیری انحراف قیمت یک جفت ارز از میانگین آماری آن قرار دارد. به همین دلیل CCI یک اندیکاتور بسیار مناسب و حساس برای اندازه گیری مومنتوم است و به ما کمک می کند که بالاترین احتمال موفقیت را برای استراتژی خود حاصل نمائیم.

بدون درگیر شدن در فرمول ریاضی این اندیکاتور توجه داشته باشید که CCI یک اندیکاتور بدون حد است و معمولا مقادیر بیش از 100+ حاکی از اشباع از فروش بودن و مقادیر کمتر از 100- حاکی از اشباع از خرید بودن قیمت است. ولی ما از این مقادیر به عنوان نقاط ماشه ورود به معامله به صورت کاربردی متفاوت از کاربرد متعارف CCI استفاده می کنیم. ما به دنبال ورود به معامله خرید در شرایطی هستیم که CCI یک حداکثر جدید بیش از 100 تشکیل دهد و به همین ترتیب با تشکیل یک حداقل جدید کمتر از 100- وارد معامله فروش خواهیم شد. در استراتژی «کار صحیح را انجام بده» ما به دنبال یک حرکت جدید در مومنتوم هستیم که بتواند موجب صعود یا نزول بیش از پیش قیمت شود. فرضیه پشتیبان این استراتژی مشابه اصل بقاء اندازه حرکت در فیزیک است. یک حداکثر یا حداقل جدید در CCI بخوبی می تواند قیمت را در جهت خود به جلو براند، قبل از اینکه قیمت متوقف شود با برگردد.

قواعد معامله خرید

- 1) در نمودار روزانه یا ساعتی اندیکاتور CCI را با تنظیم 20 دوره ای نصب کنید.
- 2) حداکثر مقداری را که CCI در نوبت قبلی به بیش از 100 رسیده و پس از آن به کمتر از 100 کاهش یافته بیابید.
- 3) این مقدار حداکثر را بیابید و ثبت کنید.

- 4) اگر بار دیگر CCI به بیش از 100 و نیز حداکثر قبلی رسید، با بسته شدن کندل وارد معامله خرید شوید.
- 5) از حداقل کندل ذکر شده به عنوان حد زیان استفاده نمایید.
- 6) هر گاه سود شما برابر با حد زیان شد نیمی از معامله را ببندید و حد توقف نیم دیگر را به نقطه ورود منتقل نمایید.
- 7) هر گاه سود معامله دوم به دو برابر حد زیان شما رسید معامله دوم را هم ببندید.

قواعد معامله فروش

- 1) در نمودار روزانه یا ساعتی اندیکاتور CCI را با تنظیم 20 دوره ای نصب کنید.
 - 2) حداکثر مقداری را که CCI در نوبت قبلی به کمتر از 100- رسیده و پس از آن به بیش از 100- کاهش یافته بیابید.
 - 3) این مقدار حداقل را بیابید و ثبت کنید.
 - 4) اگر بار دیگر CCI به کمتر از 100- و نیز حداقل قبلی رسید، با بسته شدن کندل وارد معامله فروش شوید.
 - 5) از حداکثر کندل ذکر شده به عنوان حد زیان استفاده نمایید.
 - 6) هر گاه سود شما برابر با حد زیان شد نیمی از معامله را ببندید و حد توقف نیم دیگر را به نقطه ورود منتقل نمایید.
 - 7) هر گاه سود معامله دوم به دو برابر حد زیان شما رسید معامله دوم را هم ببندید.
- به مثال های بعدی توجه فرمائید:

Setup 2 - "Do the Right Thing" CCI Trade, EUR/USD



Figure 2 - 1

اولین مثال مربوط به جفت ارز EUR/USD است. مشاهده می کنید که یک سقف بیش از 100 در مقدار CCI در تاریخ 5 سپتامبر 2005 بوجود آمده و این مقدار حداکثری در 130.00 بوده است. بیش از سه ماه طول کشیده تا CCI بتواند مجددا صعود کرده و در تاریخ 13 دسامبر 2005 مجددا به همین مقدار برسد. مشاهده می کنید که طی این مدت روند نزولی بوده و تلاش قیمت برای شکست روند نزولی بارها ناکام مانده است. ولی در تاریخ 13 دسامبر 2005، CCI به 162.61 رسیده و ما با بسته شدن کندل روزانه اقدام به خرید در قیمت 1.1945 کرده ایم. قیمت حداقل این کندل یعنی 1.1906 به عنوان حد زیان استفاده شده است. هدف اول معامله برابر با مخاطره پذیرفته شده یعنی حدود 40 پیپ بالاتر بوده است. نیمی از معامله در این هدف قیمتی یعنی 1.1985 بسته شده و نیم دیگر معامله با هدف سود دو برابر این مقدار به راه خود ادامه داده و در قیمت 1.2035 بسته شده است. نسبت سود به مخاطره این معامله 1:1.5 است یعنی اگر در 50٪ مواقع معامله به سود برسد، این استراتژی دارای سود آوری مناسبی خواهد بود.

همچنین توجه کنید که کسب سود در این معامله به سرعت و در کمتر از 24 ساعت اتفاق افتاده است که به دلیل مومنتوم بالای قیمت در حرکت صعودی خود می باشد.

Setup 2 - "Do the Right Thing" CCI Trade, EUR/USD



Figure 2 - 2

برای معامله گرانی که مایل نیستند حدود سه ماه برای ورود به یک معامله صبر کنند، استفاده از نمودار یک ساعته نیز مقدور است که فرصتهای معاملاتی بسیار بیشتری را ارائه می نماید. حتی در این چارچوب زمانی نیز تعداد معاملات متعدد نیستند و این خود یکی از دلایل موفق بودن این استراتژی است. چرا که یک پند معروف معاملاتی می گوید: تعداد معاملات کمتر یعنی معامله بهتر. ولی به هر صورت در چارچوب یک ساعته تعداد معاملات بسیار بیش از چارچوب روزانه خواهد بود. در شکل فوق نمودار قیمت EUR/USD را بین 24 ام تا 28 ام مارس 2006 مشاهده می کنید. در ساعت 1 بعد از ظهر روز 24 ام مارس اندیکاتور CCI یک نقطه حداکثر در 142.96 ثبت کرده است و پس از کاهش، در ساعت 4 صبح روز 28 ام مارس یک نقطه حداکثری بیشتر در 184.72 تشکیل داده است. با بسته شدن کندل در نقطه 1.2063 ما وارد معامله خرید شدیم و حد زیان را در حداقل کندل یعنی 1.2027 قرار دادیم. قیمت برای چند ساعت فشرده شد ولی پس از

آن به سوی هدف قیمتی اول ما یعنی 1.2103 حرکت کرد و نیمه اول معامله در ساعت 8 صبح 28 ام مارس 2006 بسته شد. حد توقف معامله دوم را به نقطه ورود منتقل کردیم تا از ورود معامله خود به زیان جلوگیری کنیم. این نیمه معامله چند ساعت بعد در نقطه سر به سر بسته شد و فقط 40 پیپ سود معامله اول برای ما باقی ماند. ولی به یاد داشته باشید نیمی از نان بهتر از هیچ است. اگر از فرصتهائی که بازار در اختیار ما می گذارد به خوبی استفاده کنیم، این نیمه های نان می تواند به تمام یک نانوائی تبدیل شود.

Setup 2 - "Do the Right Thing" CCI Trade, USD/CHF



Figure 2 - 3

مثال سوم مربوط به معامله فروش جفت ارز USD/CHF در چارچوب زمانی روزانه است. در 11 اکتبر 2004 یک کف قیمتی در اندیکاتور CCI در مقدار -131.5 تشکیل شده است. چند روز بعد CCI از این کف عبور رده و به مقدار -133.68 می رسد. در اینجا با بسته شدن کندل روزانه و در نقطه 1.2445 وارد معامله فروش می شویم و از مقدار حداکثر کندل یعنی 1.2545 به عنوان

حد زیان استفاده می نمائیم. اولین هدف قیمتی ما یعنی 1.2345 فقط دو روز بعد حاصل شد و نیمی از معامله را در این قیمت با +100 پیپ سود بستیم. حد توقف نیمه دوم معامله به نقطه ورود منتقل و اجازه داده شد که باز هم قیمت در جهت افزایش سود ما کاهش یابد. نیمه دوم معامله در روز 19 اکتبر یعنی پنج روز پس از ورود به معامله با +200 پیپ سود در قیمت 1.2245 بسته شد. یعنی در این معامله در مجموع 300 پیپ سود بدست آمد. درحالی که ریسک پذیرفته شده 200 پیپ بوده است. در روزهای بعد نیز برگشت قیمتی مشاهده نمی شود چرا که مومنتوم قوی نزولی، قیمت را همچنان به پائین رانده است. این چیزی است که ما احتمال قوی در موفقیت می نامیم و همان چیزی است که استراتژی « کار درست را انجام بده » به شما ارزانی می دارد.

Setup 2 - "Do the Right Thing" CCI Trade, EUR/JPY



Figure 2 - 4

مثال چهارم معامله کوتاه مدت دیگری را در فروش EUR/JPY نمایش می دهد. در ساعت 9 بعد از ظهر 21 مارس 2006، نمودار قیمت این جفت ارز یک نقطه کف در -115.19 را ثبت نموده است. تقریباً پنج روز بعد یعنی در ساعت 8 بعد از ظهر روز 26 مارس 2006 امکان ورود به یک

معامله بر اساس قواعد استراتژی کار درست را انجام بده حاصل شده است. در اینجا CCI به مقدار 1.3368- کاهش یافته و با بسته شدن کندل وارد معامله فروش شدیم. این کندل یک کندل بسیار بزرگ در چارچوب یک ساعته بود و باعث شد که ما مجبور به پذیرش مخاطره ای به میزان 74 پیپ باشیم. ورود به معامله فروش در قیمت 140.79 و حد زیان در نقطه 141.51 قرار داده شد. اکثر معامله گران از ورود به معامله فروش در این مقطع هراس داشتند و فکر می کردند که ادامه نزول چندان محتمل نیست. ولی ما به استراتژی خود اعتقاد داشتیم و آنرا دنبال نمودیم. قیمت ابتدا کمی فشرده شد ولی پس از آن کاهش یافت و کمتر از 24 ساعت بعد یعنی در ساعت 1 بعد از ظهر 27 مارس 2006 به اولین هدف قیمتی ما رسید و سود قابل توجه 74 پیپی مورد نظر حاصل شد. بار دیگر حد توقف را به نقطه ورود منتقل نمودیم. این جفت ارز به کف خود رسید و صعود کرد و در نتیجه نیمه دوم معامله ما در نقطه ورود بسته شد. با وجود اینکه قیمت به هدف دوم ما نرسید ولی این معامله سود مناسب 74 پیپی نصیب ما کرد بدون اینکه به مقدار قابل توجهی در زیان فرو رفته باشد.

Setup 2 - "Do the Right Thing" CCI Trade, AUD/USD



Figure 2 - 2

آخرین مثال ما نشان می دهد که چگونه این استراتژی می تواند منجر به زیان شود و استفاده از حد زیان تا چه حد مهم است. استراتژی « کار درست را انجام بده» برای حصول سود بر مومنتوم تکیه می کند. وقتی که مومنتوم نتواند قیمت را به حرکت در آورد نشانه این است که شاید برگشت قیمت در راه باشد. در مثال فوق نمودار AUD/USD را در چارچوب زمانی یک ساعته مشاهده می کنید. مشاهده می کنید که ابتدا CCI یک نقطه حداکثر در مقدار 132.58 در تاریخ 2 می 2006 تشکیل داده است. چند روز بعد در 11 صبح 4 می 2006 اندیکاتور CCI به مقدار 1.4944 رسیده و یک سیگنال ورود به معامله خرید صادر نموده است. نقطه ورود 0.7721 و حد زیان 0.7709 بوده است. توجه کنید که قیمت به جای بالا رفتن یکباره سقوط کرده است. قیمت در این سقوط به 0.7675 رسیده و اگر معامله گر حاضر نبود حد زیان 12 پیپی منطبق با استراتژی را تحمل کند مجبور به پذیرش این زیان سنگین سه برابری می شد. بنابراین توجه داشته باشید که در استراتژی « کار درست را انجام بده» نیز امکان معامله زیان ده و برخورد به حد زیان وجود دارد.

3- استراتژی ترکیبی میانگین متحرک و MACD

در تئوری، معامله گری بر اساس تعقیب روند بسیار ساده است. تنها کاری که باید انجام دهید این است. « وقتی قیمت در حال صعود است معامله خرید داشته باشید و وقتی قیمت در حال نزول است معامله فروش». ولی در عمل چنین معاملاتی بسیار مشکل است. وقتی به دنبال یک فرصت معاملاتی برای معامله بر اساس روند هستید، ممکن است این سوالات به ذهن شما خطور کند:

جهت روند چیست؟

آیا الان باید با روند همراه شوم و یا منتظر یک حرکت بازگشتی بمانم؟

چه موقع این روند تمام می شود؟

بزرگترین واهمه یک معامله گر بر اساس روند، این است که بسیار دیر با روند همراه شود. یعنی در نقطه ای که روند رو به افول است. با وجود این مشکلات معامله گری بر اساس روند یکی از مورد توجه ترین سبک های معاملاتی است. چرا که وقتی یک روند کوتاه مدت یا بلند مدت شکل می گیرد، می تواند برای ساعت ها، روزها و حتی ماه ها ادامه داشته باشد.

ما برای این منظور استراتژی ای طراحی کرده ایم که ضمن پاسخگویی به سوالات فوق می تواند نقاط ورود و خروج را نیز دقیقا مشخص نماید. این استراتژی استراتژی ترکیبی میانگین متحرک و

MACD نام دارد. ما دو میانگین متحرک را در استراتژی خود به کار گرفته ایم: میانگین متحرک ساده 50 دوره ای یا SMA50 و میانگین متحرک ساده 100 دوره ای یا SMA100. عملاً دوره مناسب برای میانگین متحرک بستگی تام به چارچوب زمانی مورد استفاده دارد. ما این استراتژی را برای چارچوب های زمانی یک ساعته و روزانه طراحی کرده ایم. SMA50 به عنوان ماشه برای تعیین نقاط ورود به کار می رود. در حالی که SMA100 به ما جهت صحیح روند را نمایش می دهد. در این استراتژی ما فقط وقتی وارد معامله خرید یا فروش می شویم که قیمت میانگین های متحرک را در جهت روند قطع کند. با وجود اینکه این استراتژی از منطقی مشابه استراتژی Momo بهره می برد ولی بسیار هوشیارانه تر از آن است و از میانگین متحرک های بلند مدت تری در چارچوب زمانی یک ساعته و روزانه برای کسب سود های بلند مدت تر بهره می گیرد.

قوائد ورود به معامله خرید:

- 1) در موقعی که قیمت کمتر از هر دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای است، بازار را زیر نظر بگیرید.
- 2) هر گاه قیمت یکی از میانگین متحرک ها را به سمت بالا قطع کرده و از آن 10 پیپ فاصله گرفت، به اندیکاتور MACD نگاه کنید. اگر این اندیکاتور طی 5 میله اخیر از منفی به مثبت تغییر جهت داده است، وارد معامله خرید شوید.
- 3) حد زیان را در نقطه حداقل پنج میله قبلی قیمت قرار دهید.
- 4) نیمی از معامله را با سود دو برابر مخاطره ای که پذیرفته اید، ببندید و در نیم دیگر حد توقف را به نقطه ورود منتقل فرمائید.
- 5) نیمه دوم معامله را وقتی ببندید که قیمت SMA50 را به سمت پائین شکسته و 10 پیپ با آن فاصله گرفته باشد.

قوائد ورود به معامله فروش:

- 1) در موقعی که قیمت بیش از هر دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای است، بازار را زیر نظر بگیرید.
- 2) هر گاه قیمت یکی از میانگین متحرک ها را به سمت بالا قطع کرده و از آن 10 پیپ فاصله گرفته گرفته است، به اندیکاتور MACD نگاه کنید. اگر این اندیکاتور طی 5 میله اخیر از مثبت به منفی تغییر جهت داده است، وارد معامله فروش شوید.

- 3) حد زیان را در نقطه حداکثر پنج میله قبلی قیمت قرار دهید.
- 4) نیمی از معامله را با سود دو برابر مخاطره ای که پذیرفته اید، ببندید و در نیم دیگر حد توقف را به نقطه ورود منتقل فرمائید.
- 5) نیمه دوم معامله را وقتی ببندید که قیمت SMA50 را به سمت بالا شکسته و 10 پیپ با آن فاصله گرفته باشد.
- اگر قیمت بین دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای است وارد معامله نشوید.
به مثال های بعدی توجه نمائید:

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, EUR/USD



Figure 3 - 1

اولین نمودار، قیمت EUR/USD را در چارچوب زمانی یک ساعته نمایش می دهد. معامله خرید در 13 مارس 2006 در زمانی که قیمت هر دو میانگین متحرک 50 و 100 دوره ای را به سمت بالا شکسته ، شکل گرفته است. البته ما فوراً به معامله خرید وارد نشدیم چون MACD بیش از 5

میله قبلی از منفی به مثبت تغییر جهت داده بود. بنابراین صبر کردیم تا MACD با دیگر از منفی به مثبت تغییر جهت دهد تا آن موقع وارد بازار شویم.

ما صبر کردیم تا MACD نیز خط صفر را به سمت بالا بشکند. ماشه ورود به معامله خرید چندی بعد و در قیمت 1.1945 با تغییر جهت MACD از منفی به مثبت چکانده شد و ما در این قیمت به معامله خرید وارد شدیم. حد زیان در نقطه حداقل 5 میله قبلی یعنی 1.1917 قرار داده شد. اولین هدف قیمتی ما دو برابر ریسک 28 پیپی یعنی 56 پیپ سود در قیمت 1.2001 بوده است. این هدف در ساعت 11 صبح روز بعد محقق شد و نیمه اول معامله با این سود خاتمه یافت. حد توقف نیمه دوم معامله به نقطه ورود منتقل شد و برای بستن معامله دوم صبر کردیم تا قیمت SMA50 را به سمت پائین قطع کرده و 10 پیپ از آن فاصله بگیرد. این شرایط در 20 مارس 2006 در ساعت 10 صبح پدید آمد و ما از نیمه دوم معامله در قیمت 1.2165 با میانگین سود 138 پیپ خارج شدیم.

شاید پرسید : چرا فقط از تغییر جهت MACD برای ورود استفاده نکنیم ؟ در نمودار قبل می توانید مشاهده کنید که تغییر جهت این اندیکاتور طی 13 تا 15 مارس 2006 چند بار به وقوع پیوسته است و اکثر تغییر جهت ها از مثبت به منفی و نیز تعدادی از تغییر جهت ها از منفی به مثبت سیگنال هائی نادرست بوده اند که بدون وارد شدن به سود قابل توجه به حد زیان برخورد می کرده اند.

در مقابل شاید عده ای دیگر سوال کنند که : چرا فقط با تقاطع میانگین متحرک ها و بدون استفاده از MACD به بازار وارد نشویم ؟ در این شکل مشاهده می کنید که سیگنال فروش حاصل از تقاطع میانگین متحرک ها با تغییر جهت MACD از منفی به مثبت همزمان بوده است و به همین دلیل یک سیگنال نادرست برای فروش تلقی می گردد.



Figure 3 - 1a

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, USD/JPY



Figure 3 - 2

نمودار فوق قیمت USD/JPY را در چارچوب زمانی روزانه نشان می دهد. سیگنال ورود به معامله خرید در 16 سپتامبر 2006 با شکست میانگین های متحرک 50 و 100 روزه توسط قیمت با 10 پیپ فاصله در قیمت 110.95 صادر شده است. در همین زمان اندیکاتور MACD طی کمتر از 5 میله قبلی از منفی به مثبت تغییر جهت داده و این سیگنال را تایید نموده است. حد زیان در حداقل 5 میله گذشته در 109.98 قرار داده شده و اولین هدف قیمتی دو برابر مخاطره پذیرفته شده، یعنی 114.89 بوده است. این هدف قیمتی چند هفته بعد در تاریخ 13 اکتبر 2005 حاصل شد و ما ضمن بستن نیمه اول معامله، حد توقف نیمه دوم را به نقطه ورود منتقل نمودیم. خروج از معامله دوم در شرایطی انجام شد که قیمت میانگین متحرک 50 روزه را به سمت پائین قطع کرده و 10 پیپ نیز از آن فاصله گرفت. این شرایط در روز 14 دسامبر 2005 در قیمت 117.43 پدید آمد و میانگین سود حاصل از مجموع این دو معامله 521 پیپ بوده است.

توجه داشته باشید که با استفاده از نمودار روزانه، همانگونه که سودها زیاد می‌شوند حد زیان نیز افزایش می‌یابد. در این معامله ما مجبور شدیم که 200 پیپ حد زیان را بپذیریم و در عین حال توانستیم به سود میانگین 521 پیپی دست پیدا کنیم که بیش از 2 برابر حد زیان ما بود. همچنین معامله بر اساس نمودار روزانه نیاز به حوصله بسیار بیشتری دارد، چرا که معامله ما می‌تواند حتی برای چند ماه باز بماند.

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, AUD/USD



Figure 3 - 3

نمودار فوق مثالی از معامله فروش را در نمودار یک ساعته AUD/USD از تاریخ 16 مارس 2006 نشان می‌دهد. قیمت برای مدتی در دامنه بین میانگین‌های متحرک 50 و 100 دوره‌ای نوسان داشته است. ما صبر کردیم تا قیمت هر دو این میانگین متحرک‌ها را بشکند و در عین حال MACD طی پنج میله اخیر از مثبت به منفی تغییر جهت داده باشد. این شرایط بوجود آمد و ما وقتی که میانگین متحرک به اندازه 10 پیپ از نزدیکترین میانگین متحرک (در اینجا SMA100) فاصله گرفت وارد معامله فروش شدیم. ورود به معامله فروش در قیمت 0.7349 انجام شد و

حد زیان در نقطه حداکثر پنج میله قبلی یعنی 0.7376 قرار داده شد. یعنی ما 27 پیپ مخاطره را پذیرفتیم. اولین هدف قیمتی ما با دو برابر میزان این مخاطره یعنی در 0.7295 قرار داده شد. این هدف قیمتی 7 ساعت بعد حاصل گردید و حد توقف معامله دوم روی نقطه ورود تنظیم شد و به انتظار ماندیم تا با شکست میانگین متحرک 50 دوره ای به سمت بالا و 10 پیپ فاصله از آن از معامله دوم خارج شویم. این شرایط در 22 مارس 2006 حاصل شد که قیمت در 0.7193 قرار داشت و میانگین 105 پیپ سود را برای ما حاصل نمود. با توجه به اینکه ما تنها 27 مخاطره را در این معامله پذیرفتیم ، این سود مقدار بسیار قابل توجهی است.

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, EUR/JPY

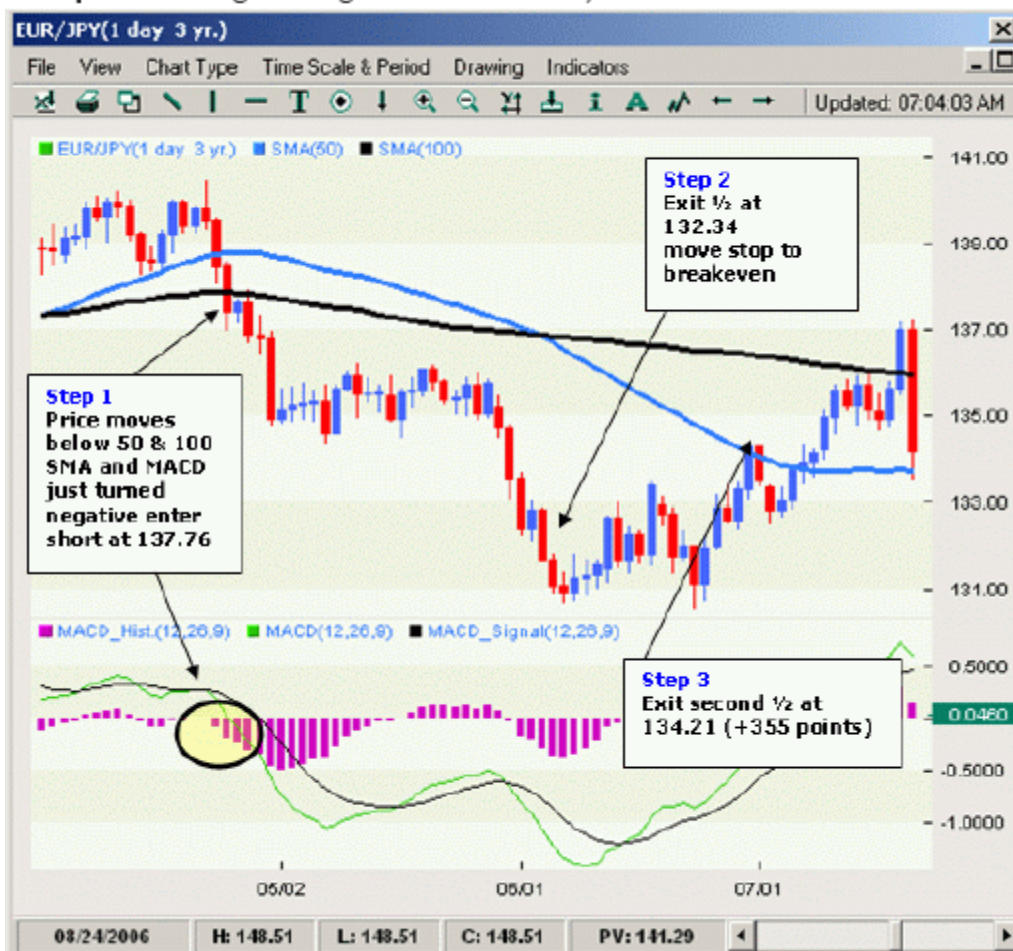


Figure 3 - 4

به مثالی دیگر از معامله فروش در چارچوب زمانی روزانه جفت ارز EUR/JPY توجه فرمائید. همانطور که می بینید، مثال های چارچوب زمانی روزانه بازده بالائی دارند چون وقتی یک روند در این چارچوب زمانی بوجود می آید، می تواند برای مدتی طولانی به طول بینجامد. در غیر این صورت قیمت می تواند وارد یک دامنه شود و بین دو میانگین متحرک نوسان نماید. در تاریخ 25

آوریل 2005 مشاهده می شود که قیمت EUR/JPY هر دو میانگین متحرک 50 و 100 روزه را شکسته و به پائین نزول کرده است. در همین زمان اندیکاتور MACD نیز منفی شده که موید ورود به یک معامله فروش طبق این استراتژی می باشد. ما در قیمت 10 پیپ کمتر از میانگین متحرک 100 روزه یعنی 137.76 وارد معامله فروش شدیم و حد زیان خود را حداکثر قیمت 5 روز اخیر یعنی 140.47 قرار دادیم. این به این معنی است که ما 271 پیپ مخاطره را پذیرفتیم. اولین هدف قیمتی 132.34 (542 پیپ سود) است. این هدف قیمتی حدود یک ماه بعد در تاریخ 2 ژوئن 2005 حاصل شد. در این تاریخ پس از بسته شدن نیمه اول معامله، حد توقف نیمه دوم به نقطه ورود منتقل گردید تا با عبور 10 پیپی قیمت از میانگین متحرک 50 روزه بسته شود. این شرایط در 30 ژوئن حاصل شد و در قیمت 134.21 از این معامله خارج شدیم. در مجموعه این دو معامله میانگین سود 448 پیپ حاصل گردید.

Setup 3 - Moving Average MACD Combo, EUR/GBP



Figure 3 - 5

این استراتژی یک استراتژی بدون خطا نیست و نظیر سایر استراتژی های معامله بر اساس روند، در مورد جفت ارزها و دوره های زمانی روند دار دارای سود دهی مناسب می باشد. بنابراین استفاده از این استراتژی در معامله جفت ارزهایی مانند EUR/GBP که معمولا در دامنه ای مشخص حرکت می کنند کاربرد ندارد. نمودار فوق نمونه ای از شکست این استراتژی را نشان می دهد. در 7 مارس 2006 قیمت هر دو میانگین متحرک 50 و 100 ساعته را در نمودار فوق شکسته و از آنها 10 پیپ فاصله گرفته است. در همین زمان MACD نیز منفی شده و سیگنال ورود به معامله فروش تایید می شود و معامله فروش در 0.6840 شکل می گیرد. حد زیان این معامله در حداکثر 5 میله قبلی یعنی 0.6860 قرار داده می شود. این به معنی پذیرش مخاطره 20 پیپی و هدف قیمتی 40 پیپی در نیمه اول معامله است. یعنی قیمت EUR/GBP 0.6800 کاهش یافت ولی نه به اندازه ای که بتواند به هدف قیمتی مورد نظر ما برخورد کند. حداقل قیمت قبل از برگشت به سمت بالا 0.6839 بود و پس از آن قیمت افزایش یافت و به حد زیان 20 پیپی در قیمت 0.6820 برخورد نمود.

بنابراین معامله گران در استفاده از استراتژی ترکیبی میانگین متحرک و MACD باید به روند دار بودن جفت ارز مورد معامله، توجه اکید داشته باشند. این استراتژی در معاملات جفت ارزهای اصلی به خوبی مورد استفاده است. از طرفی بررسی قدرت شکست میانگین های متحرک نیز هوشمندانه است. در مثال فوق اگر ما به اندیکاتور ADX توجه کرده بودیم، مقدار اندک آن نشان دهنده ضعیف بودن روند و نبود مومنتوم کافی برای ادامه حرکت نزولی می بود.

4- استراتژی RSI Rollercoaster

بعضی اوقات ساده ترین بهترین است. شاخص قدرت نسبی یا RSI توسط والس ویلدر معرفی شد و یکی از قدیمی ترین و معروف ترین ابزارهای تحلیل تکنیکی است. اگر بخواهیم پنج اندیکاتور معروف تحلیل تکنیکی را انتخاب کنیم، RSI بدون شک یکی از آنها خواهد بود. توانایی این اندیکاتور برای تعیین احتمال برگشت روند بر اساس ضعیف شدن مومنتوم تقریبا در بین اندیکاتورهای تحلیل تکنیکی بی نظیر است. مقادیر بیش از 70 این اندیکاتور شرایط خرید هیجانی و مقادیر کمتر از 30 شرایط فروش هیجانی را نشان می دهد. استراتژی RSI Rollercoaster برای بهره برداری از برگشت قیمت در این شرایط طراحی شده است. هدف این استراتژی سود بردن از نوسانات جفت ارزهایی است که در یک دامنه نوسان می کنند.

این استراتژی فقط برای بازار هائی مناسب است که قیمت در دامنه مشخصی نوسان کند و در چنین شرایطی است که شرایط خرید هیجانی یا فروش هیجانی می تواند منجر به برگشت قیمت شود. این استراتژی نیز نظیر سایر استراتژی های مطرح شده در این فصل بیشتر برای چارچوب زمانی روزانه مناسب است تا چارچوب های زمانی کوتاه تر مثل یک ساعته . دلیل این امر این است که در نمودار روزانه داده های قیمتی بسیار بیشتری نهفته است تا در چارچوب های زمانی کوتاه تر. بنابراین کاهش در مومنتوم در چارچوب زمانی روزانه با معنی تر است. ولی ساختار نامتقارن نسبت مخاطره به سود در این استراتژی باعث می شود که در چارچوب های زمانی کوتاه تر هم قابل توجه باشد. با اینکه دفعات ناموفق بودن این استراتژی در چارچوب های زمانی کوتاه تر بیشتر از روزانه است، مقادیر زیان نیز بسیار کوچک تر و قابل مدیریت تر هستند.

شرایط ورود به معامله خرید:

- 1) قبل از ورود باید RSI کمتر از 30 باشد.
- 2) صبر کنید تا یک کندل صعودی تشکیل شود و موقع بسته شدن آن RSI به بیش از 30 افزایش یافته باشد.
- 3) با شروع کندل بعد وارد معامله خرید شوید.
- 4) حد زیان خود را در یک نقطه کف مناسب قرار دهید.
- 5) نیمی از معامله را با سودی برابر 50٪ مخاطره پذیرفته شده ببندید و حد توقف نیمه دیگر را به نقطه ورود منتقل نمایید.
- 6) نیم دیگر معامله در یکی از شرایط زیر بسته می شود:
 - a. با برخورد به حد زیان در نقطه سر به سر
 - b. با ورود قیمت به محدوده خرید هیجانی یعنی RSI بیش از 70 و سپس کاهش RSI از این محدوده. که در این صورت همراه با خروج از این معامله می توان معامله بعدی فروش را آغاز نمود.

شرایط ورود به معامله فروش:

- 1) قبل از ورود باید RSI بیش از 70 باشد.

2) صبر کنید تا یک کندل نزولی تشکیل شود و موقع بسته شدن آن RSI به کمتر از 70 کاهش یافته باشد.

3) با شروع کندل بعد وارد معامله فروش شوید.

4) حد زیان خود را در یک نقطه سقف مناسب قرار دهید.

5) نیمی از معامله را با سودی برابر 50٪ مخاطره پذیرفته شده ببندید و حد توقف نیمه دیگر را به نقطه ورود منتقل نمایید.

6) نیم دیگر معامله در یکی از شرایط زیر بسته می شود:

7) با برخورد به حد زیان در نقطه سر به سر

8) با ورود قیمت به محدوده فروش هیجانی یعنی RSI کمتر از 30 و سپس افزایش RSI از این محدوده. که در این صورت همراه با خروج از این معامله می توان معامله بعدی خرید را آغاز نمود.

نکته کلیدی این استراتژی RSI این است که ما ابتدا در انتظار یک کندل برگشتی می مانیم در حالی که استراتژی های قدیمی مبتنی بر RSI فقط به خرید یا فروش هیجانی و حرکت اندیکاتور توجه می کردند. این رویه باعث می شود که ما از گرفتار شدن در دام سقف یا کف های نا درست، در امان باشیم.

توجه داشته باشید که این استراتژی طوری طراحی شده است که حداکثر سود ممکن را از یک معامله برگشتی کسب نماید. این استراتژی به جای توجه صرف به حالت خرید یا فروش هیجانی در بازار، معامله گر را آنقدر در بازار نگاه می دارد تا علامت روشنی از برگشت قیمت مشاهده شود. گاهی در یک حرکت صعودی قوی RSI چند بار به طور متوالی در حالت خرید هیجانی قرار می گیرد. این استراتژی بر آن است که از این حرکت ها هم سود کسب کند. توجه کنید که معامله گر این استراتژی تقریباً همیشه در بازار است و با بسته شدن یک معامله خرید یک معامله فروش آغاز می شود و بالعکس. فقط در صورت برخورد به حد توقف در نقطه سر به سر یا حد زیان اولیه، معامله گر خارج از بازار خواهد بود.

به مثال های بعدی توجه فرمائید:

Setup 4 - RSI Rollercoaster, AUD/JPY



Figure 4 - 1

در اولین مثال نمودار جفت ارز AUD/JPY در دوره 12 دسامبر 2005 تا 1 آوریل 2006 را ملاحظه می‌نمائید. در 12 دسامبر RSI این جفت ارز به حداکثر خود یعنی 73.84 رسیده ولی در پایان کندل نزولی روز بعد این اندیکاتور به 48.13 سقوط کرده است. بنابراین ما در قیمت 88.57 وارد معامله فروش می‌شویم. حد زیان ما در سقف میان مدت 93.11 یعنی 276 پیپ قرار داده شده است. اولین هدف قیمتی، نیمی از این مخاطره یعنی 138 پیپ است. روز بعد این جفت ارز باز هم سقوط کرد و اولین هدف قیمتی ما محقق شد. در این جا ما حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه سر به سر منتقل کردیم و صبر نمودیم تا قیمت در شرایط فروش هیجانی قرار گیرد. در 27 دسامبر 2007 این شرایط بوجود آمد و RSI از مقادیر کمتر از 30 به مقدار 30.70 رسید و در عین حال یک کندل صعودی مشاهده گردید. در نتیجه نیمه دوم معامله نیز در قیمت 85.01 بسته شد و 356 پیپ سود حاصل گردید. در اینجا بلافاصله یک سیگنال خرید بر اساس این

استراتژی پدیدار شد و حد زیان این معامله خرید در نقطه حداقلی 84.51 قرار گرفت. یعنی مخاطره اندکی در حد 50 پیپ و هدف اولیه ای با فاصله 25 پیپ. این هدف روز بعد با افزایش قیمت به 85.26 حاصل شد. در اینجا ما حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود منتقل کردیم و برای حدود یک ماه در این معامله باقی ماندیم تا روز ششم فوریه 2006. در این روز RSI محدوده خرید هیجانی را ترک کرد و ما معامله خود را در قیمت 88.23 با 322 پیپ سود بستیم. در این نقطه ما بلافاصله وارد یک معامله فروش شدیم و نقطه سقف 89.34 به عنوان حد زیان تعیین شد. هدف اول در 87.68 روز بعد حاصل شد و 55 پیپ سود به دست آمد. از نیمه دوم معامله نیز در نقطه 84.01 خارج شدیم. وقتی که RSI از محدوده فروش هیجانی خود خارج شد. در نتیجه نیمه دوم معامله 422 پیپ سود حاصل نمود. از این استراتژی طی چهار ماه سود بسیار قابل توجه 660 پیپ بدست آمد.

بعضی از معامله گران ممکن است حوصله استفاده از این استراتژی در چارچوب زمانی روزانه را نداشته باشند. به این منظور مثال بعدی در چارچوب زمانی چهار ساعته ارائه گردیده است.

Setup 4 - RSI Rollercoaster, EUR/USD



Figure 4 - 2

در نمودار چهار ساعته جفت ارز EUR/USD نیز این استراتژی مجدداً موفق ظاهر می‌شود. پس از اینکه RSI برای مدتی در محدوده خرید هیجانی بیش از 70 قرار داشته است، در تاریخ 21 مارس 2006 به کمتر از 70 کاهش می‌یابد و مشاهده کندل نزولی منجر به صدور سیگنال فروش بر اساس این استراتژی در قیمت 1.2187 می‌شود. حد زیان در نقطه سقف 1.2208 در فاصله‌ای نزدیک قرار داده می‌شود که منجر به پذیرش مخاطره‌ای فقط در حد 30 پیپ می‌گردد. هدف اولیه قیمتی در 1.2163 روز بعد بدست آمد و ما حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود منتقل نمودیم. این جفت ارز قبل از مشاهده یک مومنتوم صعودی به 1.2035 کاهش یافت و ما توانستیم نیمه دوم معامله را با سود 138 پیپی ببندیم. در اینجا ما بی‌درنگ به معامله خرید وارد شدیم. با مخاطره بزرگتری به میزان 100 پیپ چون کف حرکت نزولی 1.1935 بود. قیمت افزایش یافت و هدف اول به سادگی در قیمت 1.2085 با 50 پیپ سود بدست آمد. ما آنقدر در معامله باقی ماندیم تا نیمه دوم معامله در نقطه سر به سر بسته شد. در این مثال 203

پیپ سود با پذیرش مخاطره 260 پیپ بدست آمد. با وجود اینکه در اینجا نسبت سود به مخاطره اندکی کمتر از یک است. ولی احتمال بالای موفقیت باعث می شود که در مجموع این استراتژی سود آور باشد.

Setup 4 - RSI Rollercoaster, USD/CHF



Figure 4 - 3

حال به چارچوب زمانی یک ساعته می رویم تا مشاهده کنیم که استراتژی RSI Rollercoaster در این چارچوب زمانی چندان موفق نیست. از 3 آوریل 2006 شروع می کنیم که استراتژی سیگنال فروش در قیمت 1.3090 را با حد زیان 35 پیپی در نقطه 1.3125 صادر می کند. معامله به سرعت در جهت سود و بسته شدن نیمه اول معامله با 17 پیپ سود پیش رفت. حد توقف نیمه دوم معامله به نقطه ورود منتقل شد و قیمت تا 1.2902 کاهش یافت و سیگنال خروج از معامله با 197 پیپ سود و ورود به یک معامله خرید جدید صادر گردید این سیگنال ها تا سه بار تکرار و هر بار با حد زیان بسته شد. بنابراین ما 28، 36 و 48 پیپ زیان در هر دو نیمه معامله متحمل شدیم. این زیان های پیاپی تمام سود معامله فروش قبلی را بلعید و نهایتاً 8 پیپ زیان پدید آمد. مشکل از

اینجا بود که وقتی حرکت صعودی آغاز می شد که RSI بیش از 30 بود و استراتژی ما هیچ سیگنال ورودی صادر نمی کرد.

چه باید کرد؟ ساده ترین راه حل این است که از استراتژی RSI Rollercoaster در چارچوب های زمانی کمتر از 4 ساعته استفاده نکنیم. این استراتژی برای بهره گیری از تغییر جهت های اصلی در قیمت طراحی شده و بهترین عملکرد آن در بازار های دامنه داری است که قیمت بطور مدام از حالت فروش هیجانی به خرید هیجانی تغییر جهت می دهد. چارچوب زمانی یک ساعته بیش از حد برای این اندیکاتور حساس است و باعث تولید سیگنال های نادرست زیادی می شود. در چارچوب زمانی یک ساعته بسیار پیش می آید که RSI از حالت خرید هیجانی یا فروش هیجانی خارج شود بدون اینکه واقعاً تغییر جهتی در کار باشد. البته می توان با اصلاحاتی از این استراتژی در چارچوب زمانی یک ساعته و حتی پائین تر هم استفاده نمود. نکته کلیدی موفقیت RSI Rollercoaster در چارچوب های زمانی پائین، این است که هرگز حد زیان بیش از 30 تا 35 پیپ قرار داده نشود. در حالت ایده آل، مخاطره RSI Rollercoaster در چارچوب زمانی یک ساعته نباید بیش از 15 پیپ باشد. البته این تغییر باعث می شود که معامله گر با حد زیان های بیشتری برخورد کند و حتی در مواردی با زیان های متوالی مواجه شود. ولی سه یا حتی چهار زیان متوالی کوچک لطمه زیادی به حساب وارد نمی کند و یک معامله موفق با سود 100 پیپ یا بیشتر می تواند موجب مثبت شدن حساب گردد. در چارچوب زمانی یک ساعته و پائین تر نویز های قیمت زیاد هستند و محدود کردن دامنه زیان ها، می تواند منجر به مثبت شدن عملکرد نهائی این استراتژی گردد.

Setup 4 - RSI Rollercoaster, GBP/USD



Figure 4 - 4

در آخرین مثال کاربرد استراتژی RSI Rollercoaster در نمودار یک ساعته GBP/USD از 27 مارس تا 29 مارس 2006 را ملاحظه فرمائید. ما دقیقاً همان قواعد قبلی را فقط با یک اصلاح به کار خواهیم برد: اگر حد زیان بیش از 35 پیپ محاسبه شد، اصلاً به آن معامله وارد نمی شویم. در تاریخ 27 مارس ساعت 1:00 صبح یک سیگنال فروش در قیمت 1.7438 با مخاطره 24 پیپ صادر شد و اجرا گردید. معامله در جهت زیان ما پیش رفت و با حد زیان بسته شد. در همین روز سیگنال فروش دیگری در قیمت 1.7477 صادر شد. در این مرتبه مخاطره اندکی برابر 10 پیپ پذیرفته شد. نیمی از معامله با سود 50٪ این مخاطره در قیمت 1.7472 بسته و حد توقف به نقطه ورود منتقل گردید. باز هم قیمت در جهت زیان ما حرکت کرد ولی توانستیم در قیمت ورود از معامله خارج شویم. نهایتاً در نیمه روز 28 مارس سومین سیگنال فروش در قیمت 1.7504 با مخاطره قابل توجه تر 32 پیپ صادر گردید که در محدوده 35 پیپی ما قرار داشت. ما نیمی از این معامله را در قیمت 1.7488 با 16 پیپ سود بستیم و حد توقف را به نقطه ورود منتقل

نمودیم. سپس قیمت کاهش قابل توجهی داشت و تا 1.7315 پائین آمد و 189 پیپ سود حاصل نمود. در مجموع این معاملات چند روزه 162 پیپ سود حاصل شد. توجه داشته باشید که عمده این سود فقط از نیمه دوم معامله سوم بدست آمد و در بقیه معاملات سود یا زیان های کوچک یا بسته شدن در نقطه سر به سر را شاهد بودیم. در چارچوب های زمانی کوتاه مدت استراتژی RSI Rollercoaster یک استراتژی با احتمال پائین سود ده بودن یک معامله ولی سود زیاد در معاملات سود ده، می باشد و معامله گر باید به دو نکته کلیدی توجه داشته باشد. 1) باید معاملات متعددی با کنترل ریسک صورت گیرد تا یکی از آنها بتواند به معامله ای پر سود تبدیل شود. 2) مخاطره پذیرفته شده در هر معامله بسیار محدود و تعریف شده است و در عوض در انتظار معاملات پر سود در بین معاملات خود هستیم. در استراتژی RSI Rollercoaster نیمی از ارزش استراتژی به قواعد معامله بر می گردد و نیم با اهمیت دیگر ارزش آن، از مدیریت سرمایه هوشمندانه ناشی می شود.

5- استراتژی افول خالص

همه دوست دارند قهرمانی باشند که دقیقاً نقاط کف و سقف قیمت یک جفت ارز را گرفته است. صرف نظر از گزافه گوئی، آیا فروش مکرر در یک سقف جدید به امید اینکه این سقف آخرین سقف در یک روند صعودی باشد، کار جالبی است؟ به تحقیق جواب " خیر " است. یکی از بزرگترین اشتباهات معامله گران مبتدی گرفتن کف ها و سقف های قیمت بطور احساسی و بدون تأیید اندیکاتور ها یا انواع دیگری از تایید تکنیکی است. استراتژی افول خالص یک استراتژی کوتاه مدت برای تشخیص نقاط سقف و کف قیمت برای استفاده از حرکت اصلاحی پس از یک حرکت جهت دار مفرط است.

این استراتژی در پی تشخیص حرکات اصلاحی کوتاه مدت بر اساس یک دسته سه تایی از اندیکاتور باند بالینجر و یک اندیکاتور RSI در چارچوب زمانی یک ساعته است. وقتی اندیکاتور RSI در حالت خرید هیجانی (بیش از 70) و یا فروش هیجانی (کمتر از 30) قرار داشته باشد، هشدار می دهد که احتمال حرکت اصلاحی را گوشزد می کند. ولی ما فقط با تکیه بر RSI و به امید حرکت اصلاحی اقدام به معامله نمی کنیم. بلکه با اضافه کردن یک دسته سه تایی از باند های بالینجر سعی می کنیم نقطه خستگی روند و در نتیجه حرکت اصلاحی را بیابیم. استفاده از باند های بالینجر بدین

منظور است که این باندها می‌توانند نهایت حرکت قیمت را که پس از آن احتمال حرکت اصلاحی وجود دارد، اندازه‌گیری نمایند.

باندهای بالینجر توسط جان بالینجر در دهه 1980 معرفی شد. تنظیمات استاندارد این اندیکاتور میانگین متحرک 20 دوره‌ای و انحراف معیار یا SD دو برابر است. در استراتژی اولیه استفاده از این باندها، با برخورد به باندها و برگشت اقدام به معامله در جهت منحنی میانگین متحرک می‌شد. چون در 95٪ موارد قیمت تمایل دارد که به درون باند برگردد. در استراتژی افول خالص ما سه برابر انحراف معیار را هم به نمودار افزوده ایم. وقتی قیمت به باند سوم در هر طرف برخورد کند، در می‌یابیم که این حرکت جزئاً 5٪ حرکت‌های اقلیت است. بنابراین آنرا یک حرکت مفرط تلقی می‌کنیم. وقتی که قیمت به محدوده مابین 1 تا 2 برابر انحراف معیار باز می‌گردد، در می‌یابیم که حرکت قیمت حالت مفرط خود را از دست داده و در حال ورود به فاز اصلاحی است. در نهایت بدنال آن هستیم که یک کندل قیمت بین دو باند یک برابر و دو برابر بسته شود. این حالت به ما اطمینان می‌دهد که روند قوی به انتهای خود رسیده و انرژی آن تخلیه شده است. این استراتژی یک استراتژی کم‌ریسک و کم‌سود است و برای معامله‌گرانی مناسب است که به دنبال سودهای اندک ولی مطمئن هستند.

ما استفاده از این استراتژی را فقط برای چارچوب زمانی یک ساعته و با قواعد زیر توصیه می‌نمائیم:

قواعد ورود به معامله خرید:

- 1) صبر کنید تا RSI کمتر از 30 شود.
- 2) قیمت را تعقیب کنید تا به باند بالینجر سه برابر یا پائین‌ترین باند برخورد کند.
- 3) صبر کنید تا قیمت از دامنه بین باندهای سه برابر و دو برابر انحراف معیار به دامنه بین باندهای دو برابر و یک برابر وارد شود.
- 4) با بسته شدن یک کندل در دامنه بین باندهای یک برابر و دو برابر انحراف معیار، به معامله خرید وارد شوید.
- 5) حد زیان را در یک نقطه کف مناسب که کمتر از 10 پیپ فاصله نداشته باشد، قرار دهید.
- 6) هدف قیمت نیمه اول معامله را برابر مخاطره پذیرفته شده قرار دهید و با برخورد به این هدف، حد توقف نیمه دوم را به نقطه ورود منتقل نمائید.

7) با برخورد قیمت به باند دو برابر انحراف معیار بالائی از نیمه دوم معامله نیز خارج شوید.

قواعد ورود به معامله فروش:

- 1) صبر کنید تا RSI بیش از 70 شود.
- 2) قیمت را تعقیب کنید تا به باند بالینجر سه برابر یا بالاترین باند برخورد کند.
- 3) صبر کنید تا قیمت از دامنه بین باندهای سه برابر و دو برابر انحراف معیار به دامنه بین باندهای دو برابر و یک برابر وارد شود.
- 4) با بسته شدن یک کندل در دامنه بین باندهای یک برابر و دو برابر انحراف معیار، به معامله فروش وارد شوید.
- 5) حد زیان را در یک نقطه سقف مناسب که کمتر از 10 پیپ فاصله نداشته باشد، قرار دهید.
- 6) هدف قیمت نیمه اول معامله را برابر مخاطره پذیرفته شده قرار دهید و با برخورد به این هدف، حد توقف نیمه دوم را به نقطه ورود منتقل نمایید.
- 7) با برخورد قیمت به باند دو برابر انحراف معیار پائینی از نیمه دوم معامله نیز خارج شوید.

Setup 5 - Pure Fade, EUR/USD



Figure 5 - 1

اولین مثال مربوط به EUR/USD از تاریخ 22 فوریه 2006 است. این جفت ارز پس از آغاز بازار لندن شروع به کاهش کرده و در حدود ساعت 6 صبح اندیکاتور RSI به کمتر از 30 کاهش یافته است. باند های بالینجر را کنترل کردیم و دریافتیم که قیمت به باند سه برابر انحراف معیار برخورد نموده و در حال حرکت بین دو باند دو برابر و سه برابر انحراف معیار است. در اینجا به دقت در انتظار بسته شدن یک کندل بین دو برابر و سه برابر انحراف معیار ماندیم تا با مشاهده آن وارد معامله خرید شویم. شرایط ورود به معامله خرید در ساعت 9 صبح حاصل شد و ما در قیمت 1.1894 به معامله خرید وارد شدیم. حد زیان در نقطه کف 1.1862 قرار داده شد و هدف قیمتی نیمه اول معامله 22 پیپ بیش از قیمت ورود یعنی 1.1906 در نظر گرفته شد. چهار ساعت بعد یعنی در ساعت 1 بعد از ظهر این هدف قیمتی بدست آمد و حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود منتقل کردیم. برای بستن نیمه دوم معامله به انتظار ماندیم تا قیمت دومین باند

بالینجر را در طرف مقابل قطع نماید. این شرایط در قیمت 1.1939 حاصل شد و با بسته شدن نیمه دوم معامله، سود نهائی 38 پیپ در نتیجه این دو معامله بدست آمد.

Setup 5 - Pure Fade, NZD/USD



Figure 5 - 2

دومین مثال جفت ارز NZD/USD را در تاریخ 26 فوریه 2006 نشان می دهد. نظیر مثال قبلی، این جفت ارز تا قبل از باز شدن بازار نیوزلند و انتشار اخبار اقتصادی مربوطه در یک دامنه معامله می شده است. کاربرد استراتژی افول خالص با سقوط RSI به کمتر از 30 در ساعت 6 بعد از ظهر آغاز می گردد که در عین حال قیمت به سومین باند بالینجر برخورد نموده است. سپس در انتظار می مانیم تا قیمت بین باند های دوم و اول حرکت نموده و یک کندل بین این دو باند بسته شود. این شرایط در ساعت 9 بعد از ظهر پدید آمد. بنابراین ما با شروع کندل بعدی در قیمت 0.6583 وارد معامله خرید شدیم. حد زیان معامله را در یک کف مناسب یعنی 0.6568 با پذیرش مخاطره 15 پیپ قرار دادیم. این مخاطره بسیار اندک بود و باعث شد که هدف اول قیمت در قیمت کاملاً قابل دسترس 0.6598 قرار داده شود. این هدف قیمتی در ساعت 8 صبح روز بعد

بدست آمد و ما ضمن بستن نیمی از معامله ، حد توقف نیمه دیگر معامله را به نقطه ورود منتقل نمودیم. هدف دوم قیمتی باند دوم بالائی بود که در قیمت 0.6605 برخورد با آن صورت گرفت و نیمه دوم معامله نیز بسته شد. سود نهائی حاصل از این معامله 18.5 پیپ بوده است.

Setup 5 - Pure Fade, USD/JPY

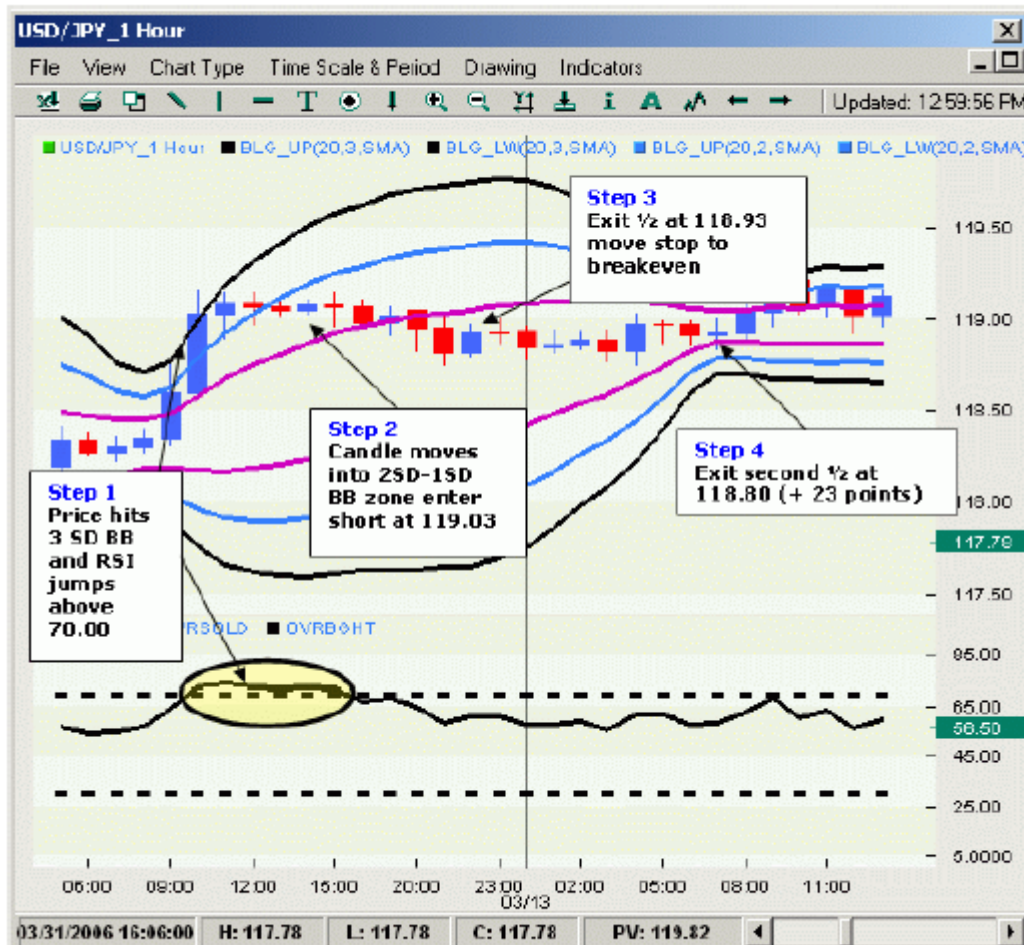


Figure 5 - 3

بعنوان مثالی از فروش نمودار USD/JPY را از تاریخ 10 مارس 2006 مشاهده می کنیم. در آستانه گشایش بازار های مالی آمریکا، مشاهده کردیم که این جفت ارز در یک دامنه بسیار محدود معامله می شود. مدت کوتاهی پس از ساعت 8:30 صبح قیمت صعود نمود و RSI به محدوده بیش از 70 وارد شد که نشانه ای از وضعیت خرید هیجانی است. در همان زمان قیمت با سومین باند بالینجر نیز برخورد می کند و اکنون ما در انتظار حرکت قیمت به محدوده بین باند دوم و اول هستیم. سه ساعت بعد یک کندل قیمت بین دو باند اول و دوم بسته شد و ما با شروع کندل بعدی وارد معامله فروش در قیمت 119.03 شدیم. حد زیان در یک سقف مناسب یعنی 119.13 قرار داده شد که تنها 10 پیپ مخاطره برای ما به همراه داشت و در نتیجه هدف

اول قیمتی در قیمت 118.07 تنظیم شد. این هدف قیمتی در ساعت 3 بعد از ظهر حاصل گردید و با بسته شدن نیمه اول معامله، حد توقف نیمه دوم به قیمت ورود منتقل گردید. برای بستن نیمه دوم معامله منتظر می مانیم تا قیمت به باند بالینجر دوم در سمت پائین برخورد نماید. این شرایط ساعت 4 صبح روز بعد در قیمت 118.80 حاصل شد و در نهایت سود 16.5 پیپ از این معامله حاصل گردید، قبل از اینکه قیمت بخواند مجدداً افزایش یابد. همانطور که مشاهده می کنید، استراتژی افول خالص سود های کوچکی پس از تخلیه انرژی روند بدست می آورد. توجه داشته باشید که در بسیاری از موارد روند پس از برخورد به دومین باند بالینجر در جهت مقابل، به حرکت خود در جهت اولیه ادامه می دهد.

Setup 5 - Pure Fade, GBP/USD



Figure 5 - 4

نمودار قیمت GBP/USD فوق مثال دیگری از استراتژی افول خالص را نشان می دهد. در 16 مارس 2006، مشاهده کردیم که قیمت در آستانه اعلام شاخص قیمت مصرف کننده آمریکا، یک دامنه محدود معامله می شود. در پی انتشار ضعیف تر از حد انتظار این شاخص در ساعت

8:30 صبح ، قیمت طی 7 ساعت بعدی صعود کرد و اندیکاتور RSI به محدوده بیش از 70 وارد گردید. در همین زمان قیمت نیز به سومین باند بالینجر بالائی برخورد نمود و پس از آن ما منتظر مشاهده شرایط معامله فروش شدیم. در ساعت 4 بعد از ظهر قیمت بین باند های دوم و اول بسته شد و سیگنال فروش صادر گردید. با آغاز کندل بعدی یعنی در قیمت 1.7569 معامله فروش انجام و حد زیان در قیمت 1.7594 قرار داده شد که مخاطره ای 25 پیپی به همراه داشت. هدف اول قیمتی نیز 25 پیپ پائین تر از نقطه ورود یعنی 1.7544 محاسبه گردید که در ساعت 10 بعد از ظهر بدست آمد. سپس ضمن انتقال حد توقف به نقطه ورود، به انتظار ماندیم تا نیمه دوم معامله با برخورد به باند دوم پائینی بسته شود. این شرایط روز بعد و در قیمت 1.7525 بدست آمد و 33.5 پیپ از کل معامله حاصل گردید. شاید بگوئید که " اوه بستن نیمه دوم در ساعت 3 صبح بوده است. زمانی که من خواب بوده ام!" کاملاً قابل درک است که شما نتوانید ساعت ها پشت مانیتور به انتظار حصول شرایط بستن معامله خود بمانید. بنابراین نیاز به یک هدف قیمتی ثابت خواهید داشت. دو برابر مقدار مخاطره پذیرفته شده مقدار مناسبی برای این منظور است که در این مثال برابر 1.7519 بوده است.

Setup 5 - Pure Fade, GBP/JPY



Figure 5 - 5

بدیهی است که هیچ استراتژی ای نمی تواند صد در صد موفق باشد. بنابراین آخرین مثال را به معامله ای اختصاص داده ایم که با سود ختم نشده است. نمودار فوق قیمت GBP/JPY را از تاریخ 14 فوریه 2006 نشان می دهد. در ساعت 7 بعد از ظهر یعنی در ساعت شروع به کار بازار آسیا، قیمت شکست محدوده فشرده ساعات قبل خود را آغاز نمود. قیمت به محدوده فروش هیجانی با RSI کمتر از 30 وارد شد و به سومین باند پائینی نیز برخورد کرد. پس از آن ما در انتظار مشاهده شرایط ورود به معامله خرید ماندیم. ما چهار ساعت صبر کردیم تا یک کندل بین باند های دوم و اول بسته شود تا با باز شدن کندل بعدی وارد معامله خرید شویم. قیمت ورود ما 204.56 بود. حد زیان را در یک کف مناسب یعنی 204.34 قرار دادیم که نشان دهنده پذیرش مخاطره 18 پپی بود. بر اساس قواعد هدف اول قیمتی را در فاصله ای برابر با مخاطره پذیرفته شده یعنی 204.70 قرار دادیم. ولی قیمت GBP/JPY نتوانست افزایش یابد و به روند کاهشی

خود ادامه داد و قیمت دو ساعت بعد به حد زیان برخورد نمود. ولی این زیان چندان زیاد نبود که بتواند یک حساب معاملاتی را با تهدید مواجه نماید.

6- استراتژی حافظه قیمت

هیچ چیز ناگوار تر از این نیست که حد زیان یک معامله دقیقاً در یک نقطه سقف یا کف قیمت بخورد و پس از آن قیمت برگردد و حتی در مسیر سود آن معامله حرکت کند. همه معامله گران ارز این احساس ناگوار را حداقل چند بار تجربه کرده اند. ما این استراتژی را برای استفاده از اینگونه حرکات گوه ای قیمت، طراحی کرده ایم. در این استراتژی برای استفاده از این حرکات برگشتی، بطور حساب شده ای به حجم معامله افزوده می شود.

استراتژی حافظه قیمت برای معامله گرانی مناسب است که از برخورد به حد زیان بیزارند و علاقه مند هستند که با افزودن پله ای به معامله خود به سودی هر چند اندک دست پیدا کنند. استفاده کننده از این استراتژی باید توجه داشته باشد که هر چند تعداد برخورد به حد زیان در این استراتژی بسیار کمتر است، ولی مقدار حد زیان ممکن است بسیار زیاد باشد. بنابراین احترام به حد زیان در این استراتژی بسیار مهم است. چرا که در صورت برخورد به یک حرکت قوی در جهت مخالف معامله، ممکن است زیان ها تا آنجا بزرگ شود که کل حساب را به مخاطره افکند.

این استراتژی بر این فرض استوار است که نقاط حمایت و مقاومت کف یا سقف دو گانه حتی پس از شکسته شدن نیز تاثیر خاصی بر حرکات قیمت اعمال می کنند. در واقع این تراز ها مثل مغناطیسی عمل می کنند که قیمت را پس از زدن حد زیان ها به سمت خود می کشد. این استراتژی بر این فرض استوار است که در تراز های تشکیل سقف یا کف دو گانه پتانسیل معاملاتی قوی ای وجود دارد که حتی پس از شکسته شدن نیز قیمت را به سوی خود می کشد. شکست یک سقف دو گانه به این معنی است که نه تنها خریداران باید آنقدر قوی باشند که بر مقاومت آن غلبه کنند، بلکه بتوانند مومنتوم اضافی برای حرکت صعودی بعدی نیز به بازار تزریق کنند. این اتفاق در زمانی روی می دهد که عمده انرژی قیمت برای غلبه بر سقف دو قلو صرف شده است، در حالی که در برخورد قیمت با سقف اول چنین حالتی وجود ندارد.

چگونگی در این استراتژی ریسک را تعیین می کنیم؟ ما از یک دیدگاه متقارن استفاده می نمائیم. دامنه برگشت از یک سقف دو گانه را تعیین می کنیم و آنرا به نقطه سقف می افزائیم تا محدوده مقاومت به دست آید. در شکل 1 این مفهوم دقیقاً توضیح داده شده است.

Setup 6 - The Memory of Price, EUR/USD



Figure 6 - 1

در شکل فوق مشاهده کنید که قیمت EUR/USD پس از برخورد به سقف قیمتی 1.2060 کاهش یافته و تا 1.1776 یعنی 284 پیپ پائین آمده است. در حرکت صعودی بعدی قیمت 1.2060 تا $1.2344 = 1.2060 + 0.0284$ منطقه مقاومت نام دارد و در این شکل مشاهده می شود که قیمت نتوانسته از این منطقه عبور نماید. این شرایط در نمودار روزانه و ساعتی مکرر دیده می شود. در نمودار روزانه این استراتژی شکست کم تعداد تری دارد ولی در عین حال به دلیل بزرگتر بودن حرکات قیمت، مقدار هر زیان بسیار بیشتر است. این موارد باید در مدیریت ریسک مورد توجه قرار گیرد.

قواعد ورود به معامله فروش :

- 1) یک روند صعودی که در آن هر حدافل بیش از حدافل قبلی باشد، بیابید.
- 2) در نمودار روزانه یا ساعتی بدنال یک حرکت بازگشتی باشید.

- (3) مطمئن شوید که این بازگشت حداقل 38.2٪ حرکت اصلی را شامل شود.
- (4) وقتی قیمت صعود کرد و به قیمت سقف قبلی رسید یک نیمه از معامله فروش را انجام دهید.
- (5) مقدار بازگشت را اندازه بگیرید.
- (6) حد زیان خود را در فاصله برابر مقدار بازگشت قرار دهید.
- (7) حد سود این نیمه معامله را 50٪ مقدار بازگشت اندازه گیری شده قرار دهید.
- (8) اگر قیمت در جهت زیان شما حرکت کرد، با طی شدن نیمی از حد زیان وارد نیمه دوم معامله فروش شوید.
- (9) حد زیان معامله دوم را در همان مقدار حد زیان معامله اول قرار دهید.
- (10) هر گاه معامله اول به نقطه سر به سر رسید، معامله دوم را با سود ببندید، حد زیان معامله اول را به نقطه سر به سر مجموع دو معامله منتقل کنید و به انتظار رسیدن به هدف قیمتی معامله اول بمانید.

قواعد ورود به معامله خرید :

- (1) یک روند نزولی که در آن هر حداکثر کمتر از حداکثر قبلی باشد، بیابید.
- (2) در نمودار روزانه یا ساعتی بدنبال یک حرکت بازگشتی باشید.
- (3) مطمئن شوید که این بازگشت حداقل 38.2٪ حرکت اصلی را شامل شود.
- (4) وقتی قیمت نزول کرد و به قیمت کف قبلی رسید یک نیمه از معامله خرید را انجام دهید.
- (5) مقدار بازگشت را اندازه بگیرید.
- (6) حد زیان خود را در فاصله برابر مقدار بازگشت قرار دهید.
- (7) حد سود این نیمه معامله را 50٪ مقدار بازگشت اندازه گیری شده قرار دهید.
- (8) اگر قیمت در جهت زیان شما حرکت کرد، با طی شدن نیمی از حد زیان وارد نیمه دوم معامله خرید شوید.
- (9) حد زیان معامله دوم را در همان مقدار حد زیان معامله اول قرار دهید.
- (10) هر گاه معامله اول به نقطه سر به سر رسید، معامله دوم را با سود ببندید، حد زیان معامله اول را به نقطه سر به سر مجموع دو معامله منتقل کنید و به انتظار رسیدن به هدف قیمتی معامله اول بمانید.

حال ببینیم که این استراتژی چگونه عمل می کند.

Setup 6 - The Memory of Price, GBP/USD



Figure 6 - 2

در مثال اول معامله خرید جفت ارز GBP/USD را در چارچوب زمانی روزانه از تاریخ 12 نوامبر 2005 بررسی می کنیم. توجه داشته باشید که قیمت قبل از این نمودار وضعیت صعودی داشته و سپس شروع به کاهش نموده است. بر اساس قواعد گفته شده ، با تشکیل کف دوگانه در قیمت 1.7386 وارد یک نیمه از معامله خرید شده ایم. بدلیل روزانه بودن نمودار حد زیان این معامله مقداری به بزرگی بیش از 500 پیپ بوده است (دقیقاً 521 پیپ). بزودی مشخص می شود که چرا چنین حد زیان بزرگی مورد نیاز است. در یک حساب فرضی 10000 دلاری هرگز نباید بیش از دو مینی لات 10000 دلاری به این روش معامله شود. حتی در این صورت نیز میزان ریسک از حد مجاز 2٪ در هر معامله که بیشتر بیان کردیم، بیشتر خواهد بود و در مجموع دو معامله به بیش از 7.5٪ می رسد. ولی احتمال بالای موفقیت در این استراتژی به ما اجازه می دهد که در مورد ریسک کمتر سخت گیری کنیم. به هر صورت در نمودار روزانه با چنین شرایطی هرگز

نباید از اهرم بیش از 2 برابر در معاملات استفاده نمود که در یک حساب 10000 دلاری برابر 20000 دلار یا 2 مینی لات است. با ورود ما به معامله خرید در قیمت 1.7386، این تراز حمایت شکسته شد و قیمت باز هم کاهش یافت. بنابراین ما بر اساس قواعد، معامله خرید دیگری در قیمت 1.7126 به معامله اولی افزودیم. یعنی در نیمه راه حد زیان در قیمت 1.6865. حال دو نیمه معامله ما کامل شده است و در انتظار ادامه حرکت قیمت می مانیم. پس از نوساناتی متعدد نهایتاً قیمت نتوانست به سمت حد زیان ما حرکت کند و در نتیجه ما معامله دوم را که در قیمت 1.7126 باز کرده بودیم در قیمت 1.7386 بستیم یعنی همان نقطه ای که معامله اول را باز کرده بودیم. از این نیمه معامله 260 پیپ سود حاصل گردید. در اینجا حد زیان نیمه اول معامله را به 1.7126 منتقل کردیم تا مطمئن شویم که مجموع دو معامله به زیان وارد نمی شود. به هر حال در 23 نوامبر 2005 نیمه اول معامله به حد سود خود در قیمت 1.7646 برخورد کرد و در مجموع 521 پیپ سود حاصل گردید. بنابراین حرکتی که در اکثر استراتژی های معاملاتی منجر به زیان می شود (بدلیل شکسته شدن حمایت)، در این استراتژی منجر به سودی قابل توجه گردید.

Setup 6 - The Memory of Price, GBP/USD



Figure 6 - 3

در مثال بعدی کاربرد این استراتژی در چارچوب زمانی کوتاه تر یک ساعته را مشاهده می کنیم. در این مثال جفت ارز GBP/USD یک حرکت 177 پیبی در جهت خلاف روند صعودی خود انجام داده است. یعنی از 1.7490 تا 1.7313. این حرکت تقریباً از 9 صبح 29 مارس 2006 شروع شده و تا ساعت 2 بعد از ظهر روز بعد ادامه یافته است. با رسیدن قیمت به 1.7313 ما یک معامله خرید با حد زیان 177 پیب انجام دادیم. قیمت از این حدود کاهش قابل توجهی نیافت و صعود کرد. بنابراین کار به نیمه دوم معامله نکشید. حد سود این معامله برابر 50٪ مخاطره پذیرفته شده تعیین گردید که ساعت 8 بعد از ظهر روز سوم آوریل 2006 در قیمت 1.7402 محقق شد. این معامله چهار روز بطول انجامید. بدون اینکه به مقدار قابل توجهی در زیان فرو رود و سود قابل اطمینانی از آن حاصل گردید. همچنان توجه کنید که مخاطره استفاده از این استراتژی در چارچوب های زمانی کوتاه تر، بسیار کمتر از چارچوب زمانی روزانه است. حد زیان در این مثال 177 پیب بوده در حالی که در مثال قبلی 521 پیب بوده است.

Setup 6 - The Memory of Price, EUR/USD



Figure 6 - 4

مثالی از معامله فروش را در نمودار یک ساعته EUR/USD بررسی می کنیم. در این مثال یک حرکت بازگشتی طی اوائل سال 2006 از 1.2181 تا 1.2004 انجام شده است. سپس قیمت مجدداً در تاریخ 23 ژانویه 2006 به تراز 1.2181 دست یافت و ما نیمی از معامله فروش خود را در این قیمت با حد زیان 1.2358، انجام دادیم. قیمت باز هم بالاتر رفت و نیمه دوم معامله فروش در قیمت 1.2278 انجام شد. پس از آن قیمت باز هم بالاتر رفت ولی نتوانست به حد زیان ما برخورد نماید و کاهش پیدا کرد. با برگشت قیمت به 1.2181 نیمه دوم معامله را بستیم و حد زیان نیمه دیگر را به نقطه سر به سر مجموع دو معامله منتقل نمودیم. قیمت باز هم کاهش یافت و ما توانستیم از نیمه اول معامله نیز در قیمت 1.2092 با سود مورد نظر خود خارج شویم.

Setup 6 - The Memory of Price, USD/JPY



Figure 6 - 5

مثالی دیگر از فروش جفت ارز USD/JPY در چارچوب زمانی ساعتی را مشاهده می کنیم. قیمت یک حرکت بازگشتی را از ساعت 8 صبح 29 مارس 2006 تا 8 صبح 30 مارس 2006 انجام داده است. دامنه این حرکت از 118.22 تا 117.08 یعنی 116 پیپ بوده است. با صعود مجدد قیمت و رسیدن به قیمت 118.22 در تاریخ 3 آوریل 2006 وارد معامله فروشی با حد زیان در قیمت 119.36 شدیم و با افزایش مجدد قیمت در نقطه 118.78 نیم دوم معامله فروش خود را با همان حد زیان انجام دادیم. صعود قیمت چندان ادامه نیافت و ما توانستیم نیمه دوم معامله فروش را ساعت 10 صبح روز بعد در قیمت 118.22 ببندیم و حدود 10 ساعت بعد در ساعت 8 نیمه اول معامله را نیز با سود مورد نظر پایان دادیم.

این مثال بار دیگر قدرت این استراتژی را در چارچوب های زمانی کوتاهتر نشان داد. توجه کنید که چگونه یک معامله گر چالاک می تواند با مخاطره نه چندان زیاد در چارچوب های زمانی کوتاه از

حرکات بازار سود ببرد. واضح است که این استراتژی در بازار های دامنه ای دارای بهترین کاربرد است. شرایطی که اغلب در بازار فارکس وجود دارد. حال به مثالی از شکست این استراتژی می پردازیم.

Setup 6 - The Memory of Price, USD/JPY



Figure 6 - 6

بزرگترین خطر برای این استراتژی، بازار یک طرفه ای است که بازگشتی در آن وجود نداشته باشد. به همین دلیل است که قرار دادن حد زیان بر اساس قواعد در این استراتژی بسیار مهم است. چرا که فقط یک روند قوی بدون بازگشت می تواند کل حساب معاملاتی را از میان ببرد. این مثال نشان می دهد که روند صعودی جفت ارز USD/JPY در ربع چهارم سال 2005، چنان مومنتوم قوی ای داشت که فروشندگان هیچگاه نمی توانستند زیان های خود را جبران نمایند. در 20 سپتامبر 2005 با تشکیل یک سقف دو قلو اقدام به انجام نیمه اول معامله در قیمت 111.78 نمودیم. هفت روز بعد در 27 سپتامبر 2005 نیمه دوم معامله فروش در قیمت 113.33 انجام

شد. متاسفانه قیمت در روند صعودی خود هیچ توقفی نداشت و حد زیان هر دو نیمه معامله در تاریخ 14 اکتبر 2005 و قیمت 114.88 خورد و مجموعاً 465 پیپ زیان به بار آورد.

روایتی دیگر از استراتژی حافظه قیمت

یکی از انتقاداتی که منتقدات این استراتژی مطرح می کنند نسبت مخاطره به سود پائین آن است. محاسبه می شود که در بهترین حالت این استراتژی یک واحد سود در برابر 1.5 واحد مخاطره ایجاد می نماید. بعنوان نمونه در همین مثال قبلی با خوردن حد زیان 465 پیپ زیان پدید آمد در حالی که اگر هر دو نیمه معامله با سود بسته می شدند، تنها 310 پیپ سود حاصل می شد. استراتژی حافظه قیمت سود آور است چون احتمال موفقیت در آن بسیار بالاتر از شکست است. این استراتژی در 70٪ مواقع موفق عمل کرده است.

ولی معامله گرانی که از این نسبت مخاطره به سود ناراضی اند می تواند از روایت دیگری از این استراتژی استفاده نمایند. این روایت موقعیت های معاملاتی کمتری پدید می آورد و ممکن است صحت کمتری داشته باشد. ولی نسبت مخاطره به سود آن مناسبتر است و ورود به معامله فقط در یک مرحله انجام می شود.

قواعد این روایت از حافظه قیمت به شرح زیر هستند:

قواعد ورود به معامله خرید

- 1) در نمودار روزانه یا ساعتی یک بازگشت قیمت در حرکت نزولی بیابید.
- 2) دامنه این بازگشت را بیابید. این دامنه نباید کمتر از 38.2٪ از حرکت اصلی باشد.
- 3) این دامنه را از نقطه کف کم کنید و از آن به عنوان حد زیان استفاده نمایید.
- 4) وقتی قیمت مجدداً نزول کرد و تا حد یک سوم این دامنه از نقطه کف گذشت وارد هر دو نیمه معامله خرید شوید. (علاقه مندان فیبوناچی می توانند از نسبت 38.2٪ استفاده کنند)
- 5) برای نیمه اول 50٪ دامنه را به عنوان حد سود تعیین کنید .
- 6) با بسته شدن معامله اول با سود، حد توقف معامله دوم را به نقطه ورود منتقل نمایید.
- 7) حد سود نیمه دوم معامله را برابر 100٪ دامنه تنظیم نمایید.

قواعد ورود به معامله فروش

- 1) در نمودار روزانه یا ساعتی یک بازگشت قیمت در حرکت صعودی بیابید.
 - 2) دامنه این بازگشت را بیابید. این دامنه نباید کمتر از 38.2٪ از حرکت اصلی باشد.
 - 3) این دامنه را از نقطه سقف کم کنید و از آن به عنوان حد زیان استفاده نمائید.
 - 4) وقتی قیمت مجدداً صعود کرد و تا حد یک سوم این دامنه از نقطه سقف گذشت وارد هر دو نیمه معامله فروش شوید. (علاقه مندان فیبوناچی می توانند از نسبت 38.2٪ استفاده کنند)
 - 5) برای نیمه اول 50٪ دامنه را به عنوان حد سود تعیین کنید .
 - 6) با بسته شدن معامله اول با سود، حد توقف معامله دوم را به نقطه ورود منتقل نمائید.
 - 7) حد سود نیمه دوم معامله را برابر 100٪ دامنه تنظیم نمائید.
- مزیت این روایت از استراتژی نسبت مخاطره به سود 1:1.15 آن است. برای سهولت محاسبات می توانید از مثالی با حد زیان 100 پیپ استفاده نمائید. ورود در قیمت 33 پیپ بالاتر از یک نقطه سقف انجام می شود با حد زیان 67 پیپ . حد سود نیمه اول معامله 50 پیپ و حد سود نیمه دوم 100 پیپ است. یعنی سود هر دو نیمه معامله 150 پیپ و مخاطره پذیرفته شده 134 پیپ است که نسبت مخاطره به سود 1:1.15 را به دست می دهد. یعنی اگر این استراتژی در 50٪ موارد موفق باشد، سود آور خواهد بود.
- مثالی از این روایت را در ادامه پی می گیریم:

Setup 6 - The Memory of Price, EUR/USD

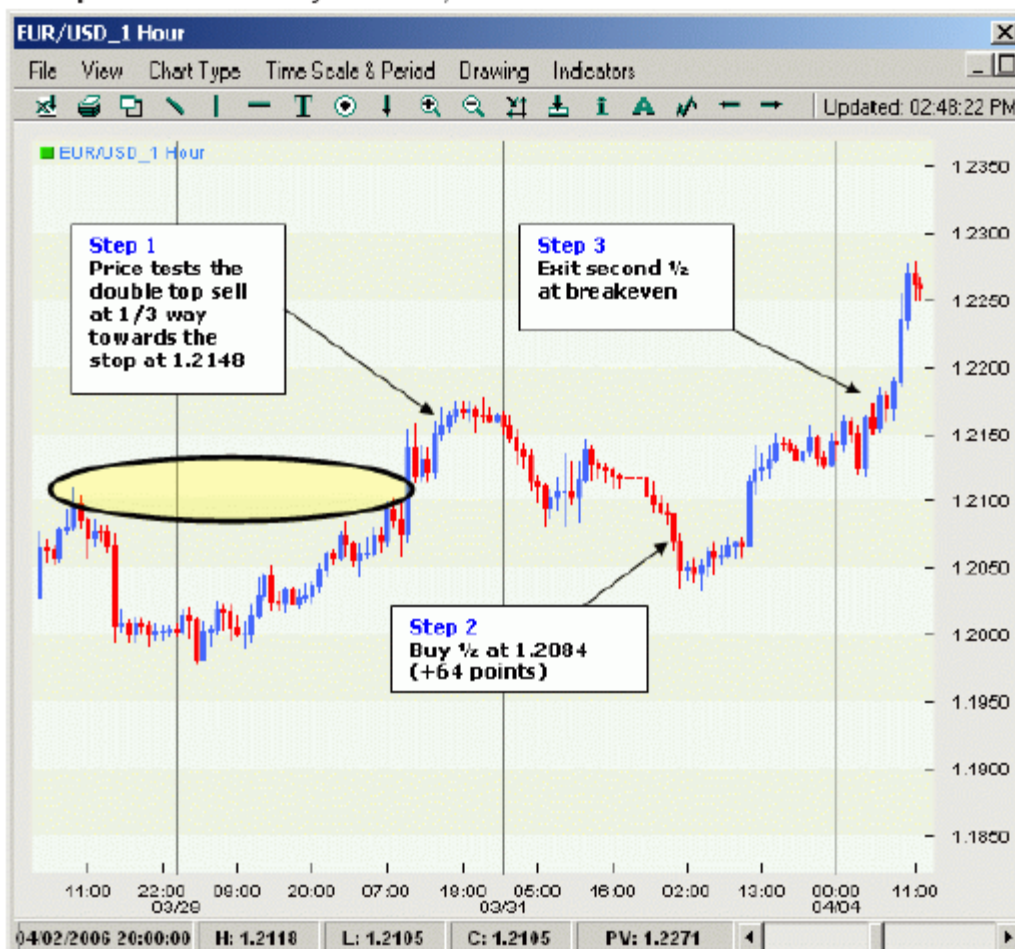


Figure 6 - 7

در 29 مارس 2006 یک حرکت بازگشتی در قیمت جفت ارز EUR/USD از قیمت 1.2105 تا 1.1979 را شاهد بودیم. یعنی 126 پیپ. با صعود مجدد بر اساس قواعد، ما در قیمت 1.2148 در 10 صبح 30 مارس 2006 اقدام به فروش نمودیم. قیمت کمی در جهت زیان ما حرکت کرد ولی نهایتاً کاهش یافت و در ساعت 1 صبح 3 آوریل 2006 اولین هدف قیمتی ما در 1.2086 حاصل گردید. در اینجا با بسته شدن نیمه اول معامله، حد توقف نیمه دوم معامله را به قیمت ورود منتقل کردیم. نیمه دوم معامله با برخورد به حد توقف در نقطه ورود بسته شد. این وضعیت کاملاً منطبق با استراتژی ما است که هرگز اجازه نمی دهیم یک معامله سود آور به معامله ای زیان ده تبدیل شود.

Setup 6 - The Memory of Price, GBP/USD



Figure 6 - 8

آخرین مثال معامله خرید بر اساس این روایت را نشان می دهد. در 3 مارس 2006 یک حرکت بازگشتی قوی در GBP/USD از 1.7314 تا 1.7482 را شاهد بودیم. بنابراین با کاهش مجدد و در یک سوم مسیر به سمت حد زیان تعیین شده، در قیمت 1.7258 اقدام به خرید نمودیم. حد زیان در قیمت 1.7145 یعنی 165 پیپ پائین تر از کف دو گانه قرار داده شد. قیمت قدری پائین تر رفت ولی مجددا صعود خود را آغاز نمود. نیمه اول معامله در قیمت 1.7342 در تاریخ 3 آوریل 2006 به حد سود خود خود برخورد کرد و بسته شد. نیمه دوم معامله نیز بعدا در 1.7426 به حد سود برخورد کرد و 252 پیپ سود بدست آمد.

7- استراتژی افول پس از هفت روز

به عنوان یک نیویورکی، عادت داریم که نسبت به همه چیز کنجکاو و پرسشگر باشیم. اگر ناشناسی که در مسیر مترو پشت سر ما حرکت می کند سلام بگوید، مبهوت می شویم و اگر توریست باشد متعجب خواهیم شد. اگر چه خوشامد گوئی به غریبه ها در شهرک های کوچک متداول تر است. شخصیت شکاک در بسیاری از معامله گران وجود دارد، بدون توجه به اینکه در کجا زندگی کنند. همانطور که در استراتژی افول خالص گفته شد، تلاش برای گرفتن سقف و کف قیمت در بین معامله گران منفرد بسیار متداول است. همانطور که گفتیم این تلاش بدون تایید تکنیکی یکی از بدترین روش های معامله است. با این حال برای پاسخگوئی به طبیعت ناسازگار آدمی، در اینجا یک استراتژی برای گرفتن کف و سقف قیمت بدون تایید تکنیکی و اندیکاتور ها را معرفی می کنیم. میدانیم که اندیکاتور ها توابعی ریاضی از قیمت هستند که با دیدگاه ها و فرمول های مختلفی محاسبه می شوند. پس چرا به خود قیمت توجه نکنیم؟ استراتژی افول پس از هفت روز بر این اصل استوار است که قیمت پس از طی یک روند قوی طی هفت روز، به بازگشت تمایل دارد. چرا پس از هفت روز؟ این عدد از مشاهدات ما در حرکات روزانه قیمت منتج شده است. اغلب مواقع روند های قوی در اوائل هفته شکل می گیرند و اگر به اندازه کافی قوی باشند می توانند هفت روز بدون حرکت بازگشتی ادامه یابند.

به هر حال، پس از یک حرکت قوی هفت روزه (که تقریباً یک هفته و نیم را در بر می گیرد) قیمت نیاز به استراحت پیدا می کند. بطور کلی افراد مایل اند که در گروه های هفت نفره به تفکر بپردازند. بر اساس مستندات روانشناسان معتقدند انسان تمایل دارد چیز ها یا مفاهیم را در گروه های هفت تائی یا کمتر نگهداری یا حفظ کند. به همین دلیل است که شماره های تلفن در آمریکا فقط هفت رقمی است. البته بدون در نظر گرفتن کد. اگر چه ممکن است روند های قوی پس از پنج یا شش روز بازگشت کنند، ولی بازگشت قیمت پس از هفت روز حرکت بی وقفه دارای صحت بیشتری می باشد. گاه و بی گاه روند های هشت روزه هم دیده می شود ولی بسیار نادر است. در اینجاست که احتیاط اثر بخش خواهد بود. اگر قیمت پس از پنج یا شش روز به یک تراز تکنیکی مهم برخورد کند، ایست قیمت بسیار محتمل خواهد بود. از آنجا که رویه ما ورود به معاملاتی با احتمال موفقیت بالا می باشد، ترجیح می دهیم که از دوره های هفت روزه استفاده کنیم. هر چند چنین موقعیت هائی کم پیش می آید، ولی نتایج آن بسیار قابل توجه است. ما سعی کردیم از این روش در نمودار یک ساعته هم استفاده کنیم ولی نتیجه مناسبی به دست نیامد و در بسیاری از

موارد روند برای ساعت هشتم هم به طول انجامید. ولی در نمودار روزانه یک روند بدون بازگشت که هشت روز به طول انجامیده باشد، به ندرت دیده می شود. یک شرط بسیار مهم در این استراتژی این است که هر هفت کندل روزانه صعودی باشند یا بالعکس. حتی اگر یکی از کندل ها خنثی باشد باید شمارش را از ابتدا شروع کرد.

از آنجا که این استراتژی فقط بر قیمت استوار است ، قواعد بسیار ساده ای دارد. اگر کندل هفتم بر یک تراز تکنیکی مهم نیز منطبق شود اعتبار این روش افزایش می یابد.
در نمودار روزانه :

قواعد ورود به معامله خرید:

- 1) به دنبال هفت کندل نزولی پشت سر هم در قیمت باشید (در هر کندل قیمت بسته شدن باید کمتر از قیمت باز شدن باشد).
- 2) با شروع کندل بعدی خرید کنید.
- 3) حد زیان را 10 پیپ کمتر از آخرین کندل نزولی قرار دهید.
- 4) اولین هدف قیمتی را برابر با مخاطره پذیرفته شده قرار دهید و نیمی از معامله را با برخورد به این هدف ببندید. سپس حد توقف نیمه دوم را به نقطه سر به سر منتقل نمائید.
- 5) حد سود معامله دوم را سه برابر مخاطره پذیرفته شده قرار دهید.

قواعد ورود به معامله فروش:

- 1) به دنبال هفت کندل صعودی پشت سر هم در قیمت باشید (در هر کندل قیمت بسته شدن باید بیش از قیمت باز شدن باشد).
- 2) با شروع کندل بعدی وارد معامله فروش شوید.
- 3) حد زیان را 10 پیپ بیشتر از آخرین کندل صعودی قرار دهید.
- 4) اولین هدف قیمتی را برابر با مخاطره پذیرفته شده قرار دهید و نیمی از معامله را با برخورد به این هدف ببندید. سپس حد توقف نیمه دوم را به نقطه سر به سر منتقل نمائید.
- 5) حد سود معامله دوم را سه برابر مخاطره پذیرفته شده قرار دهید.

به چند مثال توجه فرمائید:

Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, NZD/USD

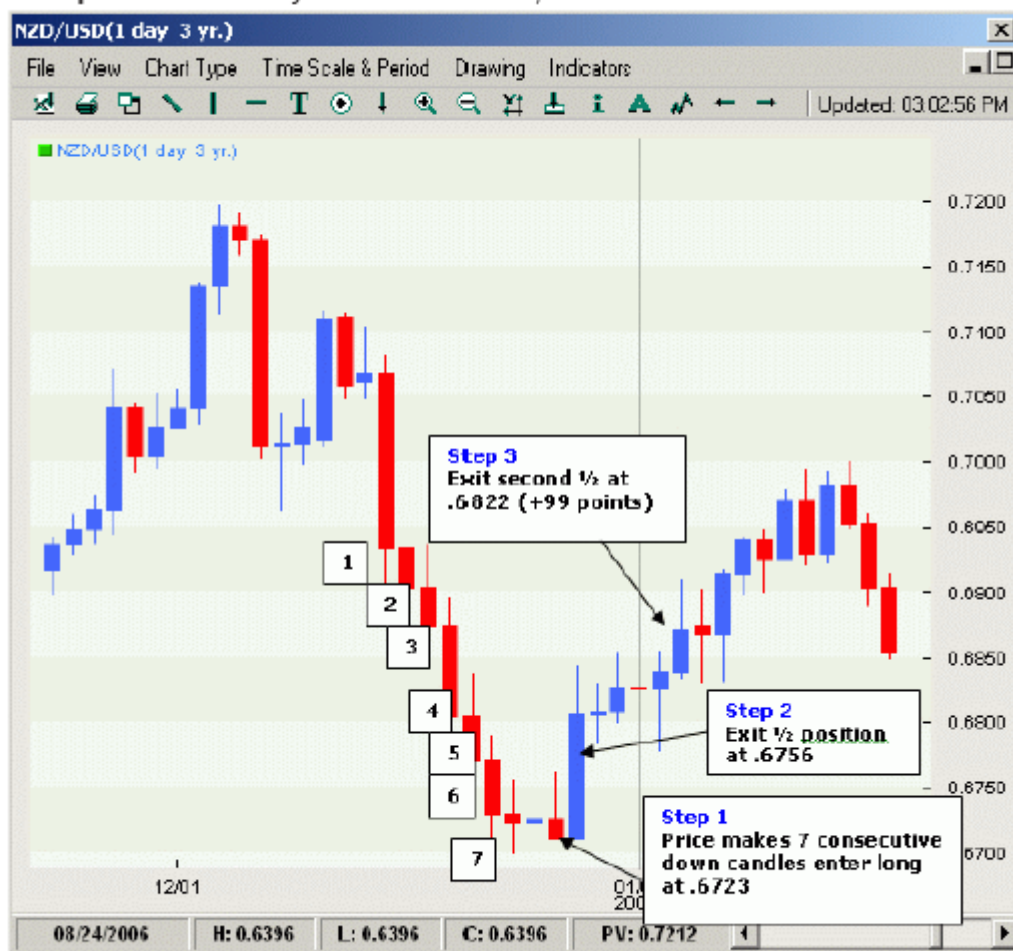


Figure 7 - 1

اولین مثال را در نمودار قیمت جفت ارز NZD/USD مشاهده نمائید. این جفت ارز روز 15 دسامبر 2005 حرکت نزولی خود را آغاز نمود که دقیقاً هفت روز به طول انجامید. ما با باز شدن کندل روز هشتم وارد معامله خرید در قیمت 0.6723 شدیم. حد زیان این معامله در قیمت 0.6690 قرار داده شد که 10 پیپ پائین تر از حداقل قیمت کندل روز هفتم نزول بوده است. این حد زیان به معنی پذیرش 33 پیپ مخاطره در این معامله است. هدف اول خود را 33 بیش از قیمت ورود یعنی 0.6756 قرار دادیم. در دومین روز بازگشت قیمت شروع شد و هدف اول ما محقق گردید و نیمه اول معامله با 33 پیپ سود بسته شد. حد زیان نیمه دوم معامله به نقطه سر به سر منتقل شد و هدف دوم قیمت سه برابر مخاطره 33 پیپی یعنی در 0.6822 در نظر گرفته شد. این هدف قیمتی نیز در روز پنجم حاصل گردید و مجموعاً از این معامله 66 پیپ سود حاصل گردید. یعنی نسبت مخاطره به سود 2:1.

Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, EUR/USD



Figure 7 - 2

دومین مثال کاربرد این استراتژی را در جفت ارز EUR/USD در چارچوب زمانی کوتاه تر نشان می دهد. روند نزولی در ساعت هفت بعد از ظهر روز دوم آوریل 2006 آغاز شد یعنی همزمان با آغاز معاملات آسیا. این روند نزولی طی هفت ساعت متوالی، یعنی تقریباً تمام زمان معاملاتی آسیا، به طول انجامید. با بسته شدن هفتمین کندل متوالی نزولی و باز شدن کندل هشتم، ما در قیمت 1.2047 وارد معامله خرید شدیم و حد زیان معامله در قیمت 1.2022 یعنی 10 پیپ کمتر از حداقل کندل قبلی قرار داده شد. اولین هدف قیمتی 25 پیپ بیش از نقطه ورود در قیمت 1.2072 و دومین هدف قیمتی 75 پیپ بالاتر از نقطه ورود یعنی 1.2122 قرار داده شد. هر دو هدف طی چند ساعت بعدی در زمان معاملات اروپا و آمریکا حاصل شد و 50 پیپ سود روی کل این معامله نصیب ما کرد.

یافتن مثالهایی از ورود به معامله فروش آسانتر از معامله خرید است بخصوص در چارچوب های زمانی کوتاه تر. اکثر روند های نزولی به جای هفت روز پنج یا شش روز به طول می انجامند. این

امر شاید به این دلیل باشد که اکثر معامله گران از بورس سهام به این بازار آمده اند و بر اساس روال قدیمی بازار سهام، فقط پس از خرید به فروش می پردازند و به معاملات دو طرفه فارکس عادت ندارند.

Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, USD/CHF



Figure 7 - 3

اولین مثال معامله فروش را در نمودار روزانه جفت ارز USD/CHF مشاهده می نمائید. می بینیم که از روز 28 ژانویه 2005 این جفت ارز یک روند صعودی را آغاز نموده است. این روند هفت روز مستمراً به طول انجامید و ما در قیمت باز شدن روز هشتم یعنی 1.2243 وارد معامله فروش شدیم. حد زیان این معامله 10 پیپ بیش از حداکثر کندل هفتم یعنی 1.2272 قرار داده شد. یعنی به فاصله 29 پیپ. بنابراین اولین هدف قیمت با 29 پیپ سود در قیمت 1.2214 قرار داده شد. این هدف در همان روز تحقق یافت و با بسته شدن نیمه اول معامله، حد زیان نیمه دوم معامله را به نقطه سر به سر و حد سود آن را به 1.2156 منتقل نمودیم. این حد سود سه برابر

مخاطره 29 پیپی پذیرفته شده، یعنی 87 پیپ است. هدف دوم نیز روز بعد حاصل شد و در مجموع 58 پیپ سود بدست آمد.

Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, GBP/USD

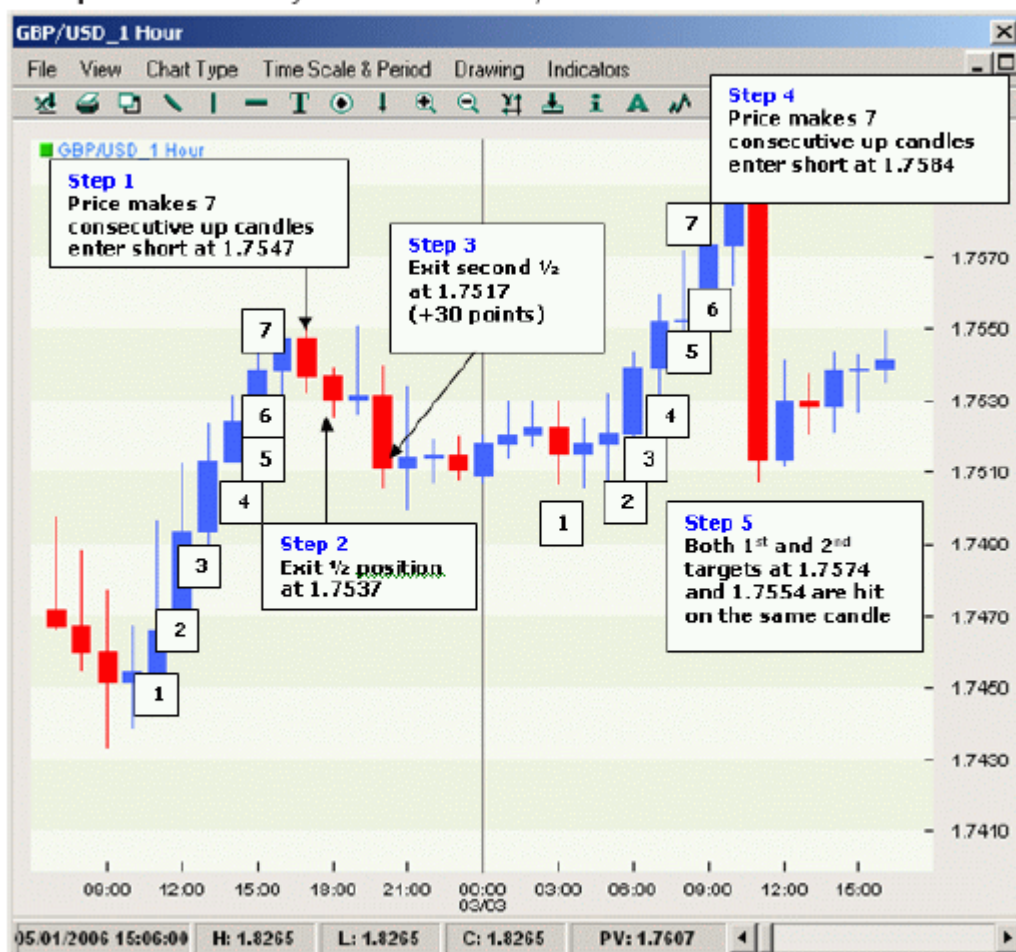


Figure 7 - 4

مثال بعدی استراتژی افول پس از هفت روز، یک مثال دوگانه است. این نمودار قیمت ساعتی GBP/USD را از 2 مارس تا 3 مارس 2006 نشان می دهد. اولین قسمت این مثال در سمت چپ نمودار دیده می شود. با باز شدن بازار آمریکا این جفت ارز شروع به صعود نموده و به مدت هفت ساعت یعنی تا پایان ساعات معاملاتی آمریکا به طول انجامیده است. در ساعت 5 بعد از ظهر یعنی در شروع کندل هفتم در قیمت 1.7547 وارد معامله فروش شدیم. حد زیان این معامله 10 پیپ بیش از حداکثر کندل قبلی یعنی در قیمت 1.7557 قرار داده شد. این مخاطره مقدار نسبتاً اندکی است. بنابراین اولین هدف قیمتی نیز در قیمت نزدیک 1.7537 و دومین هدف قیمتی در 1.7517 قرار گرفت. هدف اول در همان ساعت و هدف دوم سه ساعت بعد بدست آمد و از کل معامله 20 پیپ سود حاصل شد.

دومین مثال در سمت راست نمودار مشاهده می شود. قیمت پس از اعلام خبر بهتر از حد انتظار PMI خدمات بریتانیا، شروع به صعود نموده است. این روند تا 10 صبح یعنی به مدت 7 ساعت متوالی ادامه یافت. ساعت 10 صبح بازار آمریکا در انتظار اخبار شاخص اطمینان مصرف کنندگان دانشگاه میشیگان و ISM غیر تولیدی بود. ما بدون توجه به این اخبار و بر اساس این استراتژی اقدام به فروش در 1.7584 نمودیم با حد زیان ده پیپی در قیمت 1.7594. خوشبختانه اخبار نیز در جهت تقویت دلار اعلام شد و اولین هدف قیمتی ما یعنی 1.7574 به سرعت حاصل شد و هدف دوم نیز در قیمت 1.7454 در همان ساعت بدست آمد. در هر دو این مثال ها به دلیل نزدیک بودن هدف قیمتی نتوانستیم از تمام حرکت بازگشتی استفاده کنیم و این حرکت در همان ساعت ادامه داشته است ولی در ساعات بعدی معکوس شده است.

Setup 7 - Seven-Day Extension Fade, USD/CHF



Figure 7 - 5

در نمودار بعدی نمونه ای از شکست این استراتژی در نمودار یک ساعته را مشاهده می‌نمائیم. همانطور که گفتیم اکثر معامله‌گران اینقدر حوصله ندارند که به انتظار شرایط معامله بر اساس استراتژی افول پس از هفت روز در نمودار روزانه بنشینند و در نمودار ساعتی هم از این استراتژی استفاده می‌نمایند. مثال فوق کاربرد این استراتژی در نمودار ساعتی جفت ارز USD/CHF را نشان می‌دهد. در تاریخ 2 مارس 2006 مشاهده کردیم که با باز شدن بازار آمریکا USD/CHF به سرعت شروع به کاهش نموده است. این نزول هفت ساعت به طول انجامید و با شروع کندل هشتم در قیمت 1.2991 با حد زیان ده پیپ کمتر از حداقل کندل قبلی یعنی 1.2974 وارد معامله خرید شدیم. متأسفانه نزول باز هم ادامه یافت و ما با 17 پیپ زیان از این معامله خارج شدیم. هر چند که این زیان قابل مدیریت بوده است، نشان می‌دهد که چگونه ممکن است روند قیمت برای کندل هشتم نیز ادامه داشته باشد. بنابراین برخی از معامله‌گران محتاط شروع کندل نهم را برای ورود به معامله در نمودار ساعتی انتخاب می‌کنند.

مثال بعدی مربوط به نمودار یک ساعته جفت ارز AUD/USD است. پس از شمارش هفت کندل، مترصد ورود به معامله خرید در ابتدا کندل هشتم بودیم ولی با آغاز این کندل مشاهده کردیم که قیمت باز هم در حال پائین رفتن است و می‌خواهد یک کندل دیگر نیز به کاهش خود ادامه دهد. بنابراین به بازار وارد نشدیم. اگر در این حالت قیمت بتواند پنج پیپ از حداقل کندل قبلی فاصله داشته باشد، علامتی از قدرت قیمت برای بازگشت خواهد بود.

موضوع جالب در این استراتژی این است که در بسیاری از موارد سود هائی بیش از سه برابر مخاطره پذیرفته شده نیز قابل دسترس است. بنابراین می‌توان در مورد حد توقف کششی نیز بحث نمود. برای بهره برداری بیشتر از بازگشت قیمت می‌توان حد توقف کششی را در حداکثر دو کندل قبلی قرار داد و حد سود را برداشت تا از بخش بیشتری از حرکت صعودی استفاده شود. همچنین اگر از این استراتژی در چارچوب زمانی روزانه استفاده کردید، می‌توانید از نمودار ساعتی برای تعیین حد توقف کششی استفاده نمائید. این استراتژی بر این اساس استوار است که «هر فرازی، فرودی هم دارد». ما در انتظار تخلیه انرژی قیمت ناشی از کسب سود معامله‌گران می‌مانیم که گاهی در پایان کندل پنجم و بیش از آن در پایان کندل هفتم اتفاق می‌افتد. ولی به ندرت بیش از هشت کندل به طول می‌انجامد. در واقع سوال این نیست که آیا این حالت اتفاق می‌افتد یا خیر بلکه این است که چه موقع اتفاق خواهد افتاد.

8- استراتژی بازگشت به روند

اکثر معامله گران لحظات سختی را در روند ها سپری می کنند. جلب است که بدانیم اکثر معامله گران دیدگاه اصلی معامله گری خود را تعقیب روند اعلام می کنند. ولی با بررسی معاملات تعداد زیادی از معامله گران خرده پا مشاهده می کنیم که عکس این موضوع صحت دارد. با وجود اینکه جمله معروف «روند دوست شماست» بر زبان اکثر معامله گران جاری است، اکثر معامله گران به دنبال یافتن نقاط کف و سقف قیمت و معامله به امید بازگشت هستند تا اینکه واقعاً به دنبال تعقیب روند باشند.

این استراتژی پاسخگوی خواسته اکثر معامله گران برای یافتن نقاط تغییر جهت روند است. یعنی خرید در کف و فروش در سقف. ولی در این استراتژی از چارچوب کاری معامله بر اساس روند بهره گیری می شود. این استراتژی از چارچوب های زمانی چند گانه، میانگین متحرک و باند های بالینجر برای تعیین نقطه ورود بهره می گیرد. ابتدا برای تشخیص روند دار بودن جفت ارز مورد نظر، به نمودار روزانه نگاه می کنیم. برای تشخیص روند در نمودار روزانه از یک میانگین متحرک ساده 20 روزه استفاده می کنیم. یک ماه شامل بیست روز معاملاتی است و به همین دلیل میانگین متحرک بیست روزه معیار مناسبی برای تشخیص روند است. اگر قیمت بالای میانگین متحرک حرکت کند، دارای روند مثبت و اگر پائین میانگین متحرک حرکت نماید، دارای روند منفی می باشد.

سپس برای تعیین نقاط ورود و خروج به چارچوب زمانی یک ساعته می رویم. در استراتژی بازگشت به روند ما فقط در جهت روند اصلی معامله می کنیم. اگر در روند مثبت، قیمت در حالت فروش هیجانی قرار داشته باشد خرید می کنیم. و اگر در روند نزولی قیمت در حالت خرید هیجانی قرار گیرد، اقدام به فروش می نمائیم. چگونه شرایط خرید یا فروش هیجانی را تشخیص دهیم؟ پاسخ استفاده از باند های بالینجر است. این باند ها ما را قادر می سازند تا حرکت قیمت را اندازه گیری کنیم. باند های بالینجر قیمت های افراطی را با استفاده از انحراف معیار قیمت نسبت به میانگین متحرک 20 روزه اندازه گیری می نماید. در نمودار ساعتی ما با قرار دادن باندهای بالینجر دو برابر انحراف معیار و باند های سه برابر انحراف معیار روی نمودار یک کانال خواهیم داشت. در اکثر مواقع قیمت بین دو باند یک برابر و دو برابر انحراف معیار حرکت می کند.

چرا از تنظیم دو برابر و سه برابر باند های بالینجر استفاده می کنیم (در حالی که قیمت معمولاً بین باند های یک برابر و دو برابر حرکت می کند)؟ چون مقادیر پیش گزیده باند های بالینجر برای کاربرد در چارچوب زمانی روزانه طراحی شده است. در چارچوب زمانی یک ساعته حرکات قیمت بیشتر است و ما ناچار هستیم برای تشخیص مناسبتر نقاط افراطی از باند های عریض تری استفاده نمائیم تا سیگنال های صحیح تری بگیریم. در واقع با کاهش چارچوب زمانی مورد بررسی، باید به ضریب باند های بالینجر افزود. برای مثال معامله گر باید در چارچوب زمانی پنج دقیقه ای، از 3.5 تا 4 برابر انحراف معیار برای تنظیمات باند های بالینجر استفاده نماید تا بتواند نقاط خرید یا فروش هیجانی را به خوبی تشخیص دهد.

به استراتژی خود بر می گردیم. پس از تشخیص جهت روند در چارچوب زمانی روزانه، برای مشاهده حرکات قیمت به چارچوب زمانی یک ساعته باز می گردیم. اگر روند قیمت در نمودار روزانه صعودی باشد، ما در نمودار یک ساعته به دنبال تغییر جهت قیمت از نزولی به صعودی خواهیم بود. تا وقتی که قیمت بین دو باند دو برابر و سه برابر انحراف معیار حرکت می کند ما کنار خواهیم نشست، چون هنوز مومنتوم قوی در جهت نزول وجود دارد. زیبایی این استراتژی در این است که ما را از حدث زدن تغییر جهت قیمت برحذر می دارد و ترغیب می کند که به دنبال یک تایید تکنیکی برای تشکیل نقطه سقف یا کف باشیم. هر گاه یک کندل قیمت بالاتر از باند دو برابر انحراف معیار بسته شود، ما وارد بازار می شویم و حد زیان خود را 5 پیپ پائین تر از یک نقطه کف نزدیک قرار می دهیم. برای نیمه اول معامله حد سود خود را برابر با نیمی از مخاطره پذیرفته شده قرار می دهیم و با بسته شدن آن با سود، حد زیان نیمه دوم معامله را به نقطه سر به سر منتقل می کنیم. سپس منتظر حرکت قیمت به سمت باند های مقابل می مانیم و با بسته شدن یک کندل خارج از محدوده بین باند های دو برابر و سه برابر، نیمه دوم معامله را نیز می بندیم. این شرایط نشان دهنده تمام شدن حرکت صعودی است.

قواعد معامله خرید:

- 1) در نمودار روزانه یک میانگین متحرک بیست روزه قرار می دهیم و مطمئن می شویم که بسته شدن قیمت روز بالاتر از این نمودار انجام شده باشد.
- 2) در این شرایط فقط به دنبال سیگنال های خرید هستیم.
- 3) به نمودار یک ساعته می رویم و دو باند بالینجر با انحراف معیار های دو برابر و سه برابر روی نمودار قیمت قرار می دهیم.

4) هر گاه قیمت از سمت پائین به بیشتر از محدوده بین باندهای بالینجر دو برابر و سه برابر انحراف معیار حرکت کرد و در همین محدوده بسته شد، وارد معامله خرید می شویم.

5) حد زیان را 5 پیپ پائین تر از یک نقطه کف نزدیک قرار می دهیم و میزان مخاطره خود را محاسبه می کنیم. (استفاده از 10 پیپ پائین تر از نقطه کف نیز مورد قبول است)

6) برای نیمه اول معامله حد سود را برابر 50٪ مخاطره پذیرفته شده قرار می دهیم.

7) با حصول هدف نیمه اول معامله، حد زیان نیمه دوم را به نقطه سر به سر منتقل می نمائیم.

8) نیمه دوم معامله را با کاهش قیمت از محدوده بین باند های دو برابر و سه برابر انحراف معیار و بسته شدن قیمت در محدوده کمتر از باند دو برابر، می بندیم.

قواعد معامله فروش:

1) در نمودار روزانه یک میانگین متحرک بیست روزه قرار می دهیم و مطمئن می شویم که بسته شدن قیمت روز پایین تر از این نمودار انجام شده باشد.

2) در این شرایط فقط به دنبال سیگنال های فروش هستیم.

3) به نمودار یک ساعته می رویم و دو باند بالینجر با انحراف معیار های دو برابر و سه برابر روی نمودار قیمت قرار می دهیم.

4) هر گاه قیمت از سمت بالا به کمتر از محدوده بین باندهای بالینجر دو برابر و سه برابر انحراف معیار حرکت کرد و در همین محدوده بسته شد، وارد معامله فروش می شویم.

5) حد زیان را 5 پیپ بالاتر از یک نقطه سقف نزدیک قرار می دهیم و میزان مخاطره خود را محاسبه می کنیم. (استفاده از 10 پیپ بالا تر از نقطه سقف نیز مورد قبول است)

6) برای نیمه اول معامله حد سود را برابر 50٪ مخاطره پذیرفته شده قرار می دهیم.

7) با حصول هدف نیمه اول معامله، حد زیان نیمه دوم را به نقطه سر به سر منتقل می نمائیم.

8) نیمه دوم معامله را با افزایش قیمت از محدوده بین باند های دو برابر و سه برابر انحراف معیار و بسته شدن قیمت در محدوده کمتر از باند دو برابر، می بندیم.

به چند مثال توجه فرمائید:

حال به مثال هائی از این استراتژی می پردازیم:

Setup 8 - Turn to Trend, EUR/CHF



Figure 8 - 1

به نمودار روزانه جفت ارز EUR/CHF نگاه کنید. مشاهده می شود که قیمت از نیمه مارس 2006 به بعد بالای میانگین متحرک ساده 20 روزه حرکت می کرده است که نشان دهنده روند شفاف صعودی است.

Setup 8 - Turn to Trend, EUR/CHF

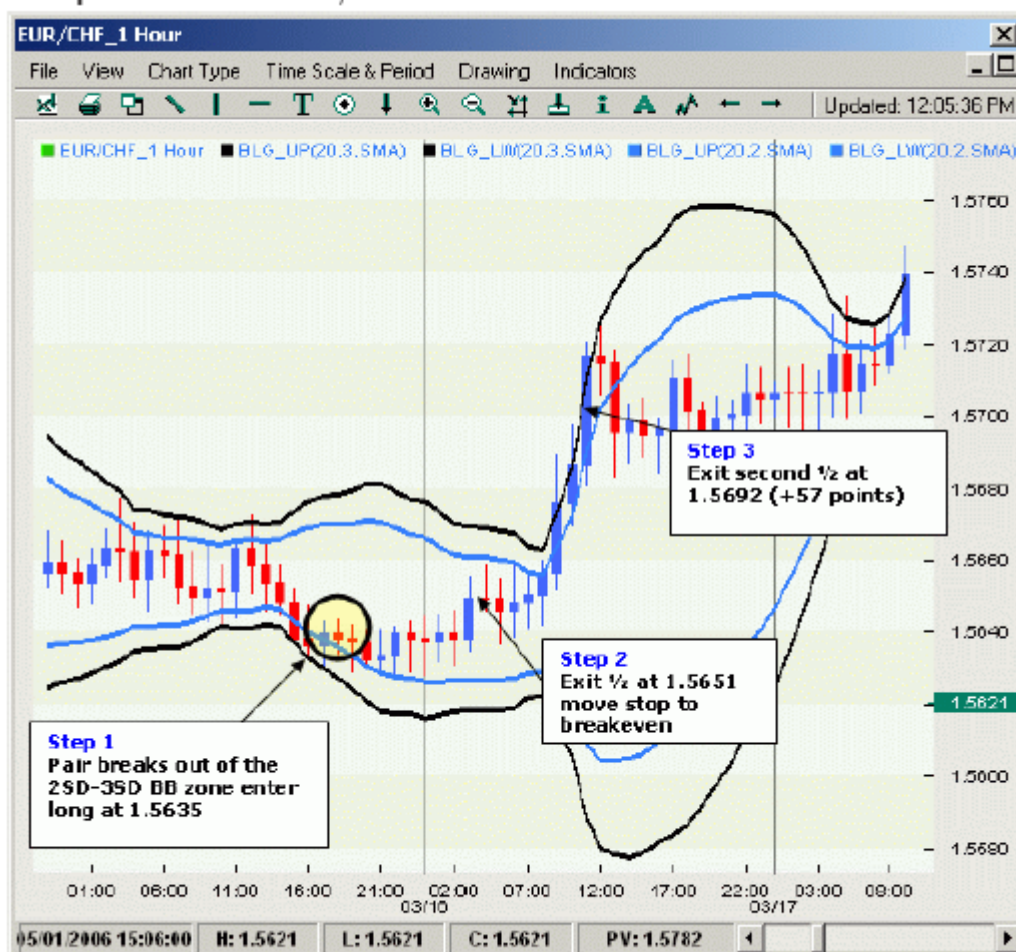


Figure 8 - 2

به نمودار یک ساعته مراجعه می کنیم. صبر می کنیم تا قیمت از سمت پائین محدوده بین دو باند بالینجر 2 و 3 برابر انحراف معیار را بشکند. در این شرایط در ساعت 6 بعد از ظهر 15 مارس 2006 در قیمت 1.5635 وارد معامله خرید شدیم. حد زیان در 1.6523 قرار می گیرد و مخاطره پذیرفته شده تنها 12 پیپ است. (توجه داشته باشید که این جفت ارز کم تحرک است و به همین دلیل ما قادر شدیم حد زیان کوچکی داشته باشیم. بنابراین به جای حد سود 50٪ گفته شده، از حد سود 100٪ مخاطره یعنی 12 پیپ استفاده کردیم. خوشبختانه در ساعت 3 صبح 16 مارس سود مورد نظر بدست آمد و نیمی از معامله در قیمت 1.5651 با سود 16 پیپ بسته شد. سپس حد زیان باقیمانده معامله را به نقطه سر به سر منتقل کردیم و به انتظار حرکت قیمت به سمت باند های بالائی بالینجر ماندیم. سپس منتظر ماندیم تا قیمت بین دو باند 2 و 3 برابر بالینجر بالائی حرکت کند تا با شکسته شدن باند 2 برابر به سمت پائین، نیمه دوم معامله خود را نیز ببندیم. این

شرایط در تاریخ 1 بعد از ظهر روز 16 مارس در قیمت 1.5692 با 57 پیپ سود بدست آمد.
 برای معامله ای با تنها 12 پیپ مخاطره چندان هم بد نیست!

Setup 8 - Turn to Trend, USD/CAD



Figure 8 - 3

مثال دوم کاربرد کلاسیکی از استراتژی بازگشت به روند را در جفت ارز USD/CAD با یک روند صعودی در 7 مارس 2006 نشان می دهد.

Setup 8 - Turn to Trend, USD/CAD



Figure 8 - 4

از نمودار روزانه به نمودار ساعتی می رویم و صبر می کنیم تا قیمت از باند های بالینجر بالائی به سمت بالا حرکت کند. در ساعت 11 صبح روز 16 مارس 2006 در قیمت 1.1524 وارد معامله خرید شدیم. حد زیان 5 پیپ پائین تر از یک قیمت کف یعنی 1.1505 قرار داده شد. یعنی پذیرش مخاطره 19 پیپی. در ساعت 10 بعد از ظهر 16 مارس قیمت به روند صعودی خود بازگشت و ما توانستیم نیمی از معامله خود را در قیمت 1.1540 ببندیم. سپس حد زیان نیمه دوم معامله به نقطه سر به سر منتقل گردید و سود 16 پیپی قبلی تثبیت گردید. قیمت بار دیگر صعود کرد و ما مترصد بودیم تا با مشاهده علائم تضعیف قدرت صعود یعنی بسته شدن یک کندل پائین تر از دو باند 2 و 3 برابر انحراف معیار، از نیمه دوم معامله نیز خارج شویم. این وضعیت در ساعت 11 روز 17 مارس پدید آمد و ما در قیمت 1.1587 از نیمه دوم معامله با 63 پیپ سود خارج شدیم.

Setup 8 - Turn to Trend, GBP/USD



Figure 8 - 5

مثال بعدی از مثالی از معامله فروش است. در 15 فوریه 2006 در نمودار روزانه GBP/USD مشاهده کردیم که قیمت زیر میانگین متحرک 20 روزه قرار دارد و نزولی می باشد.

Setup 8 - Turn to Trend, GBP/USD

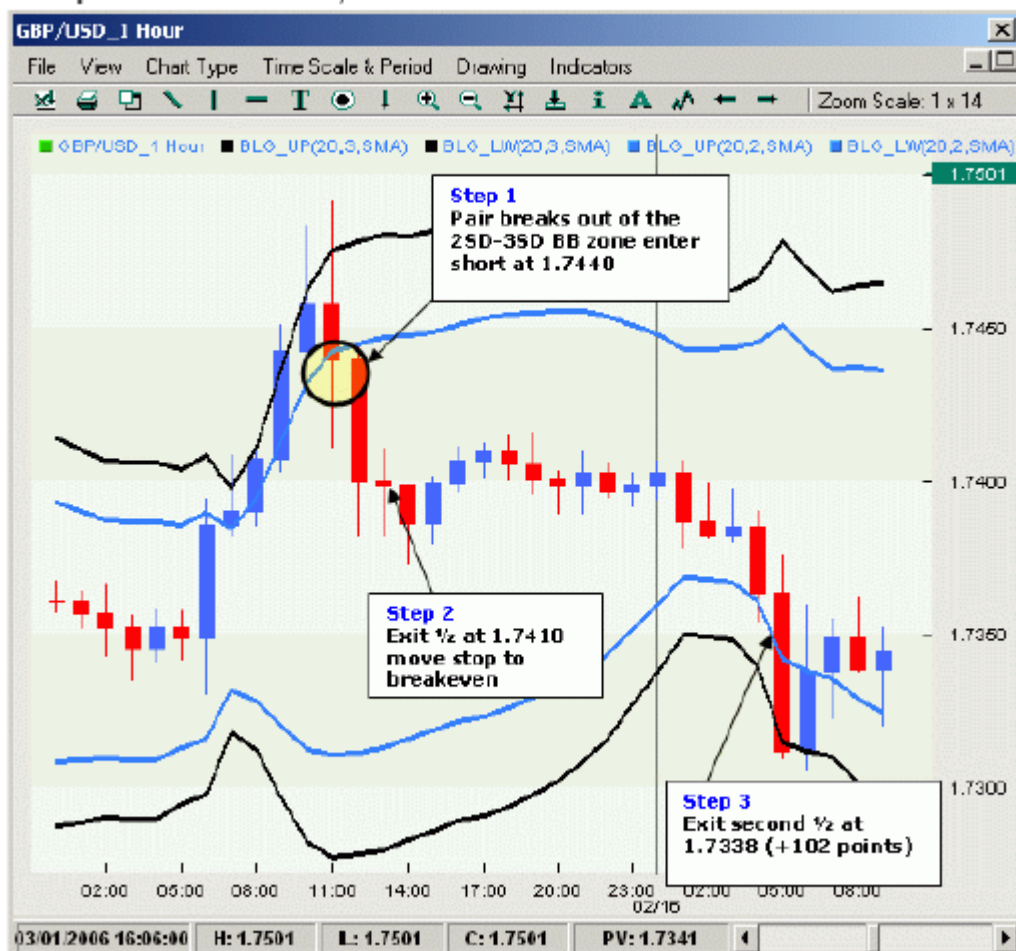


Figure 8 - 6

بنابراین توجه خود را به نمودار ساعتی معطوف نمودیم و به انتظار فرصت های فروش در شرایط خرید هیجانی نشستیم. صبر کردیم تا قیمت از نزول کرده و زیر باند های بالینجر 2 و 3 برابر انحراف معیار بالائی بسته شود. این شرایط در قیمت 1.7440 پدید آمد و حد زیان در فاصله 60 پیپی یعنی 1.7500 قرار داده شد. بر اساس قواعد نیمی از معامله را در قیمت 1.7410 در ساعت 1 بعد از ظهر، با سود 30 پیپ یا 50٪ مخاطره، بستیم و حد زیان نیمه دیگر را به نقطه سر به سر منتقل کردیم تا قیمت به باند بالینجر پائینی 3 برابر انحراف معیار برخورد کند. روند نزولی ادامه یافت و قیمت به محدوده مورد نظر ما وارد شد. در ساعت 6 صبح 16 فوریه 2006 قیمت از پائین باند بالینجر 2 برابر انحراف معیار را شکست و بقیه معامله را در قیمت 1.7338 با 102 پیپ سود بستیم.

Setup 8 - Turn to Trend, USD/CHF



Figure 8 - 7

مثال بعدی مزایای خروج مرحله ای از معامله را نشان می دهد. جفت ارز USD/CHF در روز 15 مارس 2006 در یک روند نزولی قرار دارد ولی چند روز بعد روند بر می گردد و صعودی می شود. ما هیچوقت نمی توانیم مطمئن باشیم که چنین حرکاتی اصلاحی و موقت هستند یا یک تغییر واقعی در روند. بنابراین به قواعد استراتژی خود وفادار می مانیم تا مخاطره خود را کنترل نمائیم.

Setup 8 - Turn to Trend, USD/CHF



Figure 8 - 8

در نمودار روزانه مشاهده کردیم که در ساعت 1 بعد از ظهر روز 21 مارس 2006 قیمت از بالا به کمتر از باند های بالینجر 2 و 3 برابر انحراف معیار نزول کرده است بنابراین در قیمت 1.3021 وارد معامله فروش شدیم. حد زیان 5 پیپ بیش از یک نقطه سقف نزدیک یعنی 1.3042 قرار داده شد. یعنی پذیرش مخاطره 21 پیپی. در ساعت 6 بعد از ظهر 21 مارس 2006 قیمت به اولین هدف قیمتی ما در 1.3008 برخورد کرد و سود 12 پیپ، یعنی حدود نصف مخاطره پذیرفته شده ، حاصل گردید. در همین زمان حد زیان نیمه دوم معامله را به نقطه سر به سر منتقل کردیم. از آن به بعد قیمت در جهت زیان ما حرکت کرد ولی قرار دادن حد زیان در نقطه سر به سر باعث شد که ما با زیان مواجه نشویم و بتوانیم سود اولیه 12 پیپی را حفظ کنیم.

Setup 8 - Turn to Trend, EUR/GBP



Figure 8 - 9

در پایان مثالی از شکست این استراتژی را بررسی می کنیم. در تاریخ 3 مارس 2006 جفت ارز EUR/GBP با شکست منحنی میانگین متحرک ساده 20 روزه وارد مرحله صعودی در نمودار روزانه شد.

Setup 8 - Turn to Trend, EUR/GBP



Figure 8 - 10

بر اساس استراتژی بازگشت به روند، ما صبر کردیم تا قیمت از پائین دو باند بالینجر 2 و 3 برابر انحراف معیار را بشکند و در ساعت 10 صبح 11 مارس 2006 در قیمت 0.6881 وارد معامله خرید شدیم. یک نقطه کف نزدیک در ساعت 7 صبح همان روز در 0.6878 تشکیل شده بود. بنابراین حد زیان را 5 پیپ پائین تر یعنی در 0.6873 قرار دادیم. یعنی 8 پیپ حد زیان. توجه داشته باشید که این جفت ارز کم تحرک و دارای ارزش پیپ بالائی است. هر پیپ این جفت ارز بیش از 175٪ یک پیپ EUR/USD ارزش دارد. بنابراین 8 پیپ مخاطره در این جفت ارز با بیش از 14 پیپ مخاطره در EUR/USD برابری می کند.

ابتدا قیمت کمی افزایش یافت ولی پس از آن به 0.6873 یعنی حد زیان ما کاهش یافت و معامله خرید ما با زیان بسته شد. این قیمت دقیقاً یک قیمت حداقل بود. از نظر بسیاری از معامله گران بسیار نا امید کننده است که قیمت قبل از اینکه فرصت حرکت در جهت سود را بیابد با حد زیان برخورد کند. ولی ما اینطور فکر نمی کنیم. خوردن حد زیان در یک نقطه حداقل هم بخشی از

معامله گری است و گاهی اتفاق می افتد. ولی درک کردن اهمیت مدیریت سرمایه و پایبندی به آن بسیار مهم تر است که به ما امکان می دهد سرمایه خود را حفظ کنیم و به دنبال کسب سود در فرصتهای بعدی باشیم. به جای خوردن حد زیان فرض کنید که ما این معامله را باز می گذاشتیم و فرض کنید که ممکن بود صدها پیپ کاهش یابد که جبران آن بسیار مشکل تر از یک زیان 8 پیپی است.

روایت دیگری از استراتژی بازگشت به روند - بازگشت انتقالی

بازگشت انتقالی روایت دیگری از استراتژی بازگشت به روند است که دیدگاه بلند مدت تری دارد و درصدد بهره برداری از تفاوت نرخ بهره جهت معاملات انتقالی (خرید ارزهای پر بهره در برابر ارز کم بهره برای بهره برداری از بهره شبانه) است. این روایت دارای تغییراتی است که آنرا از استراتژی بازگشت به روند متمایز می سازد. ولی ایده کلی آن از اصولی مشابه پیروی می کند. برای کسانی که حوصله کافی برای معاملات بلند مدت دارند، این استراتژی سیگنال های معاملاتی کمتر ولی قوی تری تولید می کند.

توجه کنید که معاملات این استراتژی فقط در جهت بهره شبانه مثبت انجام می شود. مثلا در جفت ارز AUD/JPY معامله فقط در جهت خرید انجام می شود. در حالی که در جفت ارز EUR/GBP معامله فقط در جهت فروش صورت می گیرد. توجه داشته باشید که زمان نگارش این کتاب (سال 2006) شرایط به این صورت بوده است و ممکن است در زمان دیگری نرخ بهره بین ژاپن بیش از دلار استرالیا باشد یا یورو بهره ای بیش از پوند پیدا کند که در این صورت جهت معاملات معکوس خواهد شد. به هر صورت قاعده ثابت این است که معامله باید همواره در جهت خرید ارزی باشد که دارای بهره بیشتری است.

بازگشت انتقالی از باند بالینجر در نمودار روزانه با تنظیمات 1و2 برابر انحراف معیار به جای 2و3 برابر انحراف معیار استفاده می نماید. استفاده از چارچوب زمانی طولانی تر به این منظور در نظر گرفته شده است که به معامله گر در جهت بهره برداری از بهره شبانه یاری نماید. ولی از آنجا که تغییر جهت عمیقتری مد نظر ماست، از شکست منطقه بین 1و2 برابر انحراف معیار به جای 2و3 برابر انحراف معیار استفاده شده است. قواعد معامله به این روش را در ادامه ملاحظه فرمائید:

قواعد معامله خرید

(همواره باید ارزش پایه یا سمت چپ بهره بالاتری داشته باشد)

- 1) دو باند بالینجر با 1 و 2 برابر انحراف معیار روی نمودار روزانه قرار دهید.
- 2) هر گاه قیمت از پائین محدوده بین باندهای 1 و 2 برابر را شکست و بیرون آن بسته شد، وارد معامله خرید شوید.
- 3) حد زیان را 5 پیپ پائین تر از یک نقطه کف نزدیک قرار دهید و مقدار مخاطره خود را محاسبه نمایید.
- 4) حد سود نیمه اول معامله خود را 50٪ مخاطره پذیرفته شده قرار دهید.
- 5) با حصول هدف اول حد توقف را به نقطه سر به سر منتقل نمایید.
- 6) نیمه دوم معامله را با برخورد به باند بالینجر 2 برابر بالائی ببندید و یا صبر کنید تا در نقطه سر به سر بسته شود.

قواعد معامله فروش

(همواره باید ارزش مقابل یا سمت راست بهره بالاتری داشته باشد)

- 1) دو باند بالینجر با 1 و 2 برابر انحراف معیار روی نمودار روزانه قرار دهید.
- 2) هر گاه قیمت از بالا محدوده بین باندهای 1 و 2 برابر را شکست و بیرون آن بسته شد، وارد معامله فروش شوید.
- 3) حد زیان را 5 پیپ بالاتر از یک نقطه سقف نزدیک قرار دهید و مقدار مخاطره خود را محاسبه نمایید.
- 4) حد سود نیمه اول معامله خود را 50٪ مخاطره پذیرفته شده قرار دهید.
- 5) با حصول هدف اول، حد توقف را به نقطه سر به سر منتقل نمایید.
- 6) نیمه دوم معامله را با برخورد به باند بالینجر 2 برابر پائینی ببندید و یا صبر کنید تا در نقطه سر به سر بسته شود.

Setup 8 - Turn to Trend, AUD/JPY



Figure 8 - 11

اولین نمودار مثالی از جفت ارز AUD/JPY را طی ماه مه تا ژوئن 2005 نمایش می دهد. در این شکل استراتژی بازگشت انتقالی دو سیگنال خرید صادر کرده که یکی موفق و دیگری ناموفق بوده است. در اوسط ماه ما مشاهده کردیم که قیمت از پائین باند بالینجر یک برابر را شکسته و بالاتر از آن بسته شده است. بنابراین ما در قیمت 81.92 وارد معامله خرید شدیم. روز بعد قیمت بالاتر رفت ولی به هدف قیمت اول ما نرسید و نزول کرد. طی سه روز بعدی کاهش ادامه یافت و نهایتاً قیمت با خد زیان ما برخورد نموده و 97 پیپ زیان پدید آورد. شاید بعضی از معامله گران تعجب کننده که چرا ما زودتر این معامله را نبستیم. پاسخ این است که معامله گر باید از سوئی زیان خود را محدود کند و از سوی دیگر به معامله اجازه دهد تا طی زمان کافی در جهت سود حرکت کند. استفاده از یک نقطه کف نزدیک، معیار مناسبی برای حد زیان معاملات خرید است و شکسته شدن آن نشان می دهد که هنوز روند نزولی ادامه دارد. این شرایط نشان می دهد که سیگنال ورود صحیح نبوده و از نظر اکثر معامله گران هنوز کاهش قیمت ها ادامه خواهد یافت. البته ممکن

است که اینطور نشود و قیمت مجدداً صعود کند ولی توجه کنید که بازار فارکس بازاری با اهرم بالاست و یک تصمیم غلط ممکن است به از بین رفتن کل سرمایه منجر شود. بنابراین مهم نیست که چقدر برگشت قیمت پس از برخورد به حد زیان ناراحت کننده است. معامله گران با تجربه هیچگاه اجازه نمی دهند که چنین وقایعی باعث غلبه احساسات آنان شده و انضباط معاملاتی شان را از میان ببرد.

دو روز پس از خوردن حد زیان ما سیگنال قیمت مجدداً از پائین باند بالینجر 1 برابر انحراف معیار را شکست و مجدداً سیگنال خرید در قیمت 81.34 صادر شد. این بار مخاطره معامله کمی کمتر بود، یعنی 70 پیپ. طی سه روز بعدی قیمت در جهت سود ما حرکت کرد و نیمه اول معامله در قیمت 81.70 بسته شد و 35 پیپ سود حاصل گردید. با ذخیره این سود، حد توقف نیمه دوم معامله به نقطه سر به سر منتقل شد و قیمت چند روز دیگر هم در جهت سود ما حرکت کرد و ما همچنین منتظر ماندیم و بهره های شبانه را دریافت نمودیم. نهایتاً در روز 26 ام ماه مه 2005 AUD/JPY قیمت به باند بالینجر 2 برابر انحراف معیار بالائی برخورد نمود و نیمه دوم پوزیشن با 141 پیپ سود بسته شد. حدود 22 پیپ نیز از اختلاف نرخ بهره حاصل شد. با وجود اینکه در مجموع این دو معامله ما با اندکی زیان مواجه شدیم، این استراتژی قدرت دیدگاه انضباط گرا را در معاملات واقعی به نمایش گذارد. با پایبندی به قواعد محدود کردن مخاطره توانستیم عمده زیان خود را جبران نموده و سرمایه خود را برای فرصتهای معاملاتی آتی حفظ کنیم. فرصت معاملاتی دیگری در همین جفت ارز در ماه آگوست 2005 رخ داد که در مثال آتی بررسی می شود.

Setup 8 - Turn to Trend, AUD/JPY



Figure 8 - 12

در روز 25 آگوست 2005، جفت ارز AUD/JPY کانال بین باندهای بالینجر 1 و 2 برابر انحراف معیار را شکست و بالاتر از این کانال در قیمت 83.55 بسته شد. بنابراین با بار شدن کندل بعدی وارد معامله خرید شدیم و حد زیان را در نقطه 82.60 قرار دادیم. توجه کنید که طی چند روز بعد قیمت در جهت زیان ما حرکت کرد ولی به حد زیان برخورد ننمود و ما همچنان بهره های شیان را جمع آوری نمودیم. تقریباً یک هفته بعد در تاریخ 2 سپتامبر 2005 قیمت به اولین هدف قیمتی ما یعنی 84.00 (معادل 50٪ مخاطره پذیرفته شده) برخورد کرد ما با کسب 45 پیپ سود، حد توقف نیمه دوم معامله را به نقطه ورود سر به سر منتقل کردیم. روز بعد قیمت کاهش یافت و نیمه دوم معامله به سمت حد توقف حرکت کرد ولی به آن برخورد ننمود. این معامله سه روز دیگر باز ماند تا قیمت صعود و در تاریخ 8 سپتامبر با باند بالینجر 2 برابر انحراف معیار بالائی برخورد کرد. نیمه دوم معامله 181 پیپ سود حاصل کرد و نگهداری این معامله نیز 25 پیپ سود

اضافی ناشی از اختلاف نرخ بهره پدید آورد. در مجموع سود حاصله 251 پیپ بود که به ازاء هر نیمه از معامله 125 پیپ حاصل گردید.

این معامله نشان می دهد که چگونه معاملات بلند مدت انضباط گرای مبتنی بر روش مشخص، سود آور هستند. مشاهده کردید با وجود اینکه معامله اول حدود 190 پیپ زیان پدید آورد ولی معامله دوم 141 پیپ سود و 20 پیپ بهره پدید آورد و معامله سوم 226 پیپ سود و 25 پیپ بهره حاصل نمود. بنابراین نهایتاً با 222 پیپ سود میدان معاملات را ترک کردیم. این مثالها نشان می دهد که معاملات بازار فارکس به دو مارا تن بیشتر شبیه است تا دو سرعت.

سخن پایانی درباره بازگشت به روند

در نهایت روایت های دیگری از بازگشت به روند نیز می تواند وجود داشته باشد. مثلاً معامله گران محتاطی که نمی خواهند از یک کف یا سقف نزدیک برای حد زیان استفاده کننده می توانند از حداقل یا حداکثر کندلی که منجر به ورود به معامله شده برای تعیین حد زیانی محدود تر استفاده نمایند. در این حالت مخاطره این استراتژی بسیار کمتر است ولی احتمال برخورد به حد زیان بیشتر است. مثلاً در اولین مثال حد زیان به 40 پیپ یعنی کمتر از نصف کاهش می یافت. ولی همین دیدگاه در مثال دوم می توانست به جای سود منجر به برخورد غیر ضروری به حد زیان 43 پیپی گردد. ولی حتی مجموع دو زیان 40 پیپی و 43 پیپی هنوز کمتر از زیان 97 پیپی معامله اول با قواعد استاندارد است. بنابراین معامله گرانی که می خواهند اگر معامله شان کاملاً صحیح نبود به سرعت از آن خارج شوند، می توانند از این روایت استفاده نمایند.

در پایان توجه کنید که استراتژی بازگشت انتقالی برای معاملات بلند مدت طراحی شده بنابراین حتی می تواند در چارچوب زمانی هفتگی نیز مناسب باشد. ولی نمودار هفتگی می تواند منجر به حد زیان های بسیار بزرگی شود که نسبت مخاطره به سود را نامناسب نماید. بنابراین انتخاب روایت مناسب از استراتژی بازگشت به روند برای موفقیت بسیار اساسی است.

فصل سوم :

**اخبار بنیادین : مهمترین عوامل
مخاطره در معامله گری**

پنج خبر اقتصادی مهم

با وجود اینکه تمام استراتژی های معرفی شده در این کتاب ماهیتاً تکنیکی هستند، ما هرگز فراموش نمی کنیم که مخاطره ناشی از اعلام اخبار مهم اقتصادی می تواند به سرعت بر معاملات ما غالب شود. بر خلاف اکثر تحلیلگران تکنیکی، ما هیچگاه بیش از حد به نمودار ها تکیه نمی کنیم. ما به قدرت اخبار بنیادین احترام می گذاریم و در معاملات خود هر دو جنبه تکنیکی و بنیادی را در نظر می گیریم. بنابراین آخرین بخش از این کتاب به معرفی پنج خبر مهم اقتصادی مربوط به ارزهای دلار، یورو، پوند و ین اختصاص یافته است. علاوه بر این اخبار، اعلام نرخ بهره ارزها و سیاست های پولی بانک های مرکزی، در بازار فارکس بسیار تاثیر گذار است که شما قطعاً با اثرات آن آشنا هستید.

شاخص های مهم اقتصادی ایالات متحده آمریکا

عنوان خبر	تعریف	دوره زمانی	قدرت تاثیر در بازار فارکس
تعداد مشاغل غیر کشاورزی NFP	جزئی از گزارش اشتغال است که تقریباً می توان از آن به عنوان مهمترین خبر منفرد اقتصادی یاد کرد.	اولین جمعه هر ماه منتشر می شود.	تاثیر بسیار قوی دارد. چرا که افزایش مشاغل و کلید سلامت اقتصادی و یکی از مهمترین شاخص هائی است که در سایت های پولی مورد توجه قرار می گیرد.
تراز تجاری	مقدار تجارت بین ایالات متحده و سایر کشور ها را اندازه گیری می کند.	ماهانه	دارای اثر متوسط تا قوی است. معمولاً اگر کسری تراز تجاری بیش از 6% تولید ناخالص داخلی باشد، مورد توجه بیشتری قرار گرفته و منجر به تضعیف دلار می شود.
تقاضای جاری برای سهام TICS	گزارش خرانه داری درباره تقاضای خارجی برای سهام است.	در حدود یازدهمین روز کاری هر ماه منتشر	دارای تاثیر متوسط تا قوی است. با وجود اینکه بیش از دو سال از شروع انتشار این گزارش نمی گذرد،

جایگاه خود را در بازار پیدا کرده است چون مقادیر مثبت می توان کسری تر از تجاری را پوشش دهد.	می شود و مربوط به یک ماه و نیم قبل است.		
اثر متوسط دارد. این شاخص با وجود دیدگاه گذشته نگر، یک معیار مناسب برای فعالیت کلی اقتصادی است. در صورتی که از حدود مورد انتظار فاصله زیادی داشته باشد می تواند تاثیر قابل توجهی در قیمت ها بگذارد.	فصلی (با سه روز آوری ماهانه)	ارزش نهائی کالاها و خدمات تولید شده در ایالات متحده است.	تولید ناخالص داخلی GDP
دارای اثر متوسط است. این شاخص به عنوان نماینده قیمت واقعی مواد غذایی، حمل و نقل و مسکن مورد بحث است. ولی هنوز می تواند موثر باشد، بخصوص در صورتی که شاخص اصلی آن بیش از 2% اعلام شود.	ماهانه	تغییرات قیمت در سبد ثابتی از کالاها و خدمات مورد مصرف را اندازه می گیرد.	شاخص قیمت مصرف کننده CPI

شاخص های مهم اقتصادی اتحادیه اروپا

عنوان خبر	تعریف	دوره زمانی	قدرت تاثیر در بازار فارکس
گزارش IFO	اطمینان تجاری آلمان را اندازه گیری می کند و مبتنی بر داده های ورودی از مجریان است.	ماهانه	دارای تاثیر قوی است. این گزارش مهمترین معیار اطمینان تجاری است و معمولاً حاکی از فعالیت تجاری می باشد.
شاخص خرده فروشی	مقدار خرده فروشی را اندازه گیری می کند و اهمیت آن به دلیل تخمین مصارف شخصی می باشد.	ماهانه	دارای تاثیر متوسط تا قوی است. به عنوان شاخص اولیه مصارف شخصی، راهنمای مهمی برای قدرت اقتصادی است.
شاخص قیمت مصرف کننده CPI	تغییرات قیمت در سبد ثابتی از کالاها و خدمات مورد مصرف را اندازه می گیرد.	ماهانه	دارای اثر قوی است. بانک مرکزی اروپا هدف 2% را برای این شاخص تعیین کرده و در صورت عبور از این مقدار سیاست انقباضی در پیش می گیرد. در غیر این صورت سیاست خنثی یا انبساطی در پیش گرفته می شود.
تولید ناخالص داخلی GDP	ارزش نهائی کالاها و خدمات تولید شده در ایالات متحده است.	ماهانه	اثر متوسط دارد. در صورتی که از حدود مورد انتظار فاصله زیادی داشته باشد، می تواند تاثیر قابل توجهی در قیمت ها بگذارد.
بیکاری منطقه اقتصادی اروپا	عبارتست از درصد نیروی کار بدون شغل	ماهانه	اثر متوسط دارد. داده های بیکاری به تدریج افشا می شود و ارزش این خبر را کاسته است.

شاخص های مهم اقتصادی ژاپن

عنوان خبر	تعریف	دوره زمانی	قدرت تاثیر در بازار فارکس
-----------	-------	------------	---------------------------

گزارش تانکان	مهمترین گزارش وضعیت شرکت ها در ژاپن	فصلی	تاثیر قوی دارد. وضعیت شرکت ها اثر قابل توجه روی رشد اقتصادی ژاپن دارد و به همین دلیل تاثیر این گزارش زیاد است.
تولید ناخالص داخلی GDP	ارزش نهائی کالاها و خدمات تولید شده در ژاپن است.	ماهانه	اثر متوسط تا قوی دارد. در صورتی که از حدود مورد انتظار فاصله زیادی داشته باشد، می تواند تاثیر قابل توجهی در قیمت ها داشته باشد.
شاخص قیمت مصرف کننده CPI	تغییرات قیمت در سبد ثابتی از کالاها و خدمات مورد مصرف را اندازه می گیرد.	ماهانه	دارای اثر قوی است. ژاپن بیش از 10 سال است که در حالت رکود قیمت ها قرار دارد. بنابراین شاخص های تورمی می تواند اثر مهمی روی سیاست ها پولی داشته باشد.
مخارج خانوارها	دخل و خرج خانوار های مصرف کننده را نشان می دهد.	ماهانه	اثر متوسط دارد. این شاخص نیز در اندازه گیری قدرت یا ضعف رکود قیمت ها اهمیت دارد.
گزارش ECO watchers	وضعیت تجاری شاغلین به خدمات مستقل را نشان می دهد.	ماهانه	اثر متوسط دارد. این شاخص فعالیت اقتصادی را نشان می دهد.

شاخص های مهم اقتصادی بریتانیا

عنوان خبر	تعریف	دوره زمانی	قدرت تاثیر در بازار فارکس
شاخص	مقدار خرده فروشی	ماهانه	دارای تاثیر قوی است.

مخارج مصرف کنندگان 70% اقتصاد بریتانیا را تشکیل می دهد و برای سلامت اقتصاد نقش کلیدی دارد.		را اندازه گیری می کند و اهمیت آن به دلیل تخمین مصارف شخصی می باشد.	خرده فروشی
اثر متوسط تا قوی دارد. تولیدات صنعت و معدن در اقتصاد بخصوص صادرات اهمیت ویژه ای دارد.	ماهانه	نشان دهنده تولیدات صنایع و معادن است.	تولید صنعتی و تولیدات کارخانه ای
دارای اثر متوسط تا قوی است. بانک انگلستان هدف 2% را برای این شاخص تعیین کرده و در صورت عبور از این مقدار سیاست انقباضی در پیش می گیرد. در غیر این صورت سیاست خنثی یا انبساطی در پیش گرفته می شود.	ماهانه	تغییرات قیمت در سبد ثابتی از کالاها و خدمات مورد مصرف را اندازه می گیرد.	شاخص قیمت مصرف کننده همگن شده HICP
اثر متوسط تا قوی دارد. افزایش بیکاری موجب کاهش قدرت خرید شده و اثر منفی بر اقتصاد دارد.	ماهانه	عبارتست از درصد نیروی کار بدون شغل	نرخ بیکاری
مسکن نقش مهمی در دارایی ها دارد و تغییرات در آن دارای اثر معنی داری بر اقتصاد بریتانیا است.	ماهانه	گزارشی است که توسط انستیتوی سلطنتی مساحان دارای مجوز درباره بازار مسکن تهیه می شود.	گزارش مسکن RICS